

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شب کنکور دکتری

(حقوق جزا و جرم‌شناسی)

شامل سرفصل‌های:

حقوق جزای عمومی (مطابق تغییرات قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

حقوق جزای اختصاصی (مطابق تغییرات قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹)

جرم‌شناسی

آیین دادرسی کیفری

متون فقه جزایی (حدود - قصاص - دیات - قضا و شهادت)

به کوشش:

دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

**گوشزد: به دلیل نمونه بودن فایل، قیمت و آخرین سال چاپ کتاب را در قسمت سایت مشاهده نمایید.**

سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرمشناسی  
 عنوان: شب کنکور دکتری حقوق جزا و جرمشناسی (خلاصه دروس)  
 مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، سال....  
 نوبت چاپ: دوم  
 مشخصات ظاهری: ۸۰۴ صفحه / جدول  
 موضوع: خلاصه دروس دکتری حقوق جزا و جرمشناسی - نکات آزمونی - تست و خودسنجی  
 موضوع: حقوق جزا و جرمشناسی - دکترای نیمه متمرکز - آزمون دکتری ۱۴۰۱ / ۱۴۰۲  
 شناسه افزوده: حقوق - قانون - ایران  
 موضوع: حقوق جزای عمومی - حقوق جزای اختصاصی - جرمشناسی - آیین دادرسی کیفری - متون فقه جزایی  
 شناسه افزوده: نظریات جرمشناسی - جامعه شناسی جنایی - جرم و مجازات - حدود - قصاص - دیات - قضا - شهادت  
 شناسه افزوده: صاحب جواهر - شهید اول - شهید ثانی - امام خمینی - آیت الله خوئی  
 قیمت: ..... تومان

**عنوان:** شب کنکور دکتری حقوق جزا و جرمشناسی (خلاصه دروس)

**به کوشش:** دپارتمان تخصصی حقوق دکتری جزا و جرمشناسی

**ناظر:** ابوالقاسم شم آبادی

**ناشر:** عدلیه، ....

**نوبت چاپ:** دوم، سال....

**تیراژ:** ۵۰۰ نسخه

**بهاء:** .... تومان

**آدرس دفتر مرکزی:**

**تهران - میدان انقلاب - جمالزاده جنوبی - قبل از خیابان لبافی نژاد - پلاک ۹۴ - ساختمان ۱۴۰**

**طبقه ۴ - واحد ۱۷**

**تلفن:**

**۰۲۱۶۶۹۲۱۰۰۲**

**۰۲۱۶۶۵۸۱۷۴۸**

**Email: nashreadliye@gmail.com**

**http://www.adlpub.com**

**آی دی کانال دکتری حقوق در تلگرام**

**@ PHDdaktori**

**حق چاپ برای ناشر محفوظ است**

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۵
بخش اول: حقوق جزای عمومی .....	۷
بخش دوم: حقوق جزای اختصاصی .....	۱۹۵
بخش سوم: جرم‌شناسی .....	۳۵۰
بخش چهارم: آیین دادرسی کیفری .....	۵۵۵
بخش پنجم: متون فقه جزایی .....	۶۵۰

دکتری - ۰۲۱۹۶۹۲۱۰۰۲ - ۰۶۱۸۱۹۰۹۳۱۹ - ۰۹۱۲۲۱۰۹۳۱۹

# تقدیم به روح پاک اساتید بی بدیل حقوق جزا

دکتر رضا نوربها (مرحوم)

دکتر محمود آخوندی (مرحوم)

دکتر ایرج گلدوزیان (مرحوم)

## مقدمه

با توجه به اصلاحیه‌ها و سرفصل جدیدی که بعد از چندین سال تغییر و تحول در سال ۹۵ جهت نیمه متمرکز کردن آزمون دکتری (که شامل شاخه دکتری جزا و جرم‌شناسی هم می‌شد) ایجاد شد اینک برای ورود به این مقطع داوطلبان بایستی **منابع تخصصی** (جرم‌شناسی - جزای عمومی و اختصاصی - آیین دادرسی کیفری - متون فقه جزایی) و **منابع عمومی** (زبان عمومی و استعداد و هوش) را امتحان داده و نمره لازم را کسب کنند. ضریب دروس تخصصی ۴ و ضریب دروس عمومی ۱ می‌باشد.

تعداد داوطلبان نیز در سال‌های بین ۹۶ الی ۹۹ از حدود ۹ هزار داوطلب به ۶ هزار داوطلب رسیده است که این روند کاهشی ادامه دارد؛ مخصوصاً اینکه در آزمون دکتری سال ۱۴۰۰ تعداد داوطلبان کمتر از ۵ هزار داوطلب بوده است. اما بعد از اینکه آزمون دکتری برگزار شد؛ و کارنامه مرحله اول ارائه شد؛ بر اساس نمره و رتبه کسب شده، داوطلب، دعوت به مصاحبه می‌شود؛ که ممکن است به یک دانشگاه دعوت شود و یا چندین دانشگاه.

با این توضیح تا مرحله آزمون دکتری که عموماً در اسفند ماه برگزار می‌شود (به استثناء آزمون دکتری ۹۹ که به دلیل شیوع کرونا تعلیق شد) داوطلبان نصف راه آزمون را طی می‌کنند؛ مطابق مقررات منتشره از وزارت علوم و دفترچه سازمان سنجش، آزمون دکتری مجموعاً ۱۰۰ امتیاز از ابتدا تا پایان آن دارد؛ به این صورت که: مجموع نمرات داوطلب در آزمون اسفند ماه ۵۰ امتیاز خواهد بود (نهایتاً) و ۵۰ امتیاز دیگر مربوط به زمان مصاحبه می‌شود؛ (منظور از مصاحبه، مصاحبه شفاهی و سوابق علمی و پژوهشی است)

فارغ از مطالب فوق، کتابی که در پیش رو می‌بینید؛ شب کنکور دکتری جزا و جرم‌شناسی است که سرفصلهای تخصصی دکتری جزا را در یک جلد مورد بررسی قرار داده است. شب کنکور یعنی کتابی که مختصر و مفید است و داوطلب در نزدیک‌ترین زمان به کنکور بتواند آن را مطالعه کند. این کتاب عموماً در بردارنده مباحث اصلی است و آزمون‌ی است و به فرعیات نمی‌پردازد. مطالعه این کتاب برای داوطلبانی که منابع دیگری را مطالعه کرده‌اند و یا تا کنون مطالعه‌ای نداشته‌اند بسیار کارآمد است؛ در هر دو مورد کمک می‌کند اطلاعات داوطلب در حقیقت زیر و رو شود و داوطلب، در آزمون با آمادگی بیشتری شرکت کند.

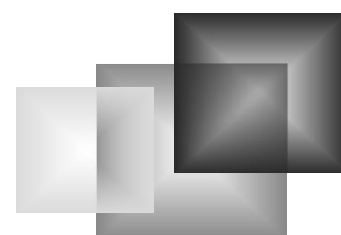
در ویرایش سال ۱۴۰۰ کتاب شب کنکور، مباحث کمی گسترده‌تر نسبت به جلدهای قبلی شده است و در بخش حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی، متن کتاب را مطابق قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به روز آوری کرده‌ایم.

امیدواریم این کتاب برای داوطلبان دکتری جزا، مفید واقع شود و با مطالعه این کتاب آمادگی نسبی برای آزمون پیدا کنند. نسبی از این جهت که هر کارکنیم کتاب شب کنکور ۱۰۰ درصد مباحث را ندارد و به نظر ما بین ۵۰ الی ۷۰ درصد مباحث را در این کتاب ما پوشش داده‌ایم؛ که آن هم در یک جلد کتاب، کار کوچکی نیست.

مسئله این کتاب، با علاقه بسیاری از داوطلبان مواجه شده است؛ هم به دلیل محتوای آن که مفید است و خیلی از داوطلبانی که نتیجه گرفته‌اند به دوستانشان معرفی کرده‌اند و هم اینکه بسیاری از داوطلبان دکتری به دلیل مشغله فرصت کافی برای مطالعه همه دروس ندارند و در نهایت نمی‌توانند بیش از یکی دو ماه بر روی منابع، سرمایه‌گذاری کنند.

## دپارتمان تخصصی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

# بخش اول: حقوق جزای عمومی



## مقدمه

(سیر قانونگذاری)

قبل از انقلاب

بعد از انقلاب

قانونگذاری کیفری در ایران بنا بر یک تقسیم بندی به دو دوره قابل تقسیم است:

**قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴** (مواد ۱ الی ۱۶۹ مصوب ۱۳۶۴/۱۰/۲۳ و مواد ۱۷۰ الی ۲۸۰ مصوب ۱۳۰۴/۱۱/۷)

قبل از انقلاب:

**قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲** (این قانون، اصلاح قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ بود.)

قانون حدود

۱) سال ۱۳۶۱: قانون قصاص

قانون دیات

**قانون راجع به مجازات اسلامی (که جزای عمومی محسوب می‌شد).**

**۲) سال ۱۳۶۲:** در این سال قانون تعزیرات در ۱۵۹ ماده به تصویب رسید.

**۳) سال ۱۳۷۰:** در این سال قانون حدود، قصاص و دیات و قانون راجع به مجازات اسلامی با هم تلفیق می‌شوند و قانون مجازات اسلامی نام می‌گیرند. این قانون از ماده ۱ الی ۴۹۷ را در بر گرفت (مصوب کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس به طور آزمایشی برای ۵ سال بود که چند بار اعتبار آن تمدید شد.)

بعد از انقلاب:

کتاب اول: کلیات؛ مواد ۱ تا ۶۲ مکرر

کتاب دوم: حدود؛ مواد ۶۳ تا ۲۰۳

کتاب سوم: قصاص؛ مواد ۲۰۴ تا ۲۹۳

کتاب چهارم: دیات؛ مواد ۲۹۴ تا ۴۹۷

**۴) سال ۱۳۷۵:** در این قانون کتاب پنجم مجازات اسلامی تحت عنوان تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به تصویب رسید؛ (مواد ۴۹۸ الی ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی) این کتاب از قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون دایمی به تصویب رسید و اعتبار چهار کتاب اول قانون مجازات اسلامی برای مدت ۱۰ سال دیگر تمدید شد. بنابراین چهار کتاب اول تا سال ۱۳۸۵ معتبر بوده است که از سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۹۰، هر سال اعتبارش تمدید شده و در سال ۱۳۹۱ اجازه اجرای آن تا زمان تصویب قانون جدید از رهبری گرفته شد و سرانجام قانون جدید در سال ۱۳۹۲ لازم الاجرا گردید.

**۵) سال ۱۳۸۸:** در این سال فصل جرائم رایانه‌ای به قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ الحاق شده است.

**۶) سال ۱۳۹۱:** در این سال قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ مواد ۶۴۵/۶۴۲ و ۶۴۶ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) را منسوخ اعلام کرد.

**۷) سال ۱۳۹۲:** در این سال کتاب اول، دوم، سوم و چهارم قانون مجازات اسلامی اصلاح می‌شود و از ماده ۱ الی ۲۱۶ به کتاب اول (کلیات) و از ماده ۲۱۷ الی ۲۸۸ به کتاب دوم (حدود) و از ماده ۲۸۹ الی ۴۴۷ به کتاب سوم (قصاص) و از ماده ۴۴۸ الی ۷۲۸ به کتاب چهارم (دیات) اختصاص می‌یابد.

**۸) سال ۱۳۹۳:** در این سال به موجب ماده ۶۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۳، مواد ۷۵۶ الی ۷۷۹ قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۸ الی ۵۱ قانون جرائم رایانه‌ای) از فصل جرائم رایانه‌ای کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی حذف گردید.

**۹) سال ۱۳۹۹:** در این سال قانون کاهش حبس‌های تعزیری تصویب شده و به موجب آن مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی اصلاح شد.

# فصل اول: عناصر متشکله پدیده مجرمانه

مبحث اول: عنصر قانونی (یا اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها)

عناصر متشکله پدیده مجرمانه

- ← مبحث دوم: عنصر مادی
- ← مبحث سوم: عنصر معنوی

## مبحث اول: عنصر قانونی

عنصر قانونی (یا اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها)

عنصر قانونی یعنی تعیین وصف مجرمانه به حکم قانون به این مفهوم که قانونگذار باید فعل یا ترک فعل را از پیش، جرم انکاری کرده و برای آن کیفری مقرر کرده باشد و مادام که قانونگذار رفتاری را جرم شناخته و برای آن کیفری معین نکرده است؛ آن رفتار مباح و مجاز است.

اولین بار در قرن ۱۸ میلادی در راستای نفی استبداد قضایی (این اصل) مطرح شد.

طرح اصل مذکور توسط منتسکیو در کتاب روح القوانين

طرح اصل مذکور توسط بکاریا در کتاب جرائم و مجازاتها

طرح اصل مذکور در اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ م

طرح اصل مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ م

مبانی تاریخی این اصل:

آیه ۷ سوره طلاق: «لا یكلف الله نفسا الا ما آتیها»

آیه ۱۵ سوره اسراء: «و ما كنا معذبین حتی نبعث رسولا»

قاعده منع عقاب بلا بیان

حدیث نبوی رفع (رفع عن امتی تسعه اشیاء.....)

اصل اباحه

مبانی شرعی اصل در نظام جزایی اسلامی:

اصول ۱۶۷ و ۱۶۹ قانون اساسی ج.۱.۱

اصول ۳۲، ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی ج.۱.۱

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

تفسیر مضیق قوانین جزایی

مبانی قانونی اصل در نظام قانونی ایران:

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها:

عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری (جزایی)

نکته: سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۹۱: هر دو اصل فوق (تفسیر مضیق و عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی) از اصول مسلم حقوق جزا می باشند.

بنابراین در ادامه مطلب دو موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف: تفسیر مضیق قوانین جزایی

ب- عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری (جزایی)



## الف: تفسیر مضیق قوانین جزایی

مفهوم تفسیر قوانین: تفسیر به معنای: کشف مقصود قانونگذار و آشکار کردن معنی الفاظ قانونی که در ظاهر مبهم و مجمل اند؛ می باشد.

مقام تفسیر قانون اساسی: شورای نگهبان است.

مقام تفسیر قوانین عادی: مجلس شورای اسلامی است.

مقام صالح در تفسیر قوانین:

محدوده اختیار قاضی در تفسیر قوانین: در حد تمیز حق است؛ به نحوی که قاضی حق

جرمانگاری یا جرمزدایی را نخواهد داشت.

تفسیر قوانین عادی توسط مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۳ قانون اساسی)

تفسیر قانونی: تفسیر قانون اساسی توسط شورای نگهبان (اصل ۹۸ قانون اساسی ج. ۱.۱)

تفسیر قضایی: تفسیر توسط قاضی در مقام تمیز حق (اصول ۷۳ و ۱۶۶ قانون اساسی ج. ۱.۱)

تفسیر مضیق، محدود، ادبی یا منطوقی

انواع تفسیر قانون:

(به اعتبار مقام تفسیر کننده)

تفسیر منطقی (یا توضیحی یا غایی)

تفسیر از طریق قیاس با رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها

تفسیر دکترین:

تفسیر موسع به نفع متهم (تفسیر گسترده به ضرر متهم جایز نیست؛ با

رعایت حاکمیت اصل برائت / سوال کارشناسی ارشد سراسری سال

(۱۳۹۲)

نکته: اصل در قوانین کیفری بر تفسیر مضیق قوانین است.

نکته: تفسیر به نفع متهم، ریشه در اصل برائت دارد. (دکتر اردبیلی)

نکته: از آثار تفسیر مضیق، تبرئه در حال شک و منع دلیل تراشی به وسیله قیاس است. (دکتر نوربها)

نکته: تفسیر منطقی یا توضیحی: احراز نظر واقعی مقنن است.

نکته: تفسیر مضیق قوانین جزایی شامل قوانین ماهوی بوده و قوانین شکلی را شامل نمی شود. بنابراین در قوانین شکلی که

اصولا برای اجرای بهتر عدالت و سهولت کشف حقیقت وضع می شوند؛ تفسیر موسع پذیرفته شده است.

نمونه؛ تفسیر لفظی واژه «اکاذیب» در ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در صیغه جمع که مستلزم تحقق اظهار بیشتر از یک قول دروغ

یا اسناد بیشتر از یک عمل خلاف حقیقت باشد با منطبق مقرر در مقابله با جرم نشر اکاذیب مطابقت ندارد؛ به همین دلیل در مورد مقرر

مشابه ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات که در ماده ۲۶۹ مکرر قانون مجازات عمومی سابق آمده بود؛ شعبه ۲ دیوانعالی کشور در حکم شماره ۲۶۲۲

مورخ ۱۳۱۸/۱۰/۱۰ چنین تفسیر می نماید: «... و اکاذیب و اعمال هم هر چند در ماده مزبور به کلمه جمع گفته شده ولی منظور نوع آن امور

بوده و بر حسب عرف و تبادل به یک عمل صدق می کند و اگر کسی یک فقره امر کذب و خلاف حقیقت را هم به نحو مقرر در آن ماده به

غیر نسبت دهد؛ قابل تعقیب است.»

تبرئه در حال شک

نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها:

منع دلیل تراشی به وسیله قیاس

## ب - عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری

(یا قلمروی اجرای قوانین در زمان)

### عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی

**ماده ۱۰ - در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدام تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده است و مرتکب هیچ رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به موجب قانون مؤخر به مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کرد لکن چنانچه پس از وقوع جرم، قانونی مبنی بر تخفیف یا عدم اجرای مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی یا از جهاتی مساعدتر به حال مرتکب وضع شود، نسبت به جرائم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی، مؤثر است.** هرگاه به موجب قانون سابق، حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف - اگر رفتاری که در گذشته جرم بوده است به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، حکم قطعی اجراء نمی‌شود و اگر در جریان اجراء باشد اجرای آن موقوف می‌شود. در این موارد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده است هیچگونه اثر کیفری بر آن مترتب نیست.

ب - اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.

تبصره - مقررات فوق در مورد قوانینی که برای مدت معین و یا موارد خاص وضع شده است، مگر به تصریح قانون لاحق، اعمال نمی‌شود.

**مفهوم قاعده:** اصولاً اثر قوانین ناظر به آینده است و قوانین بر گذشته بار نمی‌گردد و هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

**نکته:** برخلاف تفسیر مضیق قوانین جزایی که در قانون مجازات اسلامی ماده استنادی ندارد؛ قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین مستند صریح دارد: ماده ۱۰ ق.م.ا.

اصل ۱۶۹ قانون اساسی ج. ۱۰.۱  
ماده ۴ قانون مدنی

مواد ۱۰ و ۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

**تحلیل ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر اصل عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی:**

۱. مبنای ماده ۱۰ ق.م.ا، اصل ۱۶۹ قانون اساسی می‌باشد.
۲. ماده ۱۰ ق.م.ا فقط در مقررات دولتی (همه قوانین جزایی ماهوی به جز حدود، قصاص و دیات) کاربرد دارد.
۳. ماده ۱۰ ق.م.ا در کلیه احکام شرعی (حدود، قصاص و دیات) به استناد رای وحدت رویه ۴۵ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ کاربرد ندارد.

**استثنائات ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی:**

۱. امکان عطف بماسبق نشدن قوانین تفسیری (سوال کارشناسی ارشد سال ۱۳۷۶)
- قوانین تفسیری: قانونی است که از قانون دیگر رفع ابهام می‌کند و قانون جدیدی محسوب نمی‌شود؛ پس اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم الاجرا شده باشد.
۲. امکان عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی لاحق که به نفع متهم باشند: (با رعایت مقررات ماده ۱۰ ق.م.ا)

قوانین لاحقی که به موجب آنها از رفتار سابق متهم جرم زدایی شود. (بند الف م ۱۰)

قوانین لاحقی که به موجب آنها مجازات جرم ارتكابی تخفیف داده شود. (بند ب م ۱۰)

**کیفیت عطف بماسبق نشدن قوانین لاحق:**

<sup>۱</sup> - یکی از مبانی فقهی قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری قاعده الجبّ است؛ این قاعده به معنای از بین بردن و محو کردن است و مورد آن در جایی است که انسان گناهی قبل از تشرف به دین اسلام داشته اما اسلام آنها را محو می‌کند.

**اگر حکم قطعی صادر نشده باشد: قانون لاحق قابل اعمال است.**

**قوانین لاحقی که به موجب آنها از رفتار سابق متهم جرم زدایی شود:**

اگر اجرا نشده دیگر اجرا نمی‌شود.

**اگر حکم قطعی صادر شده باشد: اگر در حال اجرا باشد؛ قرار موقوفی اجرا صادر می‌شود.**

اگر قبلاً اجرا شده اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود.

قاضی اجرای مجازات موظف است قبل از شروع به اجرا یا در حین اجرا از دادگاه صادر کننده حکم قطعی اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند.

**قوانین لاحقی که به موجب آنها مجازات جرم ارتكابی تخفیف داده شود:**

محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا کند؛ دادگاه صادر کننده حکم با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف می‌دهد.

در اقدامات تامینی و تربیتی ناظر بر اطفال بزهکار نیز ولی یا سرپرست طفل می‌تواند؛ تخفیف اقدام تامینی و تربیتی را تقاضا کند.

**نکته:** با لحاظ بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا.پس از لازم الاجرا شدن حکم، قاضی اجرای مجازات موظف است در بازه زمانی مذکور از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اصلاح حکم را نماید؛ اما محکوم قبل از لازم الاجرا شدن حکم نیز امکان تقاضای اصلاح حکم، مطابق قانون لاحق مخففه را از دادگاه صادر کننده حکم دارد؛ با تاکید بر این نکته که در این مورد به **دادگاه صادر کننده حکم قطعی** اشاره کرده است.

**نکته:** در ماده ۱۰ ق.م.ا. قواعد مربوط به عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی به طور محدود رعایت می‌شوند و فقط در برخی موارد، استثنائاً قوانین جزایی لاحق به گذشته بر می‌گردند.

**نکته:** بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا. ناسخ بند ۷ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری است که؛ قوانین لاحق تخفیف دهنده مجازات را از موارد امکان تقاضای اعاده دادرسی می‌دانست؛ در حالی که به استناد بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا. این امر از موجبات تخفیف مجازات از طریق دادگاه صادر کننده حکم محسوب خواهد شد. **(سوال قضاوت سال ۱۳۹۱)**

**نکته:** قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی در جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات اعمال نمی‌شود؛ بنابراین، این قوانین شرعی به گذشته عطف می‌شوند. **(سوال وکالت سال ۱۳۹۱ و قضاوت سال ۱۳۹۱)**

**نکته:** در جرم جاسوسی چنانچه تحصیل خبر در زمان قانون سابق باشد و اعلام خبر در زمان قانون لاحق: وی طبق قانون لاحق محاکمه خواهد شد؛ حتی اگر قانون لاحق شدید باشد.

**نکته:** به موجب قانون جزایی لاحق، مجازات جرم ارتكابی تخفیف می‌یابد. محکوم علیه برای اعمال تخفیف در مجازات موضوع حکم چگونه باید اقدام کند؟ می‌تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اعمال تخفیف را بنماید. **(بند ب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) (سوال مشاوران سال ۹۸)**

**قوانین خفیف**

**قوانین جرم زدا**

**قوانین مساعد به نفع متهم**

**قوانین ناظر به مرور زمان**

**قوانین شکلی با لحاظ ماده ۱۱ ق.م.ا.**

**قوانین تفسیری**

**قوانینی که استثنائاً عطف بماسبق می‌شوند:**

**قوانین خفیف:** قانونی است که از نظر مجازات نسبت به قانون سابق بر خود، خفیف‌تر باشد و ملاک تشخیص خفیف‌تر بودن مجازات، بررسی حداقل و حداکثر مدت محکومیت در مجازات حبس یا میزان مبلغ در مجازاتهای مالی است. همچنین در این امر، نوع مجازاتها نیز ملاک می‌باشند؛ چنانکه مجازاتهای تعزیری نسبت به مجازاتهای حدی اخف محسوب می‌شوند.

**قوانین جرم زدا:** قانون جدیدی است که با لغو مجازات مندرج در قانون سابق، حکم بر جرم بودن عمل را از اثر بیندازد.

**قوانین مساعد به حال متهم:**

۱. قانونی که قانون پیشین (سابق) یا مجازات قانونی را نسخ کند.
۲. قانونی که اسباب اباحه جدیدی پیش بینی کند.
۳. قانونی که عناصر تشکیل دهنده یک جرم قابل مجازات را با جزئیاتش تشریح کند.
۴. قانونی که متضمن معاذیر معاف کننده یا مخففه باشد. (قوانینی که شرایط مساعد همچون عوامل موجهه جرم، عوامل رافع مسئولیت کیفری، معافیت‌ها یا معاذیر قانونی، کیفیات مخففه و جهاتی همانند آنها را افزایش دهد).
۵. قانونی که دامنه کیفیات مخففه را افزایش دهد.
۶. قانونی که کیفیات مشدده را بکاهد یا حذف کند.
۷. قانونی که مجازات تبعی را به تکمیلی تبدیل کند. (و قانونی که مجازات تکمیلی جرمی را حذف و یا مجازات تبعی جرمی را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل کند).
۸. قانونی که به جای مجازات، اقدام تامینی پیش بینی کند. (و قانونی که در مورد جرمی که قبلاً مجازات حبس داشته است؛ اجازه تعلیق دهد).
۹. قانونی که درجه مجازات جرمی را تخفیف دهد.
۱۰. قانونی که منوط کردن تعقیب کیفری در یک جرم به شکایت خصوصی، جرم غیر قابل گذشت را به قابل گذشت تبدیل نماید. (سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۸۳)

**نکته:** تبدیل حبس درجه شش به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج، مشمول عطف بماسبق نشدن است.

**قوانین تفسیری:** قانونی است که از قانون دیگر رفع ابهام می‌کند و قانون جدیدی محسوب نمی‌شود؛ پس اثر آن از تاریخی است که قانون اصلی لازم الاجرا شده است.

✓ **مساله:** قانون لاحق اخیر التصویب، حداقل ضمانت اجرای کیفری جرمی را در قانون سابق افزایش، (و حداکثر مجازات را کاهش دهد؛ چنین قانون لاحقی نسبت به قانون سابق خفیف محسوب می‌شود؛ زیرا ملاک برای ارزیابی تخفیف یا تشدید دو مصوبه قانونی، بررسی حداکثر مجازات‌های آنها است که در بررسی مربوطه حداکثر مجازات نسبت به قانون سابق کاهش یافته است؛ بنابراین قانون مخففه محسوب می‌شود. (سوال کارشناسی ارشد آزاد سال ۱۳۹۱)

**نکته آزمونی:** چنانچه در سوال آزمونی مشاهده کردید که عنوان شده: **قانون جدید جرم زدا یا مخففه تا قبل از صدور حکم قطعی، تصویب شده است؛ فعلاً نوبت به اعمال بند الف و ب ماده ۱۰ ق.م.ا.نمی‌رسد بلکه محل اعمال بندهای مذکور از ماده یاد شده، زمانی است که حکم محکومیت صادر و قطعی شده باشد.**

**نکته:** اصل تفسیر از طریق قیاس در حقوق جزا حاکمیت ندارد؛ مگر قیاس منصوص العله

**تست شبیه ساز:** اگر قبل از صدور حکم قطعی محکومیت، قانونی مبنی بر تبدیل مجازات به اقدامات تامینی و تربیتی وضع شود؛ چه تأثیری در رسیدگی خواهد داشت؟

- (۱) دادگاه می‌تواند مجازات را به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل کند.
- (۲) دادگاه طبق قانون جدید حکم خواهد داد.

(۳) در صورتی که اقدامات تامینی و تربیتی مساعد به حال متهم باشد؛ دادگاه مکلف است طبق قانون جدید حکم صادر کند.

(۴) قاضی اجرای احکام از دادگاه، اصلاح حکم را می‌خواهد و دادگاه مکلف است مجازات را به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل نماید.

**پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.** همانطور که می‌دانید در این سوال هنوز حکم صادر نشده و یا اگر صادر شده هنوز قطعی نشده است؛ اولاً باید بدانید که اعمال مفاد ماده ۱۰ برای دادگاه الزامی است نه اختیاری، ثانیاً باید بدانید که اگر حکم صادره قطعیت می‌یافت و سپس قانون جدید جرم زدا یا مخففه تصویب می‌شد؛ در این صورت گزینه ۴ صحیح می‌شد؛ در حالی که گزینه ۲ صحیح است.

یکی دیگر از سوالاتی که تابحال طرح نشده و مهم می‌باشد؛ **تقدم یا تأخر تصویب قانون است.** به این صورت که دقت داشته باشید؛ اگر تاریخ تصویب قانون جرم زدا **قبل از وقوع رفتار ماهیتاً مجرمانه باشد؛** در این صورت در خصوص این رفتار **باید قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر شود؛** زیرا قانون رفتاری را که سابقاً جرم بوده در حال حاضر جرم زدایی کرده و آن رفتار هم پس از تصویب قانون مذکور واقع شده؛ پس چون رفتار یاد شده جرم نیست؛ لذا طبق ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر خواهد شد. اما آنچه در ماده ۱۰ ق.م.ا. مدنظر مقنن بوده، **تقدم ارتکاب رفتار مجرمانه بر تصویب قانون جرم زداست؛** یعنی اگر ابتدا رفتار مجرمانه واقع شود و سپس قانون جرم زدا تصویب گردد؛ مشمول ماده ۱۰ ق.م.ا. شده و مستند به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری **قرار موقوفی صادر می‌شود.**

**بنابراین چنانچه:**

**تاریخ تصویب قانون جرم زدا قبل از وقوع رفتار مجرمانه باشد ← قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر می‌شود.**  
**ابتدا رفتار مجرمانه واقع شود و سپس قانون جرم زدا تصویب گردد ← قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.**

### تست شبیه ساز: قانونی مبنی بر نسخ مجازات وضع شده است. در این صورت مرجع قضایی چه قراری صادر می کند؟

- (۱) طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند.
- (۲) زمانی طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند که هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد، در غیر اینصورت طبق ماده ۵۰۵ همان قانون قرار موقوفی اجرا صادر خواهد شد.
- (۳) زمانی طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قرار موقوفی تعقیب صادر می کند که رفتار مجرمانه قبل از تصویب قانون مذکور باشد و هنوز حکم محکومیت قطعی صادر نشده باشد.
- (۴) مرجع قضایی در صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب اختیار دارد.

**پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.** همانطور که بیان شد؛ باید به تاریخ تصویب قانون و تاریخ وقوع عنصر مادی توجه نمود؛ به دلیل اینکه در اینجا تاریخ ذکر نشده باید به محتوای گزینه‌ها دقت کرد. طبق آنچه پیشتر بیان شد؛ گزینه ۳ پاسخ سوال است و اگر نقطه مقابل گزینه ۳ مطرح می شد و رفتار مجرمانه بعد از تصویب قانون جرم زدا بود، قرار منع تعقیب صادر می گردید.

یکی دیگر از سوالات قابل طرح از ماده ۱۰ که در آزمون‌های مختلف سابقه طرح سوال داشت؛ مصادیق تمثیلی قانون مساعد به حال مرتکب است. ممکن است سوالی مطرح گردد که تا بحال مصداق آن در کتب اساتید مطرح نشده و شما باید با شم خود بتوانید تشخیص دهید که آیا این قانون مساعد به حال مرتکب است یا خیر؟

به طور کلی اگر قانون لاحق، مبتنی بر تاسیس نهاد ارفاقی جدید باشد؛ مساعد به حال مرتکب محسوب شده و باید عطف بماسبق گردد.

### تست شبیه ساز: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای اولین بار مجازات جایگزین حبس را به عنوان یکی از نهادهای ارفاقی تاسیس نمود. در خصوص عطف مفاد این قانون نسبت به جرائم قبل از تاریخ ۹۲ کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) چون نهاد ارفاقی و مساعد به حال مرتکب است؛ عطف بماسبق می شود.
- (۲) تنها در صورتی عطف بماسبق خواهد شد که در خصوص جرائم قبل از تصویب آن قانون، حکم محکومیت صادر نشده باشد.
- (۳) تنها در صورتی عطف بماسبق خواهد شد که در خصوص جرائم قبل از تصویب آن قانون، حکم محکومیت قطعی لازم الاجرا صادر نشده باشد.
- (۴) اگر دادگاه مجازات جایگزین حبس را مساعد به حال مرتکب تشخیص دهد، مقررات آن را اعمال خواهد کرد.

**گزینه ۳ صحیح است.** در خصوص نهاد مجازات جایگزین حبس باید عنوان نمود که هر چند مجازات جایگزین حبس مساعد به حال مرتکب است اما به تصریح مقنن اگر قبل از وضع قانون ۱۳۹۲، حکم محکومیت قطعی لازم الاجرا صادر شده باشد؛ در این صورت قانون مذکور هر چند در این زمینه مساعد به حال مرتکب است اما به جهت تصریح خود مقنن، عطف بماسبق نخواهد شد. (ماده ۷۴ ق.م.ا)<sup>۱</sup> در این ماده به قید حکم «محکومیت قطعی لازم الاجرا» دقت کنید. هم باید حکم محکومیت صادر شده باشد هم قطعی و لازم الاجرا شده باشد و الا مجازات جایگزین حبس نیز طبق اصل کلی قانون مساعد به حال مرتکب و مفهوم مخالف ماده ۷۴، عطف بماسبق خواهد شد. یکی دیگر از فروضی که از ماده ۱۰ قابلیت طرح سوال دارد؛ شقوق مختلف بند الف و ب ماده ۱۰ ق.م.ا می باشد که معمولاً همه شما با آن آشنا هستید؛ به این صورت که حکم محکومیت قطعی صادر شده و قانون جرم زدا تصویب گردیده:

(۱) هنوز حکم اجرا نشده باشد.

(۲) حکم در حال اجرا است.

(۳) حکم اجرا و تمام شده و هنوز مدت مجازات تبعی تمام نشده است.

(۴) حکم اجرا و تمام شده و مدت مجازات تبعی نیز زایل گردیده است.

فرض چهارم در متن قانون نیست؛ اما از روح قانون قابل استخراج است. در حالت اول و دوم قرار موقوفی اجرا توسط قاضی اجرای احکام کیفری صادر می شود. علاوه بر قرار موقوفی اجرا، مجازات تبعی خود به خود منتفی خواهد شد و در این زمینه مقام قضایی مکلف نیست در حکم خود به منتفی شدن مجازات تبعی نیز تصریح کند. در حالت سوم مجازات اصلی تمام شده اما هنوز مجازات تبعی پابرجاست که با تصویب قانون، مجازات تبعی نیز منتفی می شود اما در فرض چهارم تصویب قانون جدید به جهت انتفای مجازات اصلی و تبعی در خصوص محکوم علیه بی تاثیر است.

دقت کنید که در فرض سوم و چهارم محکوم علیه نمی تواند تقاضای جبران خسارت کند. به این علت این را ذکر کردیم که در بازداشت ناروا در قانون آیین دادرسی کیفری امکان جبران خسارت پیش بینی شده و ممکن است طراح سوال شیطنت نموده و ذهن شما را به مفاد ماده ۲۵۵ مشغول نماید و طوری وانمود کند که شما طریق اولویت بگیرید و بگویید وقتی امکان مطالبه خسارت بازداشت موقت ناروا وجود دارد؛ پس به طریق اولی در حکم محکومیت نیز این امکان وجود دارد؛ در حالی که اصلاً چنین نیست.

در بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا نیز که قانون مخففه یا مساعد به حال مرتکب تصویب شده، قاضی اجرای احکام مکلف است از دادگاه صادر کننده حکم قطعی اصلاح حکم را تقاضا کند و دادگاه صادر کننده حکم قطعی مکلف به اصلاح حکم است. در این بند شما باید دادگاه صادر کننده حکم قطعی را بشناسید. اگر حکم در دادگاه بدوی صادر شده و به جهت درجه ۸ بودن قطعی بوده یا به جهت عدم اعتراض در مهلت قانونی قطعی شده، قاضی اجرای احکام از دادگاه بدوی اصلاح حکم را می خواهد اما اگر درجه ۸ نبوده و حکم صادر مورد اعتراض قرار گرفته و در دادگاه تجدیدنظر استان تایید شده یا دادگاه تجدیدنظر آن را نقض و ماهیتاً حکم صادر کرده، در این صورت دادگاه صادر کننده حکم قطعی، دادگاه تجدیدنظر استان است.

<sup>۱</sup> - ماده ۷۴ - مقررات این فصل در مورد احکام قطعی که پیش از لازم الاجراء شدن این قانون صادر شده است اجراء نمی شود.



## عطف بماسبق نشدن قوانین شکلی

**ماده ۱۱-** قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجراء می‌شود:

الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی و صلاحیت

ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم

پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت- قوانین مربوط به مرور زمان

تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شود.

✓ **کدینگ ماده ۱۱: آتشم: ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم / تشکیلات قضائی و صلاحیت / شیوه دادرسی / مرور زمان**  
یا کدینگ (تشکیلات شام)

**قوانین شکلی:** قوانینی هستند که سازمان، صلاحیت و طرز عمل مراجع کشف و تحقیق و صدور حکم و نیز راه‌های شکایت از احکام را بیان می‌کنند. (دکتر کیومرث کلانتری)

**منظور از عطف بماسبق شدن قوانین جزایی شکلی:** آن است که جرائمی که تعقیب آنها شروع نشده و یا منتهی به صدور حکم قطعی نشده‌اند؛ از جهت تشریفات رسیدگی و صلاحیت مراجع قضایی تابع قانون جدید می‌باشند.

**علت عطف بماسبق شدن قوانین شکلی:** آن است که فرض بر این است که قانون شکلی جدید هم بهتر می‌تواند منافع فرد و جامعه را تامین و هم در جهت کشف حقیقت است که پایه و مبنای تمیز حق از باطل را تشکیل می‌دهد. (دکتر گلدوزیان)

دیوان عالی کشور از دیرباز اصل عطف بماسبق شدن قوانین مربوط به آیین دادرسی کیفری را پذیرفته و در آرای متعدد خود اینچنین اظهار کرده است: **اصولاً قوانین مربوط به رسیدگی و اصول محاکمه که امر صلاحیت نیز از آن قبیل است؛ عطف بماسبق می‌شود.**

البته قوانین شکلی در صورتی که معارض حقوق مکتسب اشخاص بوده یا شدیدتر از قانون سابق باشند؛ عطف بماسبق نخواهند شد. (مرحوم دکتر آخوندی)

**قوانین ذیل نسبت به جرائم سابق بر وضع خود به موجب ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی، فوراً اجرا می‌شوند؛ (سوال قضاوت سال ۱۳۹۲ و وکالت سال ۱۳۹۲)**

۱. قوانین مربوط به تشکیلات قضایی و صلاحیت؛
۲. قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم: اگر در این بند حکم قطعی صادر شده باشد؛ پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می‌شود. (منظور از دادگاه صادر کننده حکم قطعی لزوماً مرجع بدوی صادر کننده حکم نیست؛ بلکه مرجع قضایی‌ای که حکم آن، قطعی لازم الاجرا محسوب شده، ملاک می‌باشد.)
۳. قوانین مربوط به شیوه دادرسی؛
۴. قوانین مربوط به مرور زمان.

**تغییراتی که ممکن است در تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌ها به موجب قانون جدید به وجود آید به دو صورت متصور است:**

**نخست:** قانون جدید سازمان و تشکیلات قضایی را که در زمان وقوع جرم صلاحیت رسیدگی به آن را داشته منحل کند و رسیدگی به این جرم را در صلاحیت مراجع قضایی قرار دهد: در این گونه موارد قانون جدید فوراً قابل اجرا است و نسبت به جرائمی که سابق بر وضع قانون جدید به وقوع پیوسته و هنوز تحت تعقیب قرار نگرفته نیز اثر قهقرایی دارد.

**دوم:** قانون جدید بدون آنکه دادگاه‌های صالح را منحل کند؛ رسیدگی به جرم و یا جرائمی را از صلاحیت دادگاه‌های مذکور خارج و آن را در صلاحیت دادگاه‌های دیگر وارد نماید؛ در این خصوص سه نظر بین حقوقدانان وجود دارد:

**اول:** قانون جدید فوراً اجرا می‌شود؛ خواه رسیدگی شروع شده باشد؛ خواه شروع نشده باشد و خواه این قانون به زیان متهم باشد و خواه نباشد؛ مثل قانونی که رسیدگی به جرمی را که قبلاً در صلاحیت دادگاه‌های عمومی بوده در صلاحیت دادگاه‌های اختصاصی قرار دهد. (دکتر سبزواری نژاد/ دکتر آخوندی/ دکتر نوربها)

**دوم:** شروع شدن یا نشدن رسیدگی در این مورد مهم نیست و دادگاه جدید صلاحیت خواهد داشت؛ مگر آنکه قانون جدید به زیان متهم باشد؛ مثل آنکه قانون جدید رسیدگی به جرمی را که

در صلاحیت دادگاه عمومی بوده در صلاحیت دادگاه اختصاصی قرار دهد. (دکتر صانعی / دکتر منصور آبادی)

**سوم:** چنانچه دادگاه شروع به رسیدگی کرده باشد؛ قانون جدید مانع رسیدگی دادگاه صلاحیت دار نخواهد شد ولی اگر هنوز رسیدگی شروع نشده باشد؛ دادگاه جدید صلاحیت خواهد داشت. (دکتر کلانتری / دکتر محسنی)

اگر در مورد شخصی بر اساس قانون قدیم حکم برائت صادر شده باشد و بر اساس قانون جدید ادله اثبات تغییر کرده باشد؛ دیگر نمی‌توان او را مجدداً محاکمه نمود. ولی در صورتی که بر اساس قانون قدیم در مورد او حکم محکومیت صادر شده باشد؛ می‌توان با استناد به قانون لاحق، پرونده را برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده حکم قطعی فرستاد. (دکتر شمس ناتری)

**منظور از قوانین مربوط به شیوه دادرسی: قوانین مربوط به نحوه تشکیل پرونده، تعقیب، تحقیق، بازجویی، بازداشت، قرار تامین و چگونگی تشکیل دادگاه و مواردی از این قبیل است.** این قوانین در صورتی عطف بماسبق می‌شوند که به زیان متهم نباشند. بنابراین هرگاه قانون لاحق راه اعتراض و شکایت نسبت به احکام و قرارهای دادگاه را برخلاف قانون سابق مسدود کند و یا مهلت آن را تقلیل دهد معارض حقوق مکتسب محسوب می‌شود و هیچ‌گاه عطف بماسبق نمی‌شود. (دکتر اردبیلی / دکتر سبزواری نژاد)

**قوانین مربوط به مرور زمان:** در مورد قوانین مربوط به مرور زمان، باید گفت که مطلقاً عطف بماسبق می‌شوند؛ خواه به زیان متهم باشند و خواه به سود او. **رویه قضایی و اداره حقوقی قوه قضاییه** این نظریه را پذیرفته است. (+دکتر علی خالقی) اما برخی اساتید با آن مخالف هستند و معتقدند که در این مورد نیز قانون در صورتی فوراً اجرا می‌شود که به زیان متهم نباشد. (دکتر منصور آبادی / دکتر اردبیلی) ضمناً جرائمی که قبل از قانون سال ۱۳۹۲ واقع شده‌اند و تا زمان اجرای این قانون مشمول مرور زمان نشده‌اند؛ با توجه به صراحت بند ۱۱ ماده ۱۱ ق.م.ا مشمول مقررات این قانون هستند.

**نکته:** اگر مهلت مرور زمان هنگام ورود قانون جدید تمام شده باشد؛ مساله‌ای ایجاد نمی‌کند؛ موقعیت به طور قطع اکتسابی است و قانون جدید نمی‌تواند آن را تغییر دهد. (دکتر نوربها / دکتر خالقی) اداره حقوقی قوه قضاییه نیز همین نظر را تایید کرده است:

**نظریه اداره حقوقی مورخ ۱۳۹۲/۵/۲۲:** چنانچه جرمی بر اساس مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مشمول مرور زمان شده باشد به لحاظ رعایت حقوق مکتسبه متهم یا محکوم علیه باید حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای حکم صادر شود.

**نکته:** برخلاف مقررات جزای ماهوی، مقررات شکلی جزا عطف بماسبق می‌شوند مگر در دو حالت:

۱. **اول اینکه؛ مقنن تصریح بر عدم عطف کند؛**

۲. **دوم اینکه؛ عطف بماسبق شدن قانون شکلی جزایی با حقوق مکتسبه<sup>۱</sup> متهم در تعارض باشد؛ مثلاً مدت مرور زمان را افزایش یابد. در این دو فرض مقررات شکلی جزایی برخلاف اصل، به گذشته تسری نمی‌یابد.**

**نکته:** اجرای قانون جدید نافی اقدامات و تحقیقاتی که در زمان حکومت قانون سابق به تدریج و به طور صحیح انجام یافته نیست و حتی پس از تصویب قانون شکلی جدید، اقدامات و تحقیقات قبلی را باید صحیح و معتبر دانست و این مورد هم نباید مشمول عطف بماسبق شدن قوانین شکلی شود.

**نکته:** حکم مذکور در تبصره ماده ۱۱ **استثنایی بر اصل فراغ دادرسی است.**

**نکته:** بند الف ماده ۱۱ ق.م.ا با حکم تبصره ۳ ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۲</sup> تخصیص خورده است. بنابراین تبصره مذکور به بند الف ماده ۱۱ تخصیص می‌زند.

**نکته:** از جمله مصادیق بند پ ماده ۱۱ ق.م.ا می‌توان به **هزینه‌های دادرسی و مهلت تجدیدنظر خواهی** اشاره کرد.

۱ - در قوانین آیین دادرسی کیفری اصل بر عطف بماسبق شدن قوانین است؛ زیرا در این قوانین، مقررات لاحق با فرض تامین بهتر عدالت وضع شده و بنا بر اصل اجرای فوری، می‌توانند به گذشته نیز معطوف باشند؛ مگر حقوق مکتسبه‌ای از متهم را به مخاطره اندازند.

۲ - ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری  
دادگاه کیفری یک دارای رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد. در صورت عدم حضور رئیس، ریاست دادگاه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره ۱- دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضائی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرائم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضائی آن استان رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲- دادرسی علی‌البدل حسب مورد می‌تواند به جای رئیس یا مستشار انجام وظیفه کند. همچنین با انتخاب رئیس کل دادگستری استان، عضویت مستشاران دادگاههای تجدید نظر در دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌کند بلامانع است.

تبصره ۳- دادگاههای کیفری استان و عمومی جزائی موجود به ترتیب به دادگاههای کیفری یک و دو تبدیل می‌شوند. جرائمی که تا تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون در دادگاه ثبت شده است، از نظر صلاحیت رسیدگی تابع مقررات زمان ثبت است و سایر مقررات رسیدگی طبق این قانون در همان شعب مرتبط انجام می‌شود. این تبصره در مورد دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی نیز جاری است.

### مقایسه قوانین برای شناخت قانون خفیف: (دکتر نوربها)

بین دو قانون آن قانونی شدیدتر است که جرم جدیدی را ایجاد می کند یا یک خلاف را به جنحه و یک جنحه را به جنایت تبدیل می سازد؛ ولی قانونی خفیف است که کیفیات مشدده را از بین می برد یا عناصر تشکیل دهنده یک جرم قابل مجازات را با جزئیاتش تشریح می کند یا دامنه کیفیات مخففه را وسعت می بخشد و یا در مورد جرمی که قبلا مجازات حبس داشته است اجازه تعلیق می دهد. در مورد قوانین مجازات قانونی خفیف است که به جای مجازات، اقدامات تامینی پیش بینی کند؛ مجازات تکمیلی جرمی را حذف و یا مجازات تبعی جرمی را به مجازات تکمیلی اختیاری تبدیل نماید؛ حداکثر مجازات را پایین بیاورد یا حداقل آن را تقلیل دهد؛ حداقل مجازات را بیشتر کند ولی حداکثر آن را پایین بیاورد. **اشکالات اجرایی قواعد فوق و راه حل آنها:**

□ **ممکن است** قانون حداکثر مجازات پیش بینی شده را بالا ببرد و حداقل آن را پایین بیاورد؛ در اینجا به طور کلی گفته می شود قانون شدیدتر است؛ زیرا قدرت کیفری قاضی را توسعه می بخشد.

□ **ممکن است** قانون جدید متضمن برخی مقررات خفیف و برخی تصمیمات شدید باشد. روبه قضایی این موضوع را به این شکل حل کرده است که قانون در جمع خود خفیف است؛ زیرا جنایت به جنحه تبدیل شده و باید فوراً قانون جدید اجرا شود.

□ **ممکن است** اشکال به لحاظ چندین قانون متوالی باشد؛ مثلا جرمی تحت حکومت قانون شدید صورت گرفته و آنگاه قانون خفیف جدیدی وضع شده و سپس قانون شدید دیگری جای آن را گرفته و اعلام محکومیت پس از تصویب قانون جدید باشد که در این صورت **رویه قضایی اجرای قانون دوم (خفیف) را تصدیق کرده است؛** زیرا چنانچه آیین رسیدگی سریع تر می بود؛ متهم تحت حکومت قانون خفیف دادرسی می شد و نمی توان مجرم را قربانی سرعت کند دستگاه عدالت کرد.

**حداقل مجازات را افزایش و حداکثر آن را کاهش می دهد:** قانون خفیف شمرده می شود.

**قانونی که:**

**حداقل مجازات را کاهش و حداکثر آن را افزایش می دهد:** قانونی شدید محسوب می شود.

### مواردی که در کاربرد قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین ماهوی مطرح می شوند:

□ **جرائم فوری:** جرائمی هستند که معمولا در یک لحظه از زمان اجرا می شوند؛ مانند قتل یا تخریب. در این مورد مقایسه ساده بین تاریخها کفایت می کند و باید دید جرم در چه تاریخی اتفاق افتاده است. این جرائم تابع قانون زمان وقوع جرم هستند.

□ **جرائم مستمر:** جرائمی هستند که خواه ناشی از اراده فاعل و خواه ناشی از طبیعت اشیاء در زمان به طور مستمر ادامه دارند. ترک اتفاق و یا ایجاد سدی غیرقانونی بر روی جریان آب؛ از آن جمله است. در حالت اخیر می توان گفت که عناصر تشکیل دهنده جرم در حقیقت در یک لحظه از زمان ایجاد شده و فقط نتایج آن ادامه پیدا می کند و تاریخ آن مانند یک جرم آنی تاریخ روز ارتکاب است؛ اما در حالت اول مساله فرق می کند و عناصر تشکیل دهنده جرم در هر لحظه از زمان تجدید حیات پیدا می کند.<sup>۱</sup> در این شکل، چنانچه حالت مستمر فعل مجرمانه حتی یک لحظه در قانون جدید قرار گیرد؛ این قانون جدید است که باید اجرا شود. بنابراین جرائم مستمر تابع قانون لاحق هستند؛ حتی اگر این قانون شدیدتر باشد.

□ **تکرار جرم:** در صورتی است که کسی دست به ارتکاب جرمی بزند و محکومیت قطعی پیدا کند و یا مجازات را تحمل نماید و مجددا مرتکب جرم شود.

□ **سوال: اگر قانون جدیدی تصمیم به مجازات تکرار جرمی بگیرد که قبلا وجود نداشته است. اگر جرمی پس از اعتبار این قانون انجام شود؛ آیا می توان با محاسبه محکومیت قبلی مجازات جدید را در مورد متهم اعمال کرد یا خیر؟**

به عقیده برخی از حقوقدانان در این مورد تردید وجود دارد؛ زیرا بر محکومیت جدید اثری بار می کنیم که قانون آن را نمی خواسته است؛ اما به عقیده عده دیگر باید قانون جدید اجرا شود؛ زیرا مجرم با آگاهی از قانون جدید که شدیدتر است می داند که چه نتایجی از ارتکاب جرم عاید او خواهد شد و لذا با انجام آن؛ حالت خطرناک خود را بیشتر نشان می دهد که دلیل بر قبول اجرای قانون شدیدتر است و می داند که چه نتایجی از ارتکاب جرم عاید او خواهد شد و لذا با انجام آن حالت خطرناک خود را بیشتر نشان می دهد که دلیل بر مجازات شرط تکرار جرم باشد نیز (مانند قوانین ما) صادق است.

**رعایت دقیق قاعده عطف به ماسبق نشدن مستلزم تعیین تاریخ دقیق وقوع جرم است و در این خصوص باید بین**

**جرائم آنی، مستمر و به عادت تفکیک قائل شد:**

- جرائم آنی تابع قانون زمان وقوع جرم هستند؛
- جرائم مستمر تابع قانون لاحق هستند؛ حتی اگر شدیدتر باشد.
- جرائم به عادت در صورتی تابع قانون جدید است که اعمال تشکیل دهنده عادت به اندازه کافی در زمان قانون جدید اتفاق افتاده باشد؛ یعنی برای شمول قانون جدید باید، عادت در زمان قانون جدید احراز شود. (نوربها-اردبیلی)

<sup>۱</sup> - دکتر رضا نوربها- زمینه حقوق جزای عمومی



## چند سوال مرتبط با قانون کاهش حبس‌های تعزیری

**سوال:** یکی از سوالاتی که با تصویب قانون کاهش حبس‌های تعزیری مصوب ۱۳۹۹ طرح می‌شود این است که آیا این قانون، عطف بماسبق می‌شود و یا اینکه در مورد افرادی جاری می‌شود که بعد از وضع قانون مرتکب جرم شوند؟ بله، قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۲۳/۲/۹۹ به جهت اینکه مجازات خفیف تری نسبت به قانون مجازات اسلامی تعیین نموده است؛ عطف به ماسبق می‌شود. لذا چنانچه حکم دادگاه، قطعیت یافته و لازم الاجرا شده باشد، به شرح بند "ب" ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی<sup>۱</sup> عمل می‌شود و اگر هنوز حکم قطعی صادر نشده باشد، در این صورت، قاضی پرونده براساس قانون "کاهش مجازات حبس مصوب ۱۳۹۹ رسیدگی و حکم به مجازات صادر می‌کند.

**سؤال - چنانچه مجازات قانونی جرمی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ تقلیل یافته اما در دادنامه قطعی مجازاتی که تعیین شده است در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد، آیا بند «ب»**

**ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل اعمال است؟** با عنایت به منطوق و اطلاق بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، مقررات بند «ب» ماده مذکور در هر صورت قابل اعمال است، اعم از این که مجازات مقرر در دادنامه در محدوده مجازات قانونی تعیین شده به موجب قانون اخیر باشد یا نباشد؛ یعنی معیار اعمال این بند کاهش مجازات قانونی جرم به موجب قانون لاحق است؛ نه مجازات قضایی، از طرفی دادگاه با در نظر گرفتن حداکثر مجازات در قانون سابق و بر اساس معیارهای مقرر در بندهای ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعیین کیفر کرده است؛ لذا در صورت کاهش مجازات قانونی جرم طبق قانون لاحق، رعایت احتیاط و اصل تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که فرض سؤال نیز مشمول مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ باشد. (پاسخ کارگروه مشورتی قوه قضاییه)

**سوال - چنانچه که قبلاً مطابق مقررات ماده ۱۳۴ در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۲</sup> با نقض همه احکام با رعایت قواعد تعدد برای هر جرم مشابه و غیر مشابه تعیین مجازات شده است، با لحاظ مساعد بودن مقررات اصلاحی ماده ۱۳۴ فعلی، آیا باید بار دیگر آخرین دادگاه صادر کننده حکم در مجازات تعیین شده بازنگری کند؟** ملاک اعمال مقررات بند «ب» ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اخف بودن قانون لاحق نسبت به قانون سابق است؛ بنابراین در فرض سؤال که طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی پیش از اصلاح و یا در اجرای ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری یا نقض همه احکام تعیین مجازات شده است، در صورت اخف بودن قانون لاحق باید طبق مقررات بند «ب» ماده ۱۰ عمل کرد. (پاسخ کارگروه مشورتی قوه قضاییه)

و  
و  
و

<sup>۱</sup> - بند ب ماده ۱۰: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد، قاضی اجرای احکام موظف است قبل از شروع به اجراء یا در حین اجراء از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم نیز می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا نماید. دادگاه صادرکننده حکم با لحاظ قانون لاحق، مجازات قبلی را تخفیف میدهد. مقررات این بند در مورد اقدام تأمینی و تربیتی که در مورد اطفال بزهکار اجراء می‌شود نیز جاری است. در این صورت ولی یا سرپرست وی نیز می‌تواند تخفیف اقدام تأمینی و تربیتی را تقاضا نماید.»

<sup>۲</sup> - ماده ۵۱۰ - هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف- اگر احکام به‌طور قطعی صادر یا به لحاظ عدم تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشند، در صورت تساوی دادگاه‌ها پرونده‌ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم و در غیر این صورت به دادگاه دارای صلاحیت بالاتر ارسال می‌کند، تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود.

ب- اگر حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، پرونده‌ها را به این دادگاه ارسال می‌کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم تجدیدنظر خواسته صلاحیت رسیدگی دارد.

پ- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه‌های قضایی استان‌های مختلف یا در دادگاه‌های با صلاحیت ذاتی متفاوت صادر شده باشد، پرونده‌ها را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق‌العاده بدون حضور طرفین به موضوع، رسیدگی و بدون ورود در شرایط و ماهیت محکومیت با رعایت مقررات تعدد جرم، حکم واحد صادر می‌کند.

## نکات مهم

**نکته:** منظور از اصطلاح «مقررات و نظامات دولتی» مقرر در ماده ۱۰ ق.م.ا مجازاتهای تعزیری «مجازاتهای تعزیری غیرمنصوص شرعی» (تعزیرات به استثنای تعزیرات منصوص شرعی) است. به دلیل اینکه قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی منصرف از قوانین و احکام الهی از جمله راجع به حدود، قصاص و دیات می‌باشد. بنابراین اگر مرتکب قبل از انقلاب مرتکب شرب خمر شده باشد و سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی دستگیر شود؛ عمل وی طبق قانون جدید قابل مجازات خواهد بود.

**نکته:** منظور مقنن از اصطلاح «هیچ اثر کیفری بر آن مترتب نیست» مقرر در ماده ۱۰: یعنی جرم وی مشمول مجازاتهای تبعی نمی‌شود.

**نکته:** ماده ۱۰ ق.م.ا در مورد قوانین موقتی که برای مدت معین و موارد خاص وضع شده‌اند؛ کاربرد ندارد؛ قوانین موقتی قوانینی هستند که در شرایط خاص مثل جنگ، کرونا یا لزوم مبارزه با گران فروشی و احتکار (مثلا در وضعیت تحریم‌های اقتصادی) وضع می‌شوند و اگر بستر زمانی آن قانون بگذرد و قوانینی جدید حتی خفیف‌تر از آن قوانین موقتی وضع شوند؛ این قوانین جدید بر وضعیت مرتکبین جرم‌های مندرج در قوانین موقتی سابق که هنوز جرمشان رسیدگی نشده؛ حاکم نخواهند بود و قانون موقتی سابق همچنان معتبر است. (تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا)

**نکته:** تبصره ماده ۱۰ ق.م.ا اشاره به این نکته دارد که قوانین موقتی (اعم از آزمایشی و معمولی) از شمول قاعده عطف بماسبق شدن خارج هستند. قوانین موقت مانند قوانین مربوط به احتکار و گرانفروشی (همچنین طبق رای اصراری شماره ۶۱۶ مورخ ۷۶/۳/۶ قانون صادرات و واردات از جمله قوانین موقت‌اند). بنابراین مرتکب در بحث قوانین موقت، طبق قانون زمان وقوع، مجازات می‌شود؛ هر چند که قانون لاحق (جدید) مبتنی بر تخفیف باشد.

**نکته:** نحوه تشخیص قانون خفیف از قانون شدید: ضابطه خاصی ندارد اما در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح حبس اشد از جزای نقدی و شلاق است.

**نکته:** استثنائات قاعده عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری عبارتند از:

۱. تصریح قانونگذار؛
۲. قوانین خفیف؛<sup>۱</sup>
۳. قوانین جرم زدا؛
۴. قوانین مساعد به حال متهم؛<sup>۲</sup>
۵. قوانین تفسیری؛
۶. قوانین شکلی مگر اینکه برخلاف حقوق مکتسبه باشند و یا قانونگذار تصریح کرده باشد؛
۷. قوانین مرور زمان مگر اینکه برخلاف حقوق مکتسبه متهم باشد؛
۸. آرای وحدت رویه. (رای وحدت رویه عطف بماسبق نمی‌شود اما اگر مساعد به حال محکوم علیه باشد عطف بماسبق می‌شود.)

و  
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

<sup>۱</sup> - قانون خفیف، قانونی است که از نظر مجازات نسبت به قانون سابق بر خود، خفیف‌تر باشد و ملاک تشخیص خفیف‌تر بودن مجازات، بررسی حداقل و حداکثر مدت محکومیت در مجازات حبس یا میزان مبلغ در مجازاتهای مالی است؛ همچنین در این امر نوع مجازاتها نیز ملاک می‌باشند؛ چنانکه مجازاتهای تعزیری نسبت به مجازاتهای حدی، اخف محسوب می‌شوند.

<sup>۲</sup> - قانونگذار قانون مساعد را تعریف نکرده است و ضابطه مساعد بودن را وضع و حال متهم عنوان کرده است. قانون مساعد قانونی است که وصف مجرمانه را از عمل نمی‌زداید بلکه اوصاف و کیفیات جدیدی را پیش بینی می‌کند که در جهت کمک و ارفاق به متهم است. (دکتر آقایی جنت مکان)



## خودسنجی (۱)

### ۱. کدام مورد در خصوص عطف بماسبق نشدن قوانین کیفری صحیح است؟ سوال دکتری ۱۴۰۰

- (۱) تبدیل حبس درجه شش به محرومیت از حقوق اجتماعی درجه پنج، مشمول عطف بماسبق نشدن است.  
 (۲) تبدیل مجازات حبس درجه شش به شلاق درجه هفت پس از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن می شود.  
 (۳) کاهش یک درجه ای مجازات یک جرم به موجب قانون لاحق تنها تا پیش از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن نیست.  
 (۴) قابل تعلیق شدن مجازات یک جرم در ضمن افزایش یک درجه ای مجازات آن به موجب قانون لاحق، پس از صدور حکم قطعی، مشمول عطف بماسبق نشدن نیست.  
 گزینه ۱ صحیح است.

### ۲. به موجب قانون جزایی لاحق، مجازات جرم ارتكابی تخفیف می یابد. محکوم علیه برای اعمال تخفیف در مجازات

#### موضوع حکم چگونه باید اقدام کند؟ مشاوران حقوقی سال ۱۳۹۸

- (۱) می تواند از دیوان عالی کشور با اعمال اعاده دادرسی تقاضای تخفیف کند.  
 (۲) می تواند از دادگاه تجدیدنظر استان تقاضای اعمال تخفیف کند.  
 (۳) می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی تقاضای اعمال تخفیف را بنماید.  
 (۴) می تواند از قاضی اجرای احکام کیفری تقاضا کند و قاضی مزبور تخفیف را اعمال کند.  
 گزینه ۳ صحیح است. با استناد به بند ب ماده ۱۰ ق.م.ا: «اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق، تخفیف یابد... محکوم نیز می تواند از دادگاه صادر کننده حکم، تخفیف مجازات را تقاضا کند.»

### ۳. کدام یک از قوانین زیر، نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می شود؟ وکالت سال ۹۵

- (۱) قانونی که مدت زمان مرور زمان تعقیب را افزایش دهد.  
 (۲) قانونی که مدت زمان تحت نظر متهمان را کاهش دهد.  
 (۳) قانونی که مدت زمان اعتراض به قرار تعلیق تعقیب را کاهش دهد.  
 (۴) قانونی که مدت زمان اعلام عقیده بازپرس را درباره صدور قرار مناسب افزایش دهد.  
 گزینه ۱ صحیح است. با استناد به بند ت ماده ۱۱ ق.م.ا: «ماده ۱۱- قوانین زیر نسبت به جرائم سابق بر وضع قانون، فوراً اجرا می شود:  
 الف- قوانین مربوط به تشکیلات قضائی وصلاحیت  
 ب- قوانین مربوط به ادله اثبات دعوی تا پیش از اجرای حکم  
 پ- قوانین مربوط به شیوه دادرسی  
 ت- قوانین مربوط به مرور زمان  
 تبصره - در صورتی که در مورد بند(ب) حکم قطعی صادر شده باشد، پرونده برای بررسی به دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال می شود.»

و  
و  
و  
و

## خودسنجی (۲)

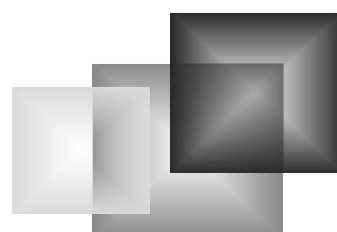
و  
و  
و  
و  
و  
و  
و

**گوشزد: همانطور که مطالعه نمودید در صفحات فوق فقط یک مبحث مختصراً به صورت نمونه آورده شد. لازم است بدانید که همه مباحث حقوق جزای عمومی در شب کنکور دکتری جزا مانند مبحث فوق کار شده است؛ مانند مباحث ذیل:**

- ..... مکاتب جزایی
- ..... مفهوم جرم
- ..... صلاحیت ها
- ..... مطلب تکمیلی: صلاحیت تکمیلی دیوان کیفری بین المللی
- ..... اقسام مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲
- ..... طبقه بندی جرائم
- ..... تقسیم بندی نخست - طبقه بندی جرائم بر اساس عنصر قانونی
- ..... تقسیم بندی دوم: طبقه بندی جرائم بر اساس عنصر مادی
- ..... تقسیم بندی سوم: طبقه بندی جرائم به اعتبار نتیجه ارتکاب آن
- ..... مجازات های تکمیلی
- ..... مجازات های تبعی
- ..... تعدد و تکرار جرم
- ..... مجازات شخص حقوقی
- ..... درجه بندی مجازات های تعزیری
- ..... تعزیرات شرعی منصوص
- ..... تعویق صدور حکم
- ..... تمایزات تعویق صدور حکم و تعلیق مجازات
- ..... تعلیق اجرای مجازات
- ..... تخفیف کیفر (مجازات)
- ..... کیفیات مشدده مجازات
- ..... نظام نیمه آزادی
- ..... آزادی مشروط



## بخش دوم: حقوق جزای اختصاصی







## فصل سوم: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

در این بخش به جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی پرداخته می‌شود. علت نامگذاری جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی این است که با اینکه تمام جرایم، امنیت کشور و آسایش عمومی را به نوعی خدشه‌دار می‌کنند و اگر اینچنین نبود؛ اساساً به عنوان جرم در محدوده حقوق جزا قرار نمی‌گرفتند. لیکن، این ویژگی در برخی از جرایم روشن‌تر و ملموس‌تر است. به بیان دیگر، جرایمی وجود دارند که **به طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط می‌باشند.** جرایمی مثل جاسوسی، شورش یا تحریک مردم به شورش، جمع‌آوری اطلاعاتِ محرمانه، سوء قصد به جان مقامات سیاسی بلند پایه، تشویق بیگانگان به اشغال کشور، کمک به دشمن اشغالگر، تهدید به بمب‌گذاری هواپیما و کشتی و وسایل نقلیه مشابه و نظایر آنها، **به طور مستقیم با حاکمیت ملی و اساس و پایه‌های یک نظام و حکومت ارتباط دارند و از این رو، جرایم علیه امنیت محسوب می‌شوند.** از سوی دیگر، جرایمی مثل جعل و قلب سکه، از باب اینکه **اعتماد عمومی** را نسبت به صحت اسناد، نوشتجات، اوراق بهادار، اسکناس، سکه و نظایر آنها سلب کرده و در مواردی (مثل جعل اسکناس رایج) **بنیان‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌سازند؛** جرایم علیه آسایش عمومی محسوب شده‌اند. به عبارت دیگر، تفاوت بین جرایمی مثل جعل اسکناس و قلب سکه با جرایمی مثل قتل و سرقت آن است که **در اولی شاید اساساً هیچ فرد خاصی متضرر نشود؛** مثلاً کسی که اسکناس جعلی را می‌گیرد به نوبه خود آن را علیه دیگری به کار برده و به جایش چیزی می‌گیرد؛ **در اینجا، بیش از همه بنیان‌های اقتصادی جامعه و اعتماد مردم به پول رایج کشور است که آسیب می‌بیند و از این طریق، آسایش عمومی مختل می‌گردد؛** لیکن در قتل و سرقت، **ضرر اولیه و ابتدایی به یک یا چند فرد به خصوص وارد می‌گردد و اختلالی که در آسایش عمومی در نتیجه ارتکاب این دو جرم حاصل می‌شود تنها یک امر ثانوی و تبعی است.** بنا به دلیل پیش گفته، جرایمی که به طور مستقیم با امنیت کشور و آسایش عمومی برخورد دارند؛ تحت مطالبی که ذکر شد؛ طبقه‌بندی شده‌اند.

<ul style="list-style-type: none"> <li>• برخی از جرایم به طور مستقیم با اساس و بنیان‌های یک حکومت مرتبط هستند؛ (به بیان دیگر، این جرایم جداً امنیت کشور را به هم می‌ریزند) مانند شورش یا سوء قصد به جان مقامات: <b>جرایم علیه امنیت کشور گفته می‌شود.</b></li> </ul>	<b>جرایم علیه امنیت کشور</b>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• برخی از جرایم، بیشتر از اینکه ضرر شخصی و خصوصی داشته باشند؛ <b>بنیان‌های اقتصادی جامعه را متزلزل می‌سازند؛</b> (به بیان دیگر لزوماً بر هم زنده امنیت کشور نیستند) و بیشتر نظم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را به صورت بالقوه و یا بالفعل، بر هم می‌زنند؛ مانند جعل اسکناس و قلب سکه <b>جرایم علیه آسایش عمومی گفته می‌شود.</b></li> </ul>	<b>جرایم علیه آسایش عمومی</b>

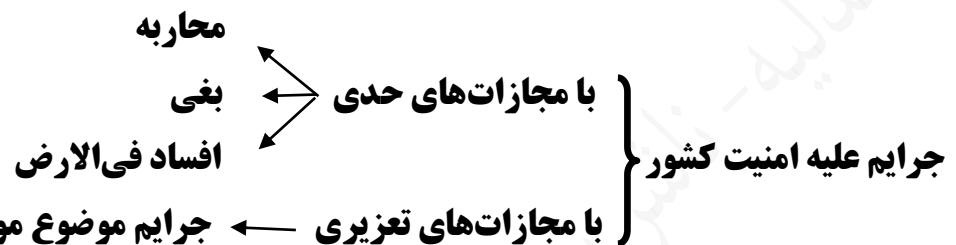
# مبحث اول: محاربه

## جرایم علیه امنیت کشور، شامل دو دسته جرایم است:

**اول-** برخی از آنها جرایم علیه امنیت کشور با مجازات محاربه است که شامل محاربه، بغی و افساد فی الارض می باشد.

**دوم-** برخی از جرایم علیه امنیت کشور با مجازات تعزیری می باشد که شامل جرایم موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می باشد.

دو مورد فوق به صورت ذیل قابل تقسیم بندی است:



**ماده اصلی در مورد محاربه ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی می باشد:**

**ماده ۲۷۹- محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.**

**مفهوم محاربه:**

### محاربه به معنای جنگ و کارزار با تشکیلات حکومت اسلامی است.<sup>۱</sup>

مصادق و نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران (و فقه اسلامی) محاربه می باشد<sup>۲</sup> و در بسیاری از جرایم دیگر علیه امنیت نیز، اعمال مجازات خاص پیش بینی شده در قانون علیه مرتکب **مشروط بر محارب محسوب نشدن** وی دانسته شده است. جرم محاربه در مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد اشاره قرار گرفته است. برخی دیگر، هر چند آیه را شامل کفار در حال جنگ با مسلمانان نمی دانند ولی آن را علاوه بر مسلمانان، شامل کفاری هم که به قصد ارباب و غارت اموال مسلمانان می جنگند؛ دانسته اند.

برای شمول آیه، **کافر یا مشرک بودن محاربین شرط نیست** و حتی برخی با توجه به آیه ۳۴ سوره مائده که توبه کنندگان را از شمول آیه مستثنی کرده است؛ تنها مسلمانانی را که در مقابل دولت اسلامی به قیام مسلحانه دست می زنند؛ مشمول آیه دانسته اند. همچنین کفاری که به قصد ارباب و غارت اموال با مسلمانان می جنگند. **از مصادیق بارز محاربین قطاع الطريق هستند که با سلاح راهزنی می کنند.** علاوه بر محاربه با خدا و رسول از «افساد در زمین» نام برده شده است.

**نکته کاربردی: تفاوت اصلی محاربه و بغی: محاربه یک جرم علیه امنیت و بغی یک جرم علیه حکومت است.**

<sup>۱</sup> - **محاربه** از ریشه «حرب» گرفته شده و متضاد کلمه «سلم» به معنی صلح می باشد و (در لغت نامه دهخدا) به معنای جنگیدن آمده است. از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می کشد؛ به کار می رود که وی قصد گرفتن جان یا مال یا امنیت دیگران را دارد. در آیه ۳۳ سوره مائده که اصلی ترین آیه ای است که در بحث از محاربه به آن استناد می شود: «که در زمان حکومت پیامبر اسلام بر شهر مدینه، گروهی از راهزنان به مردم و چوپانان حمله می نمودند و آنان را به وضع فجیعی به قتل می رساندند. لذا آیه ۳۳ سوره مائده در این باب نازل شد) و به معنای جنگ با مسلمانان و مظاهر حاکمیت خدا و پیامبر بوده که همان **کارزار با تشکیلات حکومت اسلامی** می باشد.

<sup>۲</sup> - مهم ترین جرایم علیه امنیت در حقوق ایران جرم محاربه، بغی و افساد فی الارض می باشد و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت **دادگاههای انقلاب** است. در این مورد دیوان عالی کشور در یکی از آرای وحدت رویه خود [رای وحدت رویه شماره ۵۲۱ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۹] اظهار می دارد: «جرایمی که اعلام شده عنواناً در ارتباط با امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، موضوع بند ۱ ماده واحده قانون حدود و صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ می باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادسرای انقلاب است... این رای بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه ها در موارد مشابه لازم الاتباع است.»

**عنصر قانونی: مواد ۲۷۹ الی ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲**

**عنصر مادی:** رفتار فیزیکی که عبارت است از اسلحه کشیدن برای ایجاد ناامنی در محیط (برای ترساندن مردم) در فقه اینگونه گفته شده: **تجرید السلاح لاخافه الناس: کشیدن سلاح برای ترساندن مردم**

**عناصر جرم محاربه**

**عنصر روانی:** علاوه بر سوء نیت عام که مشتمل بر علم حکمی و قصد انجام رفتار مجرمانه یعنی بیرون کشیدن سلاح و استفاده از آن می‌باشد؛ سوء نیت خاص نیز باید احراز گردد که مشتمل بر علم موضوعی و به ویژه قصد نتیجه یعنی قصد تجاوز به جان و مال، ناموس مردم با قصد ترساندن مردم می‌باشد. در علم موضوعی لازم بوده، محرز گردد که مرتکب می‌داند آنچه که به کار گرفته است؛ عرفاً سلاح بوده و موجب خطر یا ترساندن مردم خواهد شد. بنابراین سوء نیت خاص شامل دو مورد ذیل است:

- قصد تجاوز به جان، مال یا ناموس مردم
- قصد ارباب مردم

**دیدگاه قانونگذار در مورد محاربه:** از نظر قانونگذار ایران، مطابق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ **محاربه «عبارت از کشیدن سلاح، به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است؛ به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد.» بنابراین در محاربه:**

علاوه بر وجود سوء نیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح (تجرید السلاح) سوء نیت خاص، یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم ضرورت دارد.

**ضابطه نوعی و شخصی در تشخیص عنوان محاربه**

- **ضابطه نوعی:** سببیت برای فساد عامه، اخلال در امنیت عمومی، افساد و اخلال در نظام، شکست جبهه اسلام، اسارت یا تسلیم نیروهای خودی، تسلط دشمن بر اراضی، مواضع یا افراد خودی، وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی، ورود ضربه مؤثر به نیروهای مسلح، تقویت شدن دشمن.
- **ضابطه شخصی:** از سوی دیگر گاهی با اعمال یک ضابطه شخصی به دلیل قصدی که در ایجاد اخلال و برهم زدن امنیت و... محارب محسوب گردیده است. در صورتی که انجام اعمال فوق به قصد براندازی حکومت و ایجاد فساد (ضابطه شخصی یا ذهنی) یا در مواردی که در نتیجه اعمال مذکور لطمات جبران ناپذیری به عملیات نظامی وارد آید (ضابطه عینی یا نوعی) مرتکب به مجازات محارب محکوم می‌شود.

**سوال:** فرض کنید در یک جرمی قصد اولیه شخصی از کشیدن سلاح حمله به هواپیما یا قطار باشد اما غیرمستقیم عمل او موجب ترس مردم شود؛ عمل او محاربه محسوب می‌شود؟ به بیان دیگر، آیا قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم باید مستقیماً باشید یا غیر مستقیم نیز امکانپذیر است؟ در پاسخ باید گفت که داشتن قصد غیر مستقیم نیز کفایت می‌کند؛ مثال: هر گاه قصد و نیت اولیه شخصی از کشیدن سلاح، ربودن هواپیما باشد؛ همین که می‌داند که این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد؛ در واقع می‌توان گفت که قصد غیر مستقیم سلب امنیت را دارد و در نتیجه محارب محسوب خواهد شد. از همین رو، ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، راهزنان، سارقان و قاچاقچیان را که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند؛ محارب دانسته است.

از متن ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی معلوم می‌شود که مقنن نظر مشهور فقها را که ارتکاب محاربه را از سوی زن یا مرد، در شهر یا در خارج از شهر و در شب و روز ممکن می‌دانند (به عبارتی در خشکی و دریا و هوا: برآ و بحرأ و جوأ)؛ پذیرفته و از این جهت محدودیتی

برای شمول ماده قائل نشده است که در واقع همان نظر امام خمینی در تحریرالوسیله است.<sup>۱</sup> از این گذشته **استفاده از واژه مردم** در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ دلالت بر آن دارد که برای صدق عنوان محاربه **باید نوعی عمومیت در جرم وجود داشته باشد**؛ از همین رو در ادامه ماده ۲۷۹ آمده است: «...هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد...محارب محسوب نمی‌شود.»

**مثال کاربردی:** کسی که برای انتقام گیری و زهر چشم گرفتن از همسایه، صاحبخانه یا مغازه دار، بر روی او چاقو کشیده یا به روی او اسید می‌پاشد؛ به دلیل اینکه جرم جنبه عمومی ندارد؛ محاربه محسوب نمی‌شود.

**مثال کاربردی:** فردی که با به کار گرفتن شخص دیگری، به صورت دختری که به خواستگاری وی جواب رد داده بوده و نیز به صورت خواهر وی اسید پاشیده بود؛ به دلیل اینکه جرم جنبه عمومی ندارد؛ محاربه محسوب نمی‌شود.

**نکته: بنابراین: سلاح کشیدن با انگیزه شخصی از شمول ماده ۲۷۹ خارج است.**

### شرط فوق، توسط اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مورد تاکید قرار گرفته است:

**نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۱۲۵۷ مورخ ۱۳۷۱/۶/۳** ضمن تاکید بر لزوم عمومی بودن عمل اسلحه کشیدن برای شمول ماده ۱۸۳، مواردی را که جنبه عمومی ندارد؛ مشمول ماده ۱۱۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ (ماده ۶۹۹ قانون تعزیرات فعلی)<sup>۲</sup> در مورد تهدید کردن افراد به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشاء سر دانسته است.<sup>۳</sup>

البته اینکه در عمل هم تعداد زیادی مرعوب رفتار مرتکب شوند؛ ضرورتی ندارد؛ چنانکه در جواهر الکلام در ذیل عبارت «لاخافه الناس/ برای ترساندن مردم» توضیح می‌دهد در محاربه چنانکه یک نفر هم بترسد؛ امکانپذیر است «و لو یک نفر را هم بترساند».

نکته دیگری که از ماده ۲۷۹ استنباط می‌شود؛ **مقید بودن جرم محاربه است؛** زیرا بنا به تصریح ماده: «کسی که به روی مردم سلاح بکشد؛ ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود؛ محارب محسوب نمی‌شود.» ناتوانی مورد اشاره می‌تواند هر نوع ناتوانی، اعم از جسمی، روحی، مهارتی و ..... باشد؛ مثل اینکه یک فرد **ضعیف الجثه، زبون یا ناآشنا** با به کار بردن یک سلاح پیچیده آن را به روی دیگران نشانه رود؛ در حالی که همه می‌دانند که وی توان جسمی، روحی یا مهارتی لازم را برای استفاده از آن سلاح ندارد (البته گاه نداشتن مهارت، خود برای دیگران رعب آور است.) و یا بر این نکته واقف هستند که آن سلاح اساساً خالی و فاقد فشنگ جهت تیراندازی است. گاه ممکن است خود مرتکب به گونه‌ای برخورد کرده یا کلماتی را بر زبان براند که از ترسیدن مردم و در نتیجه، سلب امنیت جلوگیری نماید؛

**مثال کاربردی:** شخصی جهت نشان دادن میزان شجاعت و دشمن ستیزی خود، ضمن چرخاندن قمه خود در هوا، فریاد بزند که اگر شما مزدوران دشمن بودید؛ همه را از دم تیغ می‌گذرانم.

**مثال کاربردی:** شخصی که شوخ طبع است و این موضوع برای مخاطبان روشن باشد؛ اقداماتی انجام دهد که به دلیل مزاح بودن سخنش توسط مردم جدی گرفته نشود.

**نکته: کشیدن سلاح مستلزم شلیک اسلحه نمی‌باشد؛** بنابراین حتی اگر مرتکب، مثلاً هفت تیری را که به سوی مردم نشانه رفته است؛ شلیک نکند وی ممکن است در صورت سلب امنیت، مرتکب جرم محاربه محسوب شود.

**معنای سلاح: به هر وسیله‌ای گفته می‌شود که عرفاً سلاح و وسیله نزاع تلقی شود؛ اعم از سرد و گرم.**

<sup>۱</sup> - نظر مشهور فقها در مورد محاربه: (المحاربه، وهی تجرید السلاح برأو بحراً لیلأو نهراً لإخافه الناس فی مصر وغیره من ذکر أو أنثی، قوی أو ضعیف من أهل الریبه أم لا قصد الإخافه أم لا علی أصحاب الأقوال لعموم الآیه المتناول لجميع من ذکر؛ محاربه به معنای برهنه کردن سلاح در خشکی یا دریا، در هنگام شب یا روز برای ترساندن مردم شهر یا غیر شهر است. هرچند امروزه مسئله هواپیما هم به خشکی و دریا اضافه می‌شود و باید بگوییم برأ و بحراً و جواً. در محاربه تفاوتی میان اینکه فاعل این کار مرد است یا زن وجود ندارد. همچنین فرقی نمی‌کند که فاعل قوی باشد یا ضعیف و از افراد شرور باشد یا نباشد؛ چرا که بعضی شرط کرده‌اند که فاعل محاربه باید اهل ریه باشد؛ یعنی اهل شر باشد. همچنین تفاوتی ندارد که قصد ترساندن داشته باشد یا نداشته باشد، ولی اگر قصد ترساندن نداشته باشد، بدون اشکال نیست.)

<sup>۲</sup> - **ماده ۶۹۹:** «هر کس عالمأ عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به او است بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.»

<sup>۳</sup> - **در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۵۷-۱۳۷۱/۶/۳ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است؛** «اسلحه کشیدن به روی مردم، اگر جنبه عمومی داشته باشد و باعث رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم باشد طبق ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ حکم محارب را دارد ولی اگر جنبه عمومی نداشته باشد طبق تبصره ۲ ماده فوق محارب نیست...»

تقسیم بندی نظرات فقها در مورد معنای سلاح	
این گروه؛ سلاح را محدود به سلاح آهنین مانند قمه، شمشیر و چاقو کرده‌اند و وسایلی مانند چوب، سنگ و تازیانه را از شمول سلاح خارج دانسته‌اند.	گروه اول
این گروه؛ استفاده از سنگ و چوب و عصا و تازیانه را برای تحقق عنوان محاربه کافی دانسته‌اند. این گروه در مواردی که مردی در خانه گروهی آتش افکنده و خانه و اشیاء داخل آن را سوزانده، حکم به پرداخت قیمت اثاثیه و کشته شدن وی داده‌اند.	گروه دوم
این گروه؛ مطلق اخذ بقوه و به کار بردن زور و قهر و غلبه، حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی را کافی می‌دانند. این نظر، موسع‌ترین نظر است.	گروه سوم

با پذیرش نظر گروه اول و دوم که موسع‌تر است، سلاح را می‌توان اعمال ذیل هم دانست:

- شکستن سد و سرازیر کردن آب به سوی خانه‌های مردم
- پاشیدن فلفل یا اسید بر روی آنها
- پخش کردن مواد آلوده و مسموم در هوا

با لحاظ مقررات قانونی<sup>۱</sup> می‌توان ملاک تشخیص سلاح بودن یا نبودن یک وسیله را احراز نمود؛ با این بیان که ماده ۵ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰ به طور کلی، به سلاح‌هایی مثل سلاح سرد جنگی، سلاح گرم سبک غیر خودکار، سلاح گرم سبک خودکار و سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین اشاره کرده است و ماده ۱۱ آن به موادی مثل رادیو اکتیو، میکروبی، منفجره، ناریه (آتش زا)، محترقه، شوک دهنده و گازهای بی حس کنند، بی‌هوش کننده و اشک آور تحت عنوان «**اقلام و مواد تحت کنترل**» اشاره کرده است.

مصادیق اسلحه و سلاح در ماده ۵ و ۱۱	مواد مرتبط با موضوع از قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز مصوب ۱۳۹۰
۱. سلاح سرد جنگی و شکاری	<p><b>ماده ۲-</b> مقصود از سلاح و مهمات در این قانون انواع سلاحهای گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیرگلوله‌زنی و مهمات مربوط به آنها است.</p> <p>تبصره - اسلحه لیزری و آن دسته از شبه سلاحهایی که به دلیل مشابهت و کاربرد، قابلیت جایگزینی سلاح را دارند از حیث احکام مندرج در این قانون، حسب مورد تابع احکام سلاح گرم قرار می‌گیرند و سلاحهای آموزشی و بیهوش کننده تابع احکام سلاح شکاری می‌باشند.</p> <p><b>ماده ۳-</b> اقلام و مواد تحت کنترل عبارت از انواع مواد محترقه، ناریه، منفجره اعم از نظامی و غیرنظامی، شیمیایی، رادیواکتیو، میکروبی، گازهای بیهوش کننده، بی‌حس کننده و اشک آور و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها) و تجهیزات نظامی و انتظامی است.</p> <p><b>ماده ۵-</b> هر کس مرتکب قاچاق سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات مؤثر یا مهمات آنها شود یا نسبت به ساخت، مونتاژ، فروش یا توزیع هر یک از آنها اقدام کند به ترتیب زیر به حبس تعزیری محکوم می‌شود:</p> <p>الف - سلاح سرد جنگی، سلاح شکاری یا مهمات آن، به حبس از شش ماه تا دو سال</p> <p>ب - سلاح گرم سبک غیر خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از دو تا پنج سال</p> <p>پ - سلاح گرم سبک خودکار، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از پنج تا ده سال</p> <p>ت - سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین، مهمات یا قطعات مؤثر آن، به حبس از ده تا پانزده سال</p> <p>تبصره - هرگاه موضوع جرم این ماده بیش از یک قبضه یا قطعات مؤثر از چند قبضه باشد مجازات مرتکب <b>حسب مورد یک درجه تشدید می‌شود.</b></p> <p><b>ماده ۱۱-</b> هر کس مرتکب قاچاق اقلام یا مواد تحت کنترل شود یا به ساخت و مونتاژ هر یک از آنها اقدام کند به ترتیب زیر به مجازات تعزیری محکوم می‌شود:</p> <p>الف - مواد رادیواکتیو یا میکروبی، به حبس از بیست و پنج تا سی سال</p> <p>ب - مواد منفجره نظامی یا شیمیایی، به حبس از پنج تا ده سال</p> <p>پ - مواد ناریه یا منفجره غیرنظامی، به حبس از دو تا پنج سال و جزای نقدی یک تا دو برابر ارزش مواد کشف شده و در صورتی که هدف از ارتکاب جرم مقاصد غیرامنیتی از قبیل بهره‌برداری غیرمجاز از معادن باشد، به حبس از شش ماه تا دو سال</p> <p>ت - گازهای بی‌حس کننده، بیهوش کننده و اشک آور به حبس از دو تا پنج سال</p> <p>ث - مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها)، به حبس از شش ماه تا دو سال</p>
۲. سلاح گرم سبک غیر خودکار	
۳. سلاح گرم سبک خودکار	
۴. سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین	
۵. مواد رادیواکتیو یا میکروبی	
۶. مواد منفجره نظامی یا شیمیایی	
۷. مواد ناریه یا منفجره غیر نظامی	
۸. گازهای بی‌حس کننده، بیهوش کننده و اشک آور	
۹. مواد محترقه و شوک‌دهنده‌ها (شوکرها)	

<sup>۱</sup> - از جمله مصوباتی که قبل از قانون مصوب ۹۰ در خصوص تقسیم بندی انواع سلاح مورد اشاره قرار گرفته، آیین نامه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، در اجرای تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح، مصوب سال ۱۳۵۰ اقدام به اعلام فهرست انواع اسلحه سرد جنگی، شکاری، مواد منفجره و مواد محترقه نموده بود که قابل تقسیم بندی به همین ۴ بخش بود. این قانون با تصویب قانون مصوب ۹۰ صراحتاً نسخ شده است.

همچنین آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۲، سلاح سرد را عبارت از وسایل و ادواتی دانسته است که برخلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد نموده و اصابت آنها به بدن منجر به «ایجاد پارگی، خونریزی، از کارافتادن موقت یا دائم اعضا و نهایتاً آسیب جسمی، روحی یا فوت می‌شود.» با توجه به این تعریف، سلاح محسوب شدن آلاتی مثل قیچی، چکش، تبر و تیغ موکت بری بعید نیست. قانون دیگری که به سلاح اشاره داشته است؛ تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۸ به بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد: بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، یکی از شرایط سرقت های موضوع ماده را مسلح بودن یک یا چند نفر از سارقان به سلاح ظاهر یا مخفی دانسته است. انواع این اسلحه یا سلاح‌ها:

### (انواع سلاح) تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۸ به بند ۳ ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

- ۱. انواع سلاح گرم از قبیل تفنگ و نارنجک.
- ۲. انواع سلاح سرد از قبیل قمه، شمشیر، کارد، چاقو و پنجه بوکس.
- ۳. انواع سلاح سرد جنگی مشتمل بر کاردهای سنگری متوال در نیروهای مسلح یا مشابه آن و سرنیزه‌های قابل نصب بر روی تفنگ.
- ۴. انواع سلاح شکاری شامل تفنگ ساچمه زنی، تفنگ‌های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ‌های ویژه شکار حیوانات آبی.»

ملاحظه می‌شود که مطابق با این تعبیر قانونی که **تکیه بر عرف مرسوم** در شناسایی سلاح سرد دارد؛ به راحتی نمی‌توانیم ابزار آلاتی نظیر چکش، ساتور و ... را سلاح سرد تلقی کنیم.

**نکته:** منظور از سلاح آن چیزی است که برای نزاع و جنگیدن ساخته شده است یا به کار می‌رود و معنای آن از لحاظ زمانی و مکانی متغیر است.

**نکته:** بنابراین ضابطه، دیدگاه عرف است که برداشتش از سلاح یا اسلحه چه می‌باشد. عرف سلاح را اعم از گرم و سرد می‌داند.

- ۱ - ماده ۱ آیین‌نامه: اصطلاحات به کار رفته در قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز - مصوب ۱۳۹۰ - که از این پس در این آیین‌نامه قانون نامیده می‌شود و این آیین‌نامه در معانی مشروح زیر به کار می‌روند:
 

**الف - سلاح گرم:** سلاحی که با استفاده از نیروی گاز باروت (نیروی حاصل از احتراق پیشرانه) یا به صورت دستی مسلح شده و توانایی پرتاب یک یا چند گلوله را به صورت تکی (تک تیر) و یا متوالی (رگبار) دارد و به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

۱- **سلاح گرم سبک (سلاح کوچک):** سلاحی که برای استفاده انفرادی طراحی و ساخته شده و توسط یک نفر قابل حمل و بهره‌برداری است و کالیبر آنها از (۵/۵) میلی‌متر تا کمتر از (۱۲/۷) میلی‌متر و در بعضی انواع از (۰/۲۲) الی (۰/۳۸) اینچ می‌باشد و به دو نوع زیر تقسیم می‌شود:

**نوع اول - سلاح گرم سبک خودکار:** سلاحی که معمولاً دارای مکانیزم آتش حداقل دو وضعیتی (ضامن - شلیک) می‌باشد و با خشاب یا نوار فشنگ‌گذاری شده و خروج پوکه به صورت خودکار توسط مکانیزم سلاح انجام می‌شود و چنانچه برکه ناظم آتش آنها در حالت تک تیر قرار داده شود با هر بار فشار ماشه یک گلوله شلیک و در حالت سه تیر یا رگبار با هر بار فشردن ماشه بیش از یک گلوله شلیک می‌کنند.

**نوع دوم - سلاح گرم سبک غیر خودکار:** سلاحی که توانایی یک بار شلیک با فشردن ماشه را داشته و غالباً فشنگ‌گذاری آن به صورت دستی انجام و پوکه آن به صورت دستی از سلاح خارج می‌شود.

۲- **سلاح گرم نیمه سنگین:** سلاحی که به وسیله دو یا سه نفر خدمه استفاده می‌شود و بعضی از انواع آن می‌تواند توسط یک نفر حمل و استفاده شود و کالیبر آنها از (۱۲/۷) تا (۱۰۶) میلی‌متر می‌باشد.

۳- **سلاح گرم سنگین:** ادوات و تجهیزاتی که حمل و نقل آنها به بیش از سه نفر نیروی انسانی یا امکانات لجستیکی نیاز دارد و هدایت آتش آنها توسط سامانه‌های جانبی انجام می‌شود و کالیبر آنها بالاتر از ۱۰۶ میلی‌متر می‌باشد، از قبیل توپ (۱۳۰) میلی‌متری و توپ (۱۵۵) میلی‌متری.

**ب - سلاح سرد:** وسایل، آلات و ادواتی که برخلاف اسلحه‌های گرم در اثر استفاده، صدا، شعله و حرارت ایجاد نموده و اصابت آنها به بدن منجر به ایجاد پارگی، خونریزی، از کار افتادن موقت یا دائم اعضا و نهایتاً آسیب جسمی و روحی یا فوت می‌شود.

**پ - سلاح سرد جنگی:** سلاحی که از آن در نیروهای مسلح برای نبرد تن به تن و دفاع شخصی استفاده می‌گردد، از قبیل سرنیزه قابل نصب روی سلاح جنگی و کارد سنگر و تیر و کمان غیرمتعارف.

**ت - سلاح جنگی:** سلاحی که صرفاً توسط نیروهای مسلح استفاده و به سه دسته سبک، نیمه سنگین و سنگین تقسیم می‌شود.

**ث - سلاح شکاری:** سلاحی گرم و سبک که به منظور شکار، حفاظت از احشام و مزارع، آموزش و مسابقه به کار می‌رود و به انواع ساچمه‌زنی، خفیف‌های بلند و گلوله‌زنی غیر خودکار که خارج از سازمان رزم نیروهای مسلح می‌باشد (اعم از گلنگدنی، نیمه اتوماتیک، زیر بازشو، رو بازشو و خفیف) تقسیم می‌شود.

**ج - مهمات:** منظوفی با اشکال و ابعاد معین که محتوی باروت یا پیشرانه‌ای مشخص بر حسب نوع مشخصات سلاح می‌باشد که بر اثر فعال شدن توسط مکانیزم اسلحه می‌تواند پرتابه همراه خود را به فاصله تعیین شده پرتاب کند. مهمات هر سلاح با کالیبر یا نام آن اسلحه معرفی می‌شود. در بعضی انواع مهمات به منظور ایجاد ترکش و تخریب از مواد منفجره یا محترقه آتش‌زا استفاده می‌شود از قبیل نارنجک دستی یا تفنگی، انواع مین ضد نفر و مین ضدتانک و انواع بمب‌ها.

**چ - سلاح لیزری:** سلاحی که توسط آن امواج همسان تقویت شده از جنس نور به شکل ممتد یا متناوب تولید می‌شود و توانایی از بین بردن، آسیب‌رسانی و از کارافتادگی موقت یا دائم انسان یا موجودات زنده یا اشیاء را دارد.

**ح - شبه سلاح:** وسایلی که به دلیل شباهت ظاهری و کاربردی، می‌توانند به منظور سوء استفاده و اقدام مجرمانه جایگزین سلاح گرم شوند، از قبیل انواع کلت‌های گازی ساچمه‌زن و تولید صدا و انواع اسلحه صوتی با فرکانس‌های مختلف.

**خ - سلاح آموزشی:** سلاحی که به نحوی در آموزش تیراندازی استفاده می‌شود، از قبیل اسلحه‌های ورزشی، گلوله‌زن، ساچمه‌زن و خفیف.

**د - سلاح بیهوش‌کننده:** سلاحی که عمدتاً برای تزریق مواد بیهوش‌کننده به حیوانات از آنها استفاده می‌شود و در آن کپسول حاوی مواد بیهوش‌کننده با فشار هوای فشرده به سمت هدف پرتاب شده و با مکانیزم بعدی، عمل تزریق انجام می‌پذیرد.



**نکته:** صرف اینکه ابزار خاصی اصالتاً برای کاری غیر از نزاع ساخته شده است؛ لزوماً باعث خروج آن از عنوان سلاح نمی‌شود؛ بدین ترتیب مثلاً چه بسا یک ساتور قصابی یا تبر را هم بتوان با استناد از آیین نامه مصوب ۱۳۹۲، سلاح سرد محسوب کرد.

**نکته:** اگر شخصی بر روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی او، موجب سلب امنیت نشود؛ از شمول ماده ۲۷۹ (محارب) خارج است.

مصادیق اسلحه سرد	مصادیق اسلحه گرم
چاقو - شمشیر - قمه - نیزه - خنجر - دشنه -	تفنگ - هفت تیر - مسلسل - توپ - تانک
بنابراین ابزاری مانند عصا، سنگ، چوب، تازیانه، ادویه جاتی مانند فلفل، اعمالی مانند اسیدپاشی، آتش زدن از شمول ماده خارج است.	

## راهزنی و سرقت مسلحانه

مطابق ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.» به نظر می‌رسد این ماده شامل کلیه افرادی نیز، خواهد شد که در اجرای یک طرح مشترک و هماهنگ در باندهای سرقت، راهزنی و قاچاق مسلحانه شرکت دارند؛ هر چند که تنها تعدادی از افراد باند در صحنه عملیات دست به سلاح برده باشند. منظور از سلاح در ماده ۲۸۱ مانند ماده ۲۷۹ و سایر موادی که در آنها از سلاح نام برده شده است؛ سلاح واقعی و نه سلاح تقلبی و بدلی است؛ اما سرد یا گرم و پر یا خالی بودن آن تفاوتی ایجاد نمی‌کند. **مثال کاربردی:** چنانچه شخصی هر گونه کالا که مورد نیاز ضروری جامعه بوده را از دسترس مردم خارج کند به نحوی که نبود آن کالا موجبات هرج و مرج و نارضایتی عمومی را در میان مردم فراهم آورد و غالباً نیز فراگیر می‌شود که باعث ناتوان جلوه دادن دولت می‌گردد؛ نیز به طور محرز و قطع به یقین، **مسبب این گونه اعمال محاربند.** شبیه جرم موضوع ماده ۲۸۱ در ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ پیش‌بینی شده است: «هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.»

تطبیق ماده ۲۸۱ ق.م.ا.م. ۱۰۰ مصوب ۹۲ با ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات		
ماده ۶۵۳	ماده ۲۸۱	متن ماده
«هر کس در راه‌ها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود.»	«راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند محاربند.»	
دست به سلاح بردن ضرورتی ندارد؛	دست به سلاح بردن ضروری است؛	<b>تفاوت‌ها</b>
مکان این جرم مختص به راه‌ها و شوارع است (اعم از اینکه داخل یا خارج شهر باشد)؛	مکان این جرم مختص به راه‌ها و شوارع نیست؛ (مثلاً در یک ورزشگاه یا گردشگاه عمومی اتفاق افتاده باشد).	
باید راهزنی ارتکاب یابد؛	هر چند هدف راهزنی است، اما تحقق جرم مستلزم راهزنی در عمل نیست؛ بلکه آنچه برای تحقق جرم باید رخ بدهد؛ بر هم خوردن امنیت مردم یا راه‌ها می‌باشد.	
بنابراین به پیروی از اصل کلی و نیز با توجه به تصریح ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات، ابتدا باید شمول ماده ۲۸۱ را نسبت به مرتکب، مورد بررسی قرار داد و تنها در صورت عدم شمول ماده اخیرالذکر نوبت به اعمال ماده ۶۵۳ خواهد رسید؛ زیرا ماده ۶۵۳ نیز بر این نکته تأکید کرده است که مرتکب «در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد» مشمول ماده مذکور قرار خواهد گرفت؛ پس:		<b>نتیجه</b>
نه تنها ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را نسخ نکرده بلکه حتی ظاهراً تخصیص هم نکرده است.		

## مقابله با محاربان

ماده ۲۸۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که جانشین ماده ۱۸۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ شده است؛ اشعار می‌دارد: «**فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد محارب نیست.**»

**سوال: آیا منظور از عبارت «محارب نیست» آن است که آیا آن شخص اساساً مجرم نیست؛ یا اینکه مجرم است اما محارب محسوب نمی‌شود؟ پاسخ به این سوال، بستگی به شرایط عمل این افراد دارد؛** هرگاه شرایط دفاع مشروع، مذکور در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، وجود داشته باشد؛ از جمله اینکه تجاوز یا خطر، فعلی یا قریب‌الوقوع بوده و دفاع برای دفع آن ضرورت داشته و مراحل آن رعایت شده باشد و توسل به قوای دولتی هم عملاً ممکن نبوده یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر، موثر واقع نشود؛ آنگاه می‌توان گفت که افراد مورد اشاره در ماده ۲۸۰ اساساً مجرم نبوده و هیچ مجازاتی را تحمل نخواهند کرد؛ لیکن، هر گاه این افراد بدون رعایت همه یا برخی از شرایط مذکور، مثلاً به قصد انتقام‌گیری پس از اتمام عمل محاربان با اسلحه، با آنان درگیر شوند؛ آنگاه نمی‌توانند از مسئولیت کیفری به استناد دفاع مشروع بگریزند؛ **ولی حتی در این حالت هم، به دلیل فقدان سوء نیت خاص لازم برای جرم محاربه، یعنی قصد سلب امنیت عمومی، آنان محارب محسوب نمی‌شوند؛ هر چند که ممکن است به ارتکاب اعمالی مثل ایراد ضرب و جرح و تخریب محکوم شوند.**

## اثبات محاربه

قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (در بخش ششم) در مورد ادله اثبات در امور کیفری، اثبات کلیه جرایم به جز موارد مستثنی شده را با یک بار اقرار یا شهادت دو مرد عادل ممکن دانسته است که محاربه در زمره جرایم مستثنی شده نمی‌باشد. البته قانون سابق (یعنی ماده ۱۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اثبات محاربه را با یک اقرار و شهادت دو مرد عادل ممکن دانسته بود). همچنین با تکیه بر ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲<sup>۱</sup> و نظر مشهور در فقه امامیه، می‌توان گفت که جرم محاربه با **علم یقین آور قاضی** نیز به شرط وجود شرایط مذکور در ماده ۲۱۱ و تبصره آن، قابل اثبات می‌باشد و حتی «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد... آن ادله برای قاضی معتبر نیست...»

**بنابراین: محاربه (و افساد فی الارض) به یکی از روش‌های زیر اثبات می‌شود:**

- ۱- **با یک بار اقرار مرتکب:** به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل بوده و اقرار با قصد و اختیار باشد و با واقعیت نیز تطبیق داشته باشد.
- ۲- **با شهادت دو مرد عادل:** شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته‌اند، به نفع یکدیگر پذیرفته نمی‌شود بنابراین هر گاه عده‌ای از اشخاص مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند؛ شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیب نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته می‌شود. همچنین شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند؛ اگر شکایت شخصی نباشد؛ بلکه منظور، اثبات محارب بودن مهاجمین باشد؛ این شهادت مورد پذیرش قرار می‌گیرد.
- ۳- **علم القاضی:** حتی در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد؛ (پذیرفته شده است).

**اثبات محاربه: ← یک بار اقرار + شهادت دو مرد عادل + علم القاضی**

## مجازات محاربه

**مطابق ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:**

الف - اعدام

ب - صلب

پ - قطع دست راست و پای چپ

ت - نفی بلد

<sup>۱</sup> - **ماده ۲۱۱-** علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

**تبصره ۵-** مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد. در هر حال مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.



**نکته: انتخاب هر یک از مجازات‌های فوق در اختیار قاضی است.**

**کدینگ جهت حفظ مطلب: ناقص:** نفی بلد/ اعدام/ قطع دست راست و پای چپ/ صلب

<b>مجازات محاربه (ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)</b>	
<p>دیدگاه مقنن در مورد نحوه بریدن دست و پا:</p> <p>قانون در مورد نحوه بریدن دست و پا ساکت است اما ماده ۱۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ گفته بود که این امر به همان گونه‌ای صورت می‌گیرد که در حد سرقت عمل می‌شود و در مورد حد سرقت بندهای الف و ب ماده ۲۰۱ قانون مصوب ۱۳۷۰ و بندهای الف و ب ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲، قطع انگشت دست راست را از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند و قطع پای چپ را از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند؛ پیش‌بینی کرده است.</p>	
<p>دیدگاه قانونگذار در مورد صلب:</p> <p>در مورد صلب علی رغم سکوت قانون مجازات مصوب ۹۲، همانطور که ماده ۱۹۵ قانون مجازات سابق، مصوب ۱۳۷۰ گفته، منظور از صلب، بستن فرد به مدت سه روز بر روی دار به طوری که نحوه بستن منجر به مرگ او نشود و اگر ظرف سه روز نمیرد باید پایین آورده شود و نمی‌شود دیگر او را کشت.</p>	
<p>دیدگاه قانونگذار در مورد نفی بلد:</p> <p>نفی بلد مانند تبعیدی که امروزه می‌شناسیم نیست؛ بلکه از آن سخت‌تر است؛ زیرا بنا به تصریح ماده ۲۸۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در نفی بلد <b>محارب باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده و رفت و آمد نداشته باشد.</b> به علاوه محارب، در صورتی که توبه نکند همچنان در تبعید باقی می‌ماند <b>و مدت نفی بلد در هر حال کمتر از یک سال نیست (مهم).</b></p> <p>همچنین علاوه بر مجازات اصلی، امکان انتشار حکم محکومیت قطعی نیز برای محکومان به حد، طبق بند ۳ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، پیش‌بینی شده است؛ که طبق ماده ۳۶، در جرم محاربه، <b>در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت است.</b></p>	

**سوال: مقنن از میان دو قول راجع به تخیر و ترتیب در تعیین مجازات محارب، کدام قول را پذیرفته است؟** مقنن قول اول (تخیر) را پذیرفته و ماده ۲۸۳ مصوب ۹۲ در اشاره به مجازات‌های چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲، مقرر می‌دارد: «انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده ۲۸۲ به اختیار قاضی است.» بنابراین اعم از اینکه محارب اقدام به کشتن یا مجروح کردن یا تصاحب اموال دیگران نموده یا ننموده باشند؛ تأثیری در مجازات او ندارد.

## شروع به جرم محاربه و معاونت در آن

در قانون مجازات سابق مصوب ۱۳۷۰، مجازاتی برای شروع به محاربه پیش‌بینی نشده بود. ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مجازات شروع به جرایم مختلف را بر اساس میزان مجازاتی که برای آنها در قانون مقرر شده، تعیین کرده است:

**بند الف ماده ۱۲۲: مجازات شروع به جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات می‌باشد ← حبس تعزیری درجه چهار**  
**بند ب ماده ۱۲۲، مجازات شروع به جرم جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو می‌باشد ← حبس تعزیری درجه پنج**  
**سوال: با توجه به اینکه هم سلب حیات و هم قطع عضو از زمره مجازات‌های چهارگانه پیش‌بینی شده در قانون برای جرم محاربه می‌باشد؛ آیا می‌توان بر اساس یکی از دو بند فوق برای شروع به محاربه مجازات تعیین کرد؟** در پاسخ باید گفت؛ از یک سو، می‌توان گفت؛ همین که قاضی، طبق قانون بتواند چنین مجازات‌هایی را برای مرتکب جرمی تعیین نماید؛ مورد مشمول بندهای الف یا ب

<sup>۱</sup> - البته در بین فقهای امامیه ۲ نظریه وجود دارد:

**نظریه اول:** این است که هر گاه محارب اقدام به کشتن دیگری نموده باشد؛ اعم از اینکه اولیای دم رضایت بدهند یا رضایت ندهند مجازات محارب اعدام (قتل) می‌باشد و چنانچه اقدام به کشتن یا مجروح کردن دیگران ننموده باشد مجازات محارب عبارتست از تبعید به مناطق محروم.

**نظریه دوم:** نظریه ای که در قانون مجازات اسلامی نیز آمده است.

<sup>۲</sup> - **ماده ۱۲۲-** هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف- در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار

ب- در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج

پ- در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش

**تبصره ۵-** هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده **در حکم شروع به جرم** است.

ماده ۱۲۲ خواهد شد؛ حتی اگر امکان تعیین مجازات‌های دیگری هم از سوی قاضی وجود داشته باشد. با پذیرش این نظر، **مجازات شروع به محاربه باید بر اساس بند الف ماده ۱۲۲ تعیین شود که عبارت است از: حبس تعزیری درجه چهار یعنی بیش از پنج تا ده سال حبس (طبق ماده ۱۹)** لیکن، آنچه که پذیرش این نظر را دشوار می‌کند؛ آن است که با پذیرش آن، مجازات شروع به محاربه می‌تواند سنگین‌تر از مجازات جرم تام محاربه باشد؛ زیرا در جرم تام محاربه، قاضی، طبق مواد ۲۸۲ و ۲۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، حق دارد که **تنها مجازات یک سال نفی بلد** را برای مجرم تعیین نماید؛ در حالی که در شروع به جرم محاربه، مجازات مرتکب همواره **بیش از ۵ تا ۱۰ سال حبس خواهد بود**. بنابراین، متأسفانه علی‌رغم تلاش قانونگذار برای اینکه با تصویب ماده ۱۲۲ در قانون مصوب ۹۲، خلاءهای قانونی قبلی در مورد مجازات شروع به جرایم مختلف را مرتفع نماید؛ همچنان ابهامات و خلاءهایی در این مورد وجود دارد که نیازمند بازنگری است. همین اشکال و ابهام در مورد معاونت در محاربه با توجه به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ وجود دارد. در این موارد اگر به استناد این که یکی از مجازات‌های پیش‌بینی برای محاربه در قانون سلب حیات می‌باشد؛ **مجازات معاونت در آن را، بر اساس بند الف ماده ۱۲۷، حبس تعزیری درجه دو یا سه** بدانیم، نتیجه آن می‌شود که با توجه به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، قاضی همواره موظف به تعیین مجازاتی بیش از ۱۰ سال تا ۲۵ سال حبس برای معاون در جرم محاربه باشد؛ در حالی که برای مباشر محاربه می‌تواند حتی مجازات سبکی مانند یک سال نفی بلد را تعیین نماید. بدیهی است در مورد دو جرم بغی و افساد فی الارض با توجه به این که تنها مجازات پیش‌بینی شده برای آنها به ترتیب در مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است؛ مجازات شروع به ارتکاب آنها یا معاونت در ارتکاب آنها به ترتیب، به موجب بند الف ماده ۱۲۲ و بند الف ماده ۱۲۷ عبارت از حبس تعزیری درجه چهار (برای شروع به جرم) و حبس تعزیری درجه دو یا سه (برای معاونت در جرم) خواهد بود.

مجازات شروع به جرم و معاونت محاربه (ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)	
مجازات شروع به جرم محاربه:	حبس تعزیری درجه چهار (بیش از ۵ تا ۱۰ سال حبس)
مجازات معاونت در جرم محاربه:	حبس تعزیری درجه دو یا سه (بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال و بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال حبس)
مجازات معاونت و شروع به جرم در جرم بغی و افساد فی الارض	
مجازات شروع به جرم در بغی و افساد فی الارض:	حبس تعزیری درجه چهار
مجازات معاونت در جرم بغی و افساد فی الارض:	حبس تعزیری درجه دو یا سه

۱ - ماده ۲۸۲ - حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است:

الف - اعدام ب - صلب پ - قطع دست راست و پای چپ ت - نفی بلد

ماده ۲۸۳ - انتخاب هر یک از امور چهارگانه مذکور در ماده (۲۸۲) به اختیار قاضی است.

۲ - ماده ۱۲۷ - در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف - در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب - در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ - در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است، سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس تعزیری درجه شش

ت - در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی

**تبصره ۱ -** در مورد بند(ت) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار، شش و هفت است.

**تبصره ۲ -** در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند(ت) این ماده اعمال می‌شود.

۳ - ماده ۲۸۶ - هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

**تبصره ۵ -** هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زینبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.

**ماده ۲۸۷ -** گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

## حاکمیت قاعده در آ در محاربه

با توجه به اعمال قاعده در آ (تدراء الحدود بالشبهات) که در ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز تصریح شده است؛<sup>۱</sup> اگر در جرم و شرایط ناظر بر آن و یا شرایط مسئولیت کیفری شبهه‌ای ایجاد شود با اعمال قاعده در آ، جرم اثبات نخواهد شد. با این حال ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی، جهت اعمال قاعده در آ در برخی جرایم مستوجب حد و به ویژه محاربه برخورد افتراقی داشته است.

**متن ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی:**

«در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.»

مطابق ماده فوق در کلیه جرایم حدی اگر شبهه حاصل شود با عملی ساختن قاعده در آ، جرم یا شرایط مورد تردید ثابت نخواهد شد؛ اما این قاعده در ۴ جرم مستوجب حد متفاوت می‌باشد و آن جرایم عبارتند از: سرقت، قذف، محاربه و افساد فی الارض. **با توجه به مفهوم مخالف ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ با ایجاد شبهه در جرم محاربه مقام قضایی نمی‌تواند به صرف شبهه یا تردید و «بدون نیاز به تحصیل دلیل» اعمال قاعده در آ نماید بلکه باید تلاش عرفی را جهت انجام تحقیق با هدف نفی شبهه انجام دهد و اگر در نتیجه تحقیق و بررسی دلیلی بر نفی شبهه و تردید خود حاصل نکرد با اعمال قاعده در آ به برائت متهم رای خواهد داد.**

**قانونگذار در ماده ۲۱۸ مقرر می‌دارد:**

«در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.»

اما در تبصره ۱ همین ماده با استثناء کردن محاربه بیان می‌دارد که: «در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اگر اه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.» و این هم پوشانی مفهوم مخالف ماده ۱۲۱ با تبصره ۱ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی را محرز می‌دارد. (یعنی هر دو مقرر گفته‌اند که دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.)

## اعمال برخی محدودیت‌های کیفری بر محاربه

• **انتشار حکم محکومیت:** به موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، حکم قطعی محکومیت کیفری به محاربه در رسانه‌های محلی برای یک نوبت قابل انتشار می‌باشد.

**ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است:**

**حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد فی الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلال در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.**

• **تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات:** هر چند در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، محاربه و افساد فی الارض قابل تعویق و تعلیق نیست اما به موجب تبصره این ماده قانونی که به موجب قانون کاهش حبس های تعزیری مصوب ۹۹ اضافه شده است؛ با شرایطی تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است.

**ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:**

**صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:**

**الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات**

**ب - جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی**

**پ - قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا**

**ت - قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان**

<sup>۱</sup> - ماده ۱۲۰ - هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.

<sup>۲</sup> - ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست:

الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات

ب - جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار، آدم ربایی و اسیدپاشی

پ - قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت - قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و قاچاق انسان

ث - تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض

ج - جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض  
ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

## مقررہ الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ (در خصوص تعلیق)

تبصره ماده ۴۷- در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان، تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. همچنین تعلیق مجازات جرائم علیه عفت عمومی (به جز جرائم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) و کلاهبرداری و کلیه جرائم در حکم کلاهبرداری و جرائمی که مجازات کلاهبرداری درباره آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود و شروع به جرائم مقرر در این تبصره، بلامانع است. رعایت ماده (۴۶) این قانون در خصوص این تبصره الزامی است. (الحاقی به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۲۳/۲/۱۳۹۹)

### توبه محارب

ماده قانونی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در مورد توبه محارب تصویب شده است:

«ماده ۱۱۴- در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.»

تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آنها محکوم می‌شود.

و  
و  
و  
و  
و

۱- ماده ۶۳۹- افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف - کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند

ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

تبصره ۵- هر گاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می‌گردد.

ماده ۶۴۰- اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱- هر کس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علایم، فیلم، نوار سینما و یا بطور کلی هر چیز که عفت و افکار عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد. ۲- هر کس اشیاء مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید. ۳- هر کس اشیاء فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴- هر کس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل بدست آوردن آن را معرفی نماید.

تبصره ۱- مفاد این ماده شامل اشیائی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلانی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می‌گیرد.

تبصره ۲- اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.

## نکات مهم

(۱) در جرایم مستوجب حد (مانند محاربه) علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری، به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد. (ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی / سوال و کالت سال ۹۵ /)

(۲) تعدد محاربان و تعدد قربانیان جرم شرط تحقق محاربه نیست و محاربه حتی با یک نفر هم اتفاق می افتد.

(۳) هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد؛ محارب محسوب نمی شود. بنابراین سلب امنیت باید جنبه عمومی داشته نه جنبه شخصی، (همچنین بایستی مرتکب توانایی واقعی جهت سلب امنیت را داشته باشد). بنابراین اگر شخص بر روی طلبکار خود اسلحه بکشد؛ محارب نیست.

(۴) محاربه از جمله جرایم مقید می باشد و شروع به محاربه مجازات ندارد؛ مگر اینکه آن مقدار عمل انجام داده شده، خود وصف مجرمانه خاصی داشته باشد؛ مثلاً تهیه اسلحه.

(۵) فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرند؛ محارب نیستند. (ماده ۲۸۰ ق.م.ا) اما از باب جرم غیرحدی قابل تعقیب است و در صورت عدم رعایت تناسب دفاع و تخطی از آن، به هر حال جرم آنان محاربه محسوب نمی شود؛ هر چند ممکن است مشمول جرم دیگری شوند. زیرا او نه به قصد ارباب مردم و سلب آزادی و امنیت آنها، بلکه برای انتقام گیری از محاربان دست به سلاح برده است؛ پس در چنین حالتی وی مسئولیت کیفری اعمال ارتكابی خود، مانند ایراد ضرب و جرح و تخریب، بر عهده اش است.

### ۶) تفاوت های دو ماده ۲۸۱ و ۶۵۳:

- **اولین تفاوت** در ماده ۶۵۳ قانون تعزیرات برخلاف ماده ۲۸۱، دست به سلاح بردن ضرورتی ندارد.
- **دومین تفاوت:** در ماده ۶۵۳، محل ارتكاب جرم (راه ها و شوارع است) اما در ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی در سایر مکان ها نظیر ورزشگاه ها نیز قابل ارتكاب است.
- **سومین تفاوت:** در ماده ۶۵۳ لازم است که راهزنی ارتكاب یابد؛ اما در ماده ۲۸۱ علی رغم آنکه هدف اصلی مرتکبان سرقت و قطع الطریق می باشد؛ لیکن آنچه که در عمل برای تحقق جرم موضوع ماده باید رخ دهد؛ بر هم خوردن امنیت مردم یا راه ها می باشد.

**بنابراین:** ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را شامل نمی شود و به پیروی از اصل کلی و نیز با توجه به تصریح ماده ۶۵۳، ابتدا باید شمول ماده ۲۸۱ را نسبت به مرتکب، مورد بررسی قرار داد و تنها در صورت عدم شمول ماده اخیرالذکر نوبت به اعمال ماده ۶۵۳ خواهد رسید؛ زیرا ماده ۶۵۳ نیز بر این نکته تاکید کرده است که مرتکب «در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد» مشمول ماده مذکور قرار خواهد گرفت؛ پس: **نه تنها ماده ۲۸۱ ماده ۶۵۳ را نسخ نکرده بلکه تخصیص هم نزده است.**

و  
و  
و  
و

## مساله های کاربردی

(۱) مساله: چنانچه شخصی در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) گردد؛ کیفر او کدام یک از موارد محاربه، اعدام، یا ۳ تا ۱۰ سال حبس و یا مجازات اشد همان جرم می باشد؟ مطابق ماده ۵۰۹ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این صورت به مجازات اشد همان جرم محکوم خواهند شد. این ماده قانونی مقرر داشته است: «هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد.»

و  
و  
و



## تست و خودسنجی

### ۱) در کدام گزینه فرد «محارب» محسوب نمی‌شود؟

- ۱) هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد.
- ۲) کسی که به روی مردم سلاح بکشد اما بر اثر ناتوانی موجب سلب امنیت شود.
- ۳) فرد یا گروهی که برای دفاع یا مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد؛ محارب نیست.
- ۴) همه موارد

**گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

### ۲) شخص الف با همکاری ۳ نفر از دوستان نزدیک به خود اقدام به تشکیل گروهی با یک نام مستعار و با هدف برهم

زدن نظم و امنیت کشور می‌نمایند. اما بعد از تشکیل و انجام برخی فعالیت‌های مخرب، اقدام آنها لو رفته و دستگیر

### می‌شوند. در این خصوص کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) جرم مزبور از مصادیق جرائم مقید است؛ زیرا خللی در نظم و امنیت کشور وارد نشده است.
- ۲) جرمی واقع نشده است.
- ۳) اعضای گروه تحت عنوان شروع به جرم تشکیل دسته یا جمعیت با هدف برهم زدن نظم و امنیت کشور قابل تعقیب خواهند بود.
- ۴) این جرم، جرمی مطلق است.

**گزینه ۴ صحیح است.** با توجه به اطلاق ماده ۴۹۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ اینکه عملاً امنیت کشور از طریق تشکیل یا اداره چنین دسته یا گروه برهم بخورد یا خیر، موثر در تحقق جرم موضوع این ماده نیست. به بیان دیگر، قانونگذار صرف تشکیل جمعیتی را که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد؛ کافی برای تعقیب مرتکبین دانسته است. از این رو است که در ماده ۴۹۹ قانون تعزیرات مصوب ۷۵، تنها در فرضی که یکی از اعضا از هدف تشکیل جمعیت بی اطلاع بوده باشد؛ تحت این عنوان قابل تعقیب نخواهد بود.

### ۳) حد محاربه کدام یک از مجازات‌های زیر است؟

- ۱) اعدام و صلب
- ۲) قطع دست راست و پای چپ
- ۳) نفی بلد
- ۴) همه موارد

**گزینه ۴ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، یکی از ۴ مجازات ۱/ اعدام ۲/ صلب ۳/ قطع دست راست و پای چپ و ۴/ نفی بلد است که، قاضی مخیر است یکی از این موارد را در مورد شخص محارب انتخاب کند.

### ۴) گروهی که در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران قیام مسلحانه کنند؛..... محسوب می‌شود و در صورت استفاده از

سلاح به مجازات..... محکوم می‌گردد.

- ۱) باغی - اعدام
- ۲) محارب - اعدام
- ۳) باغی - حبس ابد
- ۴) محارب - حبس ابد

**گزینه ۱ صحیح است.** با استناد به ماده ۲۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.»

و

و

و

و

**کوشد: بعد از اینکه مباحث حقوق جزای اختصاصی تمام می‌شود؛ وارد بخش‌های ذیل می‌شویم.**

## مساله های کاربردی

**سوال: علی بدون مهارت و قصد آسیب بر محمد با اسلحه اقدام به تیراندازی به سببی که روی سر محمد بوده می‌نماید؛ لکن تیر وی به سر محمد اصابت نموده و موجب مرگ او می‌شود؛ قتل عمد است یا غیر عمد؟ قتل عمد است. (با استناد بند ب ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)**

و بالغ بودن ب صدمه وارده ناشی از خود اوست و مری شنا مسئول نیست. (با استناد به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)

**سوال: پدر و فرزندی در داخل استخر در حال شنا هستند. پدر شناگر آماتور است و فرزند اصلاً شنا بلد نیست. مری استخر از هر دو می‌خواهد داخل استخر بروند و شنا کنند که او مراقب آنها خواهد بود؛ اما در یک لحظه غفلت او هر دو غرق می‌شوند؛ در این صورت: مری شنا سبب قتل هر دو نفر است. (با استناد به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)**

**سوال: الف در یک پارک جنگلی که ازدحام جمعیت فراوانی نیز در آن وجود دارد؛ اقدام به شکار می‌کند؛ در این حین تیرش به خطا رفته و سبب مرگ دیگری می‌شود؛ در این حالت؛ الف: مرتکب جنایت عمدی شده است. (با استناد به تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)**

**سوال: فردی که در خواب با وارد آوردن ضرباتی به دیگری موجب نقص عضو او می‌گردد؛ مرتکب چه نوع جنایتی شده است و مجازاتش چیست؟ خطای محض بوده و عاقله دیه می‌دهد. (با استناد به بند الف ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲)**

و

و

و

و



## نکات طلایی

- رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای، قاچاق کالاهای ممنوع و قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی، در صلاحیت دادسرا و دادگاه انقلاب است. رسیدگی به سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است. نکته: ادواتی که جهت ساخت یا تسهیل ارتکاب قاچاق کالای ممنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط ضبط می‌شوند.
- هر کس به طور غیرمجاز، داده‌های متعلق به دیگری را برآید، چنانچه عین داده در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات خواهد شد. (قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸)
- سارقین مسلحی که روز هنگام و در ساعات اداری و حضور مردم مبادرت به سرقت مسلحانه از بانک نموده و از این طریق و به جهت دست بردن به سلاح، موجبات سلب امنیت مردم و ناامنی را به وجود آورند، محارب محسوب می‌شوند. بدیهی است که همین افراد اگر شب هنگام و یا در روز تعطیل و به صورت پنهانی مبادرت به سرقت وجوه نگهداری شده در گاو صندوق بانک نموده ولو اینکه در این راستا دستی نیز به سلاح برده شود، مرتکب جرم سرقت حدی شده‌اند. البته اگر شرایط سرقت حدی احراز نشود، یعنی هر گاه سرقت مقرون به آزار و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در ماده ۶۵۲ محکوم می‌شود.
- نکته: هر گاه کسی بر روی صورت دختری که به پیشنهاد خواستگاری اش جواب رد داده، اسید پاشی کند؛ بر فرض اینکه اسید پاشی را کاربرد سلاح بدانیم، باز هم محاربه مصداق ندارد؛ چه اینکه این عمل سلاح محسوب نمی‌شود. فلذا تحقق جرم محاربه از طریق اسید پاشی قابل تحقق نیست.
- افساد فی الارض: هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مرکز فساد و فحشاء یا معاونت در آنها گردد؛ به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع شود؛ مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد. نکته: هر گاه از مجموع ادله و شواهد، قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند اگر جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری باشد، مرتکب به مجازات همان جرم و اگر جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود.
- قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی یا قطع بینی که موجب زوال بویایی شود، دو جنایت محسوب می‌شوند؛ زیرا اصل بر عدم تداخل است و تداخل جنایت محسوب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

و  
و  
و  
و

۱- سوال دکتری سال ۹۹- در کدام مورد تداخل جنایات صورت نمی‌گیرد؟

۱- قطع عمدی لاله گوش دیگری که باعث زوال قدرت شنوایی بزه دیده شود.

۲- اگر کسی عمداً جنایتی بر می‌کشد و جنایت به آرنج وی نیز تسری کند.

۳- اگر کسی با ضربات متوالی به اعضای مجنی علیه موجب قتل وی در اثر مجموع ضربات شود.

۴- اگر کسی با یک ضربه عمدی موجب جنایات متعدد بر اعضای مجنی علیه شود که مجموع صدمات موجب قتل وی شوند.

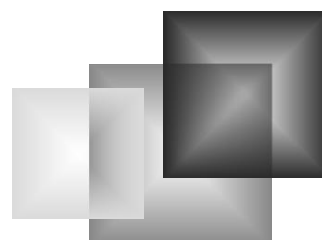
گزینه ۱ صحیح است.

## نکات مستخرج از سوالات دکتری

- ♣ کسی که در مدرک تحصیلی مقطع کارشناسی خود که از سوی دانشگاه صادر شده است، واژه «ارشد» را به کلمه کارشناسی اضافه می‌کند، از آنجا که این کار تغییر در ماهیت آن مدرک و در واقع، تحریف حقیقت است که شرط اساسی برای تحقق جعل به شمار می‌رود، جاعل محسوب می‌شود، زیرا این کار مستلزم تقلب و تحریف حقیقت است که موجب تحقق جرم جعل می‌شود.
- ♣ تبانی برای ارتکاب جرایم علیه امنیت در چه صورتی جرم است؟ هرگاه توافق قطعی نسبت به ارتکاب یک جرم علیه امنیت داخلی یا خارجی بین حداقل دو نفر وجود داشته باشد.
- ♣ رویه غالب دادگاه‌های ایران در خصوص رابطه میان جرم خیانت در امانت و خود یاری (تقاص): دادگاه‌های ایران به طور معمول، حکم تقاص را فقط در مواردی پذیرفته‌اند که مرتکب به دلیل نداشتن سوء نیت خاص فاقد رکن روانی و در نتیجه، فاقد مسئولیت کیفری بوده و رابطه بین حق مورد مطالبه مرتکب و اموال سپرده شده به او موجود باشد
- ♣ در صورتی که کسی به خاطر صدور یک فقره چک بلامحل و نیز چند فقره کلاهبرداری، که اموال مختلفی را طی این کلاهبرداری‌ها تحصیل کرده است، مورد محاکمه قرار گیرد، جزای نقدی وی بابت جرایم کلاهبرداری و صدور چک بلا محل، به ترتیب، چه میزان خواهد بود؟ معادل مجموع اموال تحصیل شده - صفر
- ♣ طرح براندازی حکومت جمهوری اسلامی ایران در صورتی که همراه با تهیه اسلحه و مواد منفجره باشد محاربه محسوب می‌شود.
- ♣ فردی طلب کار به علت نیاز شدید به مطالبات خود و استیصال از وصول آن، اقدام به اسید پاشی به بدهکار خویش که فردی تاجر است می‌نماید، این عمل موجب وحشت مردم و تجاوز می‌شود: حکم او جرم اسید پاشی بوده و مشمول قانون خاص و پرداخت دیه است.
- ♣ مسئول بنگاه معاملاتی در بیع‌نامه ی تنظیمی بر اساس تبانی به عمل آمده با خریدار جریمه تأخیر در پرداخت ثمن را به قصد ضرر به فروشنده و نفع خریدار به جای روزی پنجاه هزار تومان روزی پنج هزار ریال می‌نویسد، عنوان فعل ارتكابی وی جعل معنوی به اعتبار سمت مسئول بنگاه با معاونت خریدار است.

و  
و  
و  
و  
و

# بخش سوم: جرم‌شناسی



## فصل اول — مفاهیم

از منظر علم حقوق، جرم پدیده‌ای است که **موجب نقض یکی از ارزشهای اجتماعی** می‌شود. اما از منظر جرم‌شناسی، جرم به عنوان **یک آسیب اجتماعی** مورد مطالعه قرار می‌گیرد و عاملی است که جریان سالم زندگی جمعی را به مخاطره می‌اندازد. جرم‌شناسی به این می‌پردازد که چرا جرم صورت می‌گیرد و لذا علم شناخت علل جرم است. جرم از نظر جرم‌شناسی، محدود به حدودی است که حقوق جزا ترسیم کرده؛ یعنی مثلاً تعبیر حقوقدان و جرم‌شناس از سرقت یکسان است اما تفاوتی که میان دیدگاه این دو در مورد جرم وجود دارد این است که حقوقدان تلاش خود را مصروف آن می‌کند که مطابق آیین دادرسی کیفری، مجرمیت یا براءت متهم را موضوع حکم قرار دهد. اما جرم‌شناس با مطالعه موقعیت مجرم در صدد شناخت عواملی است که او را به سمت ارتکاب جرم سوق داده‌اند؛ چه عللی مانند بیماریهای روانی، جنون و ... که بر وجود شخص مجرم طاری هستند و چه علل و اسقامی (بیماریهایی) که جامعه را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت تاثیر قرار داده‌اند.

با این مقدمه می‌توان تفاوت جرم‌شناسی از حقوق کیفری را به شرح زیر برشمرد:

✓ ۱- مهم‌ترین خصیصه جرم‌شناسی **عدم قانونگرایی** است. می‌دانیم که **ستون فقرات حقوق جزا اصل قانونی بودن جرم و مجازات است که با ظهور افکار سزار بکاریا و انتشار رساله جرائم و مجازاتها به عنوان اصل کلاسیک حقوق جزا به رسمیت شناخته شد (مهم)**. جرم‌شناسی چون به **علل و عوامل بروز جرم** می‌پردازد، مقید و محدود به قوانین جزایی نیست و حتی ممکن است در مواردی حقوق جزا را تخطئه کرده و به چالش بکشد.

✓ ۲- خصیصه دیگر جرم‌شناسی، خصیصه **فراملیتی** آن است، می‌دانیم که حقوق جزا ابزاری است که معمولاً در اختیار حاکمیت است و حاکمیت بوسیله آن، نظم عمومی حاکم بر جامعه و مصالح جمعی را تأمین می‌کند. در **ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، اصل سرزمینی بودن قوانین کیفری مورد تأکید قرار گرفته است**. اما علم جرم‌شناسی محدود به قلمرو مرزهای جغرافیایی هیچ کشوری نیست. مبتنی بر همین خاصیت، نظریات نوین علم جرم‌شناسی بدو در **نیمه دوم سده نوزدهم** با ظهور افکار سزار لمبروزو، انریکو فری و گارو فالو در کشور ایتالیا عرضه شد و متعاقباً همراه با نظرات بنیانگذاران مکاتب جامعه‌شناسی جنایی، مرزهای جغرافیایی را طی کرد و در وهله اول نظام حقوقی اروپا و آمریکا را تحت تاثیر قرار داد و اینک پس از چند دهه، حاکمیت خود را بر نظام تقنین کیفری دنیا تثبیت کرده است.

**سؤال: منظور از خصیصه فراملیتی جرم‌شناسی چیست؟ اصل تساوی حاکمیتها، اعمال قوانین حقوق جزا را که ناشی از اصل حاکمیت هر کشور است فقط در محدوده قلمرو سرزمینی خاص ممکن می‌داند و کاملاً در پیوند با اصل قانونی بودن جرائم است؛ یعنی حقوق جزا مقید و محدود به قوانین جزایی همان کشور است، حال آنکه جرم‌شناسی چنین محدودیتی ندارد و نتایج علم جرم‌شناسی در تمام کشورها قابل استفاده است. مثلاً دانش جرم‌شناسی می‌گوید، زندان اطفال از دیگران باید جدا شود و این نتیجه در سایر کشورها نیز قابل استفاده است (همان چیزی که در آیین دادرسی کیفری به **دادرسی افتراقی** مشهور است).**

✓ ۳- ویژگی سوم علم جرم‌شناسی، **انحصاری بودن** آن است؛ یعنی انحصار مطالعه علل پیدایش جرم در اختیار علم جرم‌شناسی است و این علم تنها علمی است که به مطالعه علل تکوین و بروز جرم می‌پردازد. در مقام پرهیز از اشتباه گرفتن جرم‌شناسی با علم آسیب‌شناسی اجتماعی نیز باید گفت علم آسیب‌شناسی قلمرو وسیعتری از علم جرم‌شناسی دارد.

**نکته: اصل اساسی و کلاسیک حقوق جزا: اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها است. این اصل اولین بار توسط سزار بکاریا ارائه شد.**

**نکته: نظریات نوین علم جرم‌شناسی بدو در نیمه دوم سده نوزدهم** با ظهور افکار سزار لمبروزو، انریکو فری و گارو فالو در کشور ایتالیا عرضه شد.

## اعمال نامطلوب اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان شامل موارد ذیل است:

**جرائم:** اعمالی هستند مخالف با ارزشهای مورد احترام جامعه و در قانون، دارای کیفرند.

**انحرافات اجتماعی یا کجروی:** فاصله‌گیری از معیارها و موازین اخلاقی، عرفی و آداب و سنن حاکم بر جامعه است که بقا و استمرار سلامت جامعه، مرهون تقید به آنهاست. تکدی‌گری یا ولگردی یا استعمال سیگار بخاطر عدم رعایت موازین ادب و اخلاق اجتماعی برخی از این انحرافات اجتماعی هستند. قانونگذاران کیفری دنیا، بخشی از این انحرافات اجتماعی را که خطر بیشتری دارند، جرم تلقی می‌کنند؛ مانند تکدی‌گری (تکدی‌گری فی نفسه به حال اجتماع مضر نیست ولی چون زمینه ارتکاب جرائم دیگر مانند توزیع مواد مخدر و... را فراهم می‌کند) که جرم محسوب شده است.

✓ **۴- یکی دیگر از خصوصیات مهم علم جرم‌شناسی این است که دارای جنبه انتقادی است:** جرم‌شناسان معمولاً به نظام جزایی حاکم بر یک مملکت خوشبین نیستند و سعی می‌کنند با مطالعات میدانی در خصوص چرایی جرائم (علل پیدایش جرم) و ارائه راههایی برای حل معمای جرم، وضع موجود حقوق جزا را به وضع مطلوب تغییر دهند. در دهه‌های اخیر از سال ۱۹۶۰ به بعد در کشورهای آمریکای شمالی تحت تأثیر افکار مارکسیستی و سوسیالیستی، مکتبی ظهور کرده است به نام **جرم‌شناسی واکنش اجتماعی یا جرم‌شناسی انتقادی**. منظور از واکنش اجتماعی، کلیه نهادها، مکانیسم‌ها و ابزارهایی است که دستگاه عدالت کیفری هر کشور در پاسخ به جرم از آن استفاده می‌کند مثل دستگاه تقنین، دستگاه قضایی (دادسرا، پلیس، سازمان زندانها و...). جرم‌شناسی انتقادی معتقد است در بسیاری موارد **خود این دستگاهها جرم‌زا هستند**، همچنین **قوانین جزایی را در گرایش افراد به عمل مجرمانه، مؤثر می‌دانند**.<sup>۱</sup>

### نکته: اصلی‌ترین ویژگی‌های جرم‌شناسی:

✓ **عدم قانونگرایی**

✓ **اصل فراملیتی**

✓ **انحصاری بودن**

✓ **انتقادی بودن**

**رسالت جرم‌شناسی:** جرم‌شناسی دو هدف مهم دارد که هر یکی به منظور نیل به دیگری است.

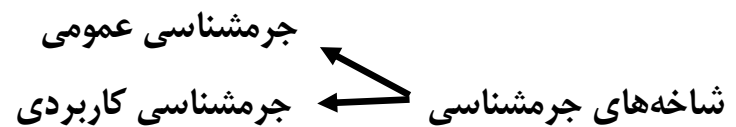
**ب - مهار و کنترل جرم**

**الف - کشف علل جرم**

برای کشف علل جرم، جرم‌شناسی از علوم مختلف کمک می‌گیرد، از علم روانشناسی برای شناسایی تأثیر خصوصیات روحی انسان و کشش او به سمت ارتکاب جرم استفاده می‌کند و رشته‌ای را پدید می‌آورد به نام **روانشناسی جنایی**. نیز از علم جغرافیا و تأثیر آن در پیدایش جرم کمک می‌گیرد و مکتبی را به نام **جغرافیای جنایی** پدید می‌آورد. از علوم اجتماعی کمک می‌گیرد و تأثیر معضلات اجتماعی مانند مهاجرت پناهندگان، بیکاری، تبعیض، فساد اداری را در ارتکاب جرم می‌سنجد و رشته‌ای را پدید می‌آورد به نام **جامعه‌شناسی جنایی**. همچنین از علم زیست‌شناسی، علوم اقتصادی و سایر علوم برای کشف معمای جرم کمک می‌گیرد و در این مسیر (کشف علل جرم) از استفاده از هیچ علمی دریغ نمی‌کند. از آمار جنایی استفاده می‌کند و مطالعات میدانی انجام می‌دهد. مثلاً نتیجه می‌گیرد که علل شیوع جرم سرقت (در سبزوار به طور مثال) فقر، بیکاری

<sup>۱</sup> - مثلاً در قانون مجازات اسلامی، قتل زن توسط شوهر در صورتی که در حین عمل زنا با اجنبی مشاهده شود معاف از کیفر دانسته شده است. از منظر **جرم‌شناسی انتقادی این ماده قانونی جرم‌زاست**. چون ممکن است باعث آرامش خاطر فرد جانی در حرکت به سوی جنایت شود و در خلاص از کیفر قصاص، این ماده را مفر و پناهگاه خود بپندارد و به بهانه ارتکاب زنا، همسر خود را به قتل برساند (متأسفانه در اغلب جنایات ناموسی که مقتول زن است چنین ادعاهایی می‌شود).

و یا جنگ است؛ حال بعد از کشف علل جرم، نوبت ارائه طریق به حاکمیت برای مهار و کنترل جرم است. به همین جهت جرم‌شناسی به دو شاخه: **جرم‌شناسی عمومی (نظری) و کاربردی** تقسیم می‌شود.



در اینجا به چند عنوان در جرم‌شناسی و انسان‌شناسی جنایی می‌پردازیم:

○ **۱- جرم‌شناسی کلان:** شاخه‌ای از علم جرم‌شناسی است که (محض) جرائم را مورد بررسی قرار می‌دهد و در خصوص شیوع جرم و افزایش نرخ جرم و موارد مشابه در جامعه نظر می‌دهد. مثلاً رابطه میان کیفیت توزیع امکانات تولید و توزیع قدرت، رژیم سیاسی حاکم بر جامعه و همین‌طور شرایط جغرافیایی موجود را در جهت نیل به شناخت علل جرم مورد مطالعه قرار می‌دهد. مثلاً جرم‌شناسی مارکسیستی معتقد است: **علل شیوع جرم در جوامع سرمایه‌داری، توزیع ناعادلانه امکانات تولید و اقتصاد (حتی در نتیجه خصوصی سازی و آزادسازی تجارت) است** که این امر باید در دست دولت به صورت موقت قرار گیرد تا در نهایت به هدف ایده آل خود یعنی **جامعه بی طبقه** شکل گیرد. در این کشورها باعث ایجاد **دولت توزیعی** می‌شود. در مقابل جرم‌شناسی کلان، جرم‌شناسی خرد وجود دارد.

**نکته:** در خصوص حاکمیت شهروندان بر زندگی خود و طرفداری دولتها از خصوصی سازی و حاکمیت اصل حاکمیت فردی **نظریه لیبرال دمکراسی** در حال حاضر بهترین نظریه اجرایی در کشورهای غربی است.

**سؤال دکتری: اساس شکل‌گیری نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی کدام یک از موارد ذیل است؟**

الف- وجود طبقه پرولتاریای کشاورزی

ب- نابرابری طبقاتی موجود

ج- وجود طبقه پرولتاریای کارگری و نقص آموخته‌های مذهبی

د- نابرابری حقوق زنان و مردان به ویژه در امر اشتغال

**پاسخ: اساس شکل‌گیری نظریه جرم‌شناسی مارکسیستی نابرابری طبقاتی موجود است.**

گزینه ب صحیح است.

○ **۲- جرم‌شناسی خرد:** در این رشته از جرم‌شناسی، علل تکوین جرائم خاصی مورد مذاقه قرار می‌گیرد و یا اینکه قابلیت تولید جرم پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کنیم؛ فی‌المثل نقش طلاق در بزهکاری اطفال را موضوع مطالعه می‌کنیم.

✓ **نکته مهم:** همان‌طور که موضوع دو شاخه جرم‌شناسی خرد و کلان متفاوت است. شیوه تحقیق نیز از جهت مسیر جرم‌شناسی متفاوت است مثلاً در جرم‌شناسی خرد **مطالعات میدانی** (مثلاً مراجعه به زندانها) بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

○ **۳- جرم‌شناسی نظری:** در جرم‌شناسی نظری، جرم‌شناس با مطالعات میدانی و استفاده از آمار جنایی در تلاش برای علت‌شناسی جرم است و پس از مطالعات خود، در این خصوص تئوری می‌دهد و سایر رشته‌های جرم‌شناسی را با نتایج تئوریهای خود تغذیه می‌کند. به عنوان مثال: جرم‌شناسی به نام **گابریل تارد فرانسوی** معتقد است **جرم‌شناسی ناشی از تقلید است و یا جرم‌شناسی به نام ساترلند** اعلام نمود که **علل تکوین جرم معاشرت با افراد تبهکار است و نظریه‌ای به نام معاشرت ترجیحی اعلام نمود:**

**ساترلند نظریه معاشرت‌های ترجیحی** را مطرح کرد که در واقع **کامل شده نظریه تارد است.** طبق این نظریه افراد در گروه‌های مختلفی عضو هستند که **هریک دارای فرهنگ خاصی بوده و در اثر این ایدئولوژی گروه، یک نوع جهت‌گیری نسبت به هنجارهای جامعه صورت می‌گیرد** که اگر این جهت‌گیری مثبت باشد فردی که عضو گروه است امکان مجرم شدنش کم است.

در مقابل جهت گیری منفی نسبت به هنجارهای اجتماعی قرار دارد که در آن احتمال آنکه فرد بزهکار شود، بالاتر است. براین اساس ساترلند ۹ رکن را برای نظریه خود بیان می کند:

- ۱- جرم آموختنی است؛ به این معنا که **ارتکاب جرم ذاتی نبوده بلکه اکتسابی** است.
- ۲- رفتارهای جنایی در رابطه با اشخاص دیگر در فرایند ارتباطی **آموخته** می شود.
- ۳- رفتار مجرمانه در درون گروه محدود از افراد آموخته می شود.
- ۴- ضمن آموزش رفتار مجرمانه، انگیزه و گرایشات روحی، زبانی و امثال آن آموخته می شود.
- ۵- **جهت گیری انگیزه و گرایش های ناشی از تفسیرهای مساعد یا نامساعد گروه از هنجارها و قانون** باعث می شود که **جهت گیری رفتار فرد** مشخص شود.
- ۶- شخص زمانی بزهکار می شود که **جهت گیری نامناسب** نسبت به قانون و هنجارهای اجتماعی بر هنجارهای مثبت در پیش بگیرد. (**رکن اصلی نظریه ساترلند**)
- ۷- معاشرت های ترجیحی تابعی است از کثرت، مدت و شدت تماس بدین معنا که هرچه مدت تماس **بیشتر** باشد امکان متمایل شدن به نظر گروه **بالا تر** است.
- ۸- فراگیری رفتار مجرمانه **تابع** همان سازوکارهایی است که رفتار غیرمجرمانه است.
- ۹- فراگیری رفتار مجرمانه **بیان** همان نیازها و ارزش هایی است که رفتار غیرمجرمانه است.

### ایرادات نظریه ساترلند:

۱- **تک بعدی است** به این جهت که تنها به رابطه فرد با گروه توجه داشته و به عوامل کلان دیگر توجه لازم ندارد همچنین نقش اراده فرد را نادیده می گیرد.

۲- **فقط در مورد بزرگسالان است.**

۳- **باتوجه به گسترش تکنولوژی و ایجاد دهکده جهانی، افراد از مواردی نظیر اینترنت و رسانه های جمعی بسیار متأثر می شوند.** اینکه ساترلند معتقد است روابط باید در درون یک گروه باشد چندان موجه نیست.

۴- **جرم شناسی کاربردی:** این رشته از علم جرم شناسی، جنبه اجرایی دارد و از نتایج جرم شناسی کلان و خرد و جرم شناسی نظری در مهار و کنترل جرم استفاده می کند. به عنوان مثال در خصوص اصلاح مجرمین، جرم شناسی بالینی (که یکی از شاخه های جرم شناسی کاربردی است) پیشنهاد نمود که به جای کیفر (مجازات) اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال شود و به طور نمونه **تاکید قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ بر اجرای اقدامات تأمینی و تربیتی** در جرایم کودکان مبتنی بر این نظر (جرم شناسی بالینی و کاربردی) است. مطالعه اجمالی مکاتب جرم شناسی<sup>۱</sup> می تواند گرایشات مختلف جرم شناسان را با توجه به بُعد سیاسی و اجتماعی افکارشان و هم چنین سطح اثرگذاری نظرات آنان بر تاریخ تحول حقوق کیفری را نشان دهد.

<sup>۱</sup> - در مطالعه تاریخ جرم شناسی بعد از قرن نوزدهم با جرم شناسانی مواجه می شویم که بر گردن جامعه بشری حق بزرگی دارند. ساترلند امریکایی، زابو کانادایی، پیناتل فرانسوی و ... از جمله مفاخر این علم در جهان می باشند.



## خودسنجی

### ۱. دوره نوین ایجاد نظریات جرم‌شناسی مصادف با کدام قرن است؟

الف- قرن هفدهم      ب- قرن هجدهم      ج- قرن نوزدهم      د- قرن بیستم

**پاسخ تشریحی:** نظریات نوین علم جرم‌شناسی بدو در نیمه دوم سده نوزدهم با ظهور افکار سزار لمبروزو، انریکو فری و گارو فالو در کشور ایتالیا عرضه شد و متعاقباً همراه با نظرات بنیانگذاران مکاتب جامعه‌شناسی جنایی، مرزهای جغرافیایی را طی کرد و در وهله اول نظام حقوقی اروپا و آمریکا را تحت تاثیر قرار داد و اینک پس از چند دهه حاکمیت خود را بر نظام تقنین کیفری دنیا تثبیت کرده است.

**نکته:** نظریات نوین علم جرم‌شناسی بدو در نیمه دوم سده نوزدهم با ظهور افکار سزار لمبروزو، انریکو فری و گارو فالو در کشور ایتالیا عرضه شد.

گزینه ج صحیح است.

### ۲. کدام یک از مکاتب ذیل خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصاد را از علل شیوع جرم می دانند؟

الف- جرم‌شناسی راست نو      ب- جرم‌شناسی فمینیسم  
ج- جرم‌شناسی انتقادی      د- جرم‌شناسی سوسیالیسم

**پاسخ تشریحی:** جرم‌شناسی مارکسیستی معتقد است: علل شیوع جرم در جوامع سرمایه‌داری، توزیع ناعادلانه امکانات تولید و اقتصاد خصوصی سازی و آزادسازی تجارت است.

گزینه د صحیح است.

و

و

و

و

## نکات مهم آزمونی

- ❖ جرم‌شناسی علمی از نیمه دوم قرن نوزدهم ایجاد شد (از ۱۸۵۰)
- ❖ دیدگاه‌ها و نظریاتی که مبتنی بر عقل‌گرایی می‌باشند را **جرم‌شناسی فلسفی، اخلاقی، مذهبی و ما قبل علمی** می‌گوییم.
- ❖ **مکاتب کلاسیک جرم‌شناسی:** مکتب بکاریا- بنتام و نئوکلاسیک.
- ❖ **لمبروزو جرم** را با دید پزشکی-زیست‌شناختی بررسی می‌کرد که به آن انسان‌شناسی جنایی هم گفته می‌شود. لمبروزو برای پی‌بردن به علل جرم مجرمین را به اعتبار شکل، اندازه و خصوصیات فردی مورد مطالعه قرار داد.
- ❖ **تفکر جبرگرایی** توسط لمبروزو مطرح شد. به این بیان که ما با یک مجرم مادرزادی روبه‌رو هستیم که جلوه ارثی نیاکان دور ماست. در دیدگاه وی انسان ذاتاً مجرم است و باید با وی برخورد کرد.
- ❖ لمبروزو در کتابی تحت عنوان (**جرم، علل و درمان آن**) پذیرفت که جرم می‌تواند از بعضی اوضاع و احوال مانند بیماری یا تقلید ناشی گردد (این یعنی تعدیل نظریه خود).
- ❖ **دی تولیو** با توجه به زیست‌شناسی جنایی و دیدگاه‌های لمبروزو انجمنی تحت عنوان (**جامعه بین الملل جرم‌شناسی**) که دنباله راه لمبروزو بود، تأسیس کرد.
- ❖ **گورینگ:** در کتاب محکوم انگلیسی نظریه مجرم مادرزادی لمبروزو را رد کرد.
- ❖ مکتب نقشه‌برداری یا جغرافیایی: توسط کتله و گری با کمک روش‌ها و الگوهای معمول در ریاضی و بر اساس دو علم جامعه‌شناسی عمومی و ریاضی به وجود آمد.
- ❖ **مکتب سوسیالیست: یک مکتب مارکسیستی در جامعه‌شناسی** است که بر اساس **نظرات مارکس و انگلس** به وجود آمد. مکتبی که با استفاده از دیدگاه‌های علم اقتصاد و نحوه مطالعه آن بر روی مشکلات و بحرن‌های اقتصادی، جرم و انحطاط را ناشی از **توزیع ناعادلانه ثروت** معرفی نمودند.
- ❖ **مارکس:** معتقد بود حقوق برای تأمین منافع سرمایه‌داران به وجود آمده و ابزاری است در دست طبقه حاکم برای حفظ وضع موجود.
- ❖ **مکتب محیط اجتماعی:** توسط **لاکاسانی** ارائه شد. در این مکتب دو نکته بایستی مورد دقت قرار گیرد: اولاً بزهدار همچون میکرب است و جامعه محل کشت آن. به بیان دیگر میکرب در محل کشت مناسب رشد می‌نماید. ثانیاً هر جامعه دارای بزهدارانی است که شایسته آن است.
- ❖ **دورکیم:** از دیدگاه وی جرم پدیده‌ای به‌هنجار است، زیرا در هر جامعه‌ای بروز می‌کند و خود عامل سلامت عمومی جامعه است. به نظر وی بزهداری از ساخت فرهنگی جامعه ناشی می‌شود و بزهداری نتیجه وجود آنومی یا بی‌هنجاری یا خلاء هنجاری در رفتار مجرم است که خود نتیجه ضعف هنجارهای اجتماعی در نزد اعضای جامعه است. وی جرم را پدیده‌ای انتزاعی نمی‌داند و معتقد است که همواره باید در یک فرهنگ معین و در زمان و مکان معین بررسی شود.

و  
و  
و  
و

## نظریات جرم‌شناسی که در آزمون دکتری از آنها سؤال آمده است

### نظریه پنجره شکسته:

نظریه پنجره شکسته نظریه‌ای است در جرم‌شناسی و نشان‌دهنده میزان جاری اختلال شهری و خرابکاری و اثرگذاری آن بر افزایش جرم و رفتارهای ضد اجتماعی است. این نظریه بیان می‌کند که نظارت و نگهداری محیط‌های شهری در یک وضعیت خوب ممکن است از خراب‌کاری بیشتر و همچنین از تشدید جرم‌های جدی‌تری جلوگیری کند.

□ **نکته:** جرم نتیجه یک نابسامانی است. تأکید این نظریه بر پیشگیری از جرم است و این پیشگیری هم محیطی باید

باشد. (پیشگیری از جرم) قلب این نظریه اینجاست که این تغییرات لازم نیست بنیادی و اساسی باشند، بلکه تغییراتی کوچک چون از بین بردن **گرفیتی (دیوار نویسی)** و یا جلوگیری از تقلب در خرید بلیط قطار می‌تواند تحولی سریع و ناگهانی و اپیدمیک را در جامعه به وجود آورده و به ناگاه جرائم بزرگ را نیز به طور باور نکردنی کاهش دهد.

□ **نکته:** این نظریه در سال ۱۹۸۲ توسط **جیمز کیو. ویلسون و جرج ال. کلینگ** ارائه شد. این تئوری به عنوان یک انگیزه برای **اصلاحات در سیاست جنایی** به کار گرفته شده است. مطالعات تجربی زیادی درباره تئوری پنجره شکسته انجام شده است.

□ **مثال در مورد پنجره‌های شکسته:** ساختمانی را در نظر بگیرید که چند پنجره شکسته دارد. اگر این پنجره‌ها تعمیر نشوند، احتمالاً افراد خرابکار، در هنگام مشاهده این ساختمان (در مقایسه با یک ساختمان سالم) تمایل بیشتری به تخریب سایر پنجره‌ها خواهند داشت. حتی ممکن است وارد آن ساختمان شوند و اگر کسی ساکن آنجا نباشد، آنجا را اشغال کنند. فرض کنید در یک پیاده‌رو، قطعاتی از زباله ریخته شود. چند قطعه زباله جمع می‌شود و به سرعت زباله‌ها افزایش پیدا می‌کنند. در نهایت، مردم ظرف غذاهای خود را آنجا رها خواهند کرد و حتی شاید به ماشین‌ها دستبرد زده شود. یکی از دیگر مثال‌های این موضوع دیوارنویسی یا **گرفیتی‌ها (Graffiti)** نقش‌ها و عبارات عجیب و غریب و درهمی است که بر روی دیوار نقاشی و یا نوشته می‌شوند و یا می‌شوند که این نظریه از وقوع این امر پیشگیری می‌کند.

### پنجره شکسته در در نهایت به این نتیجه گیری ختم می‌شود:

سال‌هاست در پزشکی بحث بر این است که بهداشت بر درمان مقدم است. آمارها، پلیس و مردم هم نباید صرفاً به دنبال جرم‌ها و آسیب‌های فردی باشند که شاکی مشخص دارد. باید بکوشیم جامعه‌ای را حفظ و نگهداری کنیم که هر جنسی از پنجره‌های شکسته را نداشته باشد.

**سؤال دکتری سال ۱۳۹۶: کدام مورد در خصوص نظریه‌های پنجره شکسته و سیاست تسامح صفر صحیح است؟**  
**تمرکز نظریه پنجره شکسته بر پیشگیری از جرم و تأکید سیاست تسامح صفر بر واکنش کیفری برای کنترل جرم است.**

### سؤال: نظریه پنجره‌های شکسته متعلق به کیست؟

الف) ویلسون      ب) کلینگ      ج) آکرس      د) الف و ب  
 پاسخ: گزینه د صحیح است.

و

و

و

و

و

# سوالات دکتری نیمه متمرکز

**توجه: در آزمون دکتری سال ۹۰ و ۹۵ از بخش جرم‌شناسی در آزمون سوالی طرح نشده بود؛  
تبعاً این سنوات در اینجا وجود ندارد.**

## حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۴۰۰

در حال اضافه شدن است.

## حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۹

### ۱- کدام گزینه در مورد روش «نظرسنجی از بزه‌دیدگان» صحیح است؟

- ۱) تبیین میزان مشارکت بزه‌دیده در وقوع جرم
- ۲) آگاهی از عوامل عدم گزارش جرم از سوی بزه‌دیدگان
- ۳) دستیابی به میزان بزهکاری واقعی جرم‌های بدون بزه‌دیده
- ۴) دستیابی به ویژگی‌های فردی و اجتماعی بزه‌دیدگان و بزهکاران ناشناخته

**گزینه ۲ صحیح است.** یکی از مهمترین مشکلاتی که امروزه نظام عدالت کیفری با آن مواجه است مشکل عدم گزارش جرایم از جانب افراد بزه دیده به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی است ناتوانی یا عدم تمایل نیروی پلیس به تعقیب بزهکاران هم یکی از عوامل اصلی عدم تمایل به گزارش جرم از سوی بزه‌دیدگان است. اضافه بر آن ترس و عوامل محیطی نیز یکی دیگر از دلایل عدم گزارش جرم است. با ظهور بزه دیده شناسی در دهه های اخیر، گامهای بلندی در مطالعه علمی بزه دیدگان و شناسایی ویژگیها و عملکرد آنان در ارتکاب جرم برداشته شده است. یکی از این شیوه‌ها، نظرسنجی از بزه‌دیدگان است. در این روش هدف این است که از عوامل عدم گزارش جرم از سوی بزه‌دیدگان آگاه شویم. در بررسی علل عدم گزارش بزه‌دیدگی‌ها، موضوعاتی از قبیل فقدان مدارک، بی اعتمادی به پلیس، حفظ آبرو و شخصیت خود و وجود رابطه خانوادگی با مجرم، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

**نکته:** به طور خلاصه دلایل عدم گزارش جرم عبارتند از:

- قربانیان از اینکه بزه‌دیدگان جرائمی خاص هستند ناآگاه‌اند.
- بزه‌دیدگان نمی‌خواهند وقت و پول خود را با گزارش دادن جرم به هدر دهند.
- بزه‌دیدگان احساس می‌کنند که مطلع کردن پلیس، فایده‌ای ندارد.
- بزه‌دیدگان به شکلی غیررسمی و خارج از نظام حقوقی با مسأله برخورد می‌کنند.
- دست‌پاچگی بزه‌دیدگان.
- بی‌اعتمادی یا عدم ارتباط بزه‌دیدگان (یا شاهدان یک جرم) با پلیس.
- جرائم بدون بزه‌دیده- جرائمی که تمامی طرف‌های درگیر در آن علاقه ندارند که پلیس درباره آن چیزی بداند.
- ترس بزه دیدگان از تلافی.

**نکته: پیمایشهای بزه‌دیده شناسی** یکی از مهمترین ابزارها برای گردآوری اطلاعات درخصوص میزان بزه‌دیدگی افراد است که در سطح بین‌المللی و داخلی به عنوان یک سیاست کلان قانونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پیمایش‌ها، تعدادی از افراد با پرسش نامه یا مصاحبه از آنها سؤال‌هایی می‌شود تا به پرسش‌هایی مبنی بر اینکه «آیا تا کنون بزه‌دیده شده‌اند یا خیر؟ آیا این جرائم را گزارش کرده‌اند یا خیر و علت گزارش کردن یا پیگیری نکردن بزه‌دیدگی چه بوده است؟» پاسخ دهند.

و

و

و

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۸**

و

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۷**

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۶**

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۴**

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۳**

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۲**

**حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۱**

## بخش چهارم: آیین دادرسی کیفری

## درسنامه

### ☐ مفهوم آیین دادرسی کیفری چیست؟<sup>۱</sup>

آیین دادرسی کیفری مجموعه مقرراتی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، **بزه‌دیده و جامعه** وضع می‌شود. به بیان دیگر، به روندی که از زمان وقوع جرم تا زمان اجرای مجازات طی می‌شود آیین دادرسی کیفری می‌گویند. در کشور ما اولین قانون مربوط به آیین دادرسی کیفری، قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ هجری شمسی و جدیدترین قانون هم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ می‌باشد.

### مراحل آیین دادرسی کیفری ← مقام انجام دهنده

۱- **وظیفه کشف جرم:** نیروهای انتظامی (ضابطان عام و خاص)

۲- **وظیفه تعقیب جرم:** دادستان

۳- **وظیفه تحقیق:** بازپرس

۴- **وظیفه دادرسی:** دادگاه

۵- **اجرای حکم:** دادستان

### ☐ منابع آیین دادرسی کیفری:

- ☑ الف- قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ شمسی در مورد ۲ نوع جرم: الف- جرائم خاص نظامیان ب- جرائم عمومی نظامیان در حین انجام وظیفه کاربرد دارد؛
- ☑ ب- آیین‌نامه دادگاه‌های ویژه روحانیت ۱۳۶۸ برای جرائم روحانیون؛
- ☑ ج- در خصوص سایر افراد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲؛
- ☑ د- آراء وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (به معنای خاص) موضوع ماده ۲۷۰ آ.د.ک؛
- ☑ ه- منابع فقهی در قانون جزا مکمل قوانین است ولی در آیین دادرسی کیفری جزو قوانین اصلی و الزامی است؛
- ☑ و- دکترین؛
- ☑ ز- رویه قضایی به معنای عام؛

### ☐ اهداف آیین دادرسی کیفری:

الف- پیشگیری از اشتباهات قضایی؛ ب- تشخیص اتهامات صحیح از اتهامات ناروا؛ ج- تأمین آرامش خاطر شهروندان و به‌طور کلی حفظ حقوق متهم و برقراری نظم و امنیت در جامعه.

### ☐ ویژگی‌های آیین دادرسی کیفری و تفاوت آن با مقررات جزایی:

- ☑ الف- در قوانین جزایی برای جلوگیری از تضییع حق متهم، اصل بر تفسیر مضیق قوانین کیفری است؛ حال آن که در مقررات آیین دادرسی کیفری برای اجرای بهتر عدالت، اصل بر تفسیر موسع قوانین است.
- ☑ ب- در حقوق جزا قیاس قابل پذیرش نیست اما در قانون آیین دادرسی کیفری قیاس پذیرفتنی است. چون فرض است که با قیاس آزادی‌های فردی و عدالت اجرا می‌شود.

- ☑ ج- قوانین جزا به گذشته عطف نمی‌شود مگر در موارد استثنائی (مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات جدید) اما در قوانین شکلی اصل این است که قانون به گذشته سرایت می‌کند، مگر در ۲ مورد: **الف**- برخلاف حقوق مکتسبه افراد باشد.
- ☑ ب- قانون جدید آثار اقدامات قضایی را که طبق مقررات قبلی صحیحاً انجام شده کان لم یکن محسوب کند.

### ☐ سیستم‌های آیین دادرسی کیفری:

#### الف- سیستم اتهامی

#### ویژگی‌های این سیستم:

☐ نخست: ضرورت طرح شکایت شاکی

☐ دوم: قضات تحصیل کرده علم حقوق نبوده بلکه افراد عادی هستند.

☐ سوم: رسیدگی‌ها علنی است.

<sup>۱</sup> - از این مبحث تا سیستم‌های آیین دادرسی کیفری و یا همان سیستم تفتیشی و اتهامی تا کنوان سوال در دکتری نیامده است و نهایتاً یک بار این بخش مطالعه شود.



☐ **چهارم:** رسیدگی‌ها شفاهی می‌باشد.

☐ **پنجم:** رسیدگی‌ها ترافیعی بوده یا به تعبیر دیگر **تدافعی** است.

☐ **ششم:** متهم از ادله علیه خودش مطلع است.

☐ **هفتم:** قاضی از آوردن دلیل یا تحصیل دلیل ممنوع می‌باشد.

☐ **هشتم:** در این روش مقام و مرجعی برای تعقیب جرم وجود ندارد و ناگزیر وظیفه بر عهده متضرر از جرم است.

**نکته:** تدافعی بودن سیستم اتهامی یعنی متهم و شاکی همچون دعاوی حقوقی در برابر همدیگر قرار می‌گیرند؛ شاکی دلایل خویش علیه متهم را تا جلسه دادرسی ابراز داشته و متهم هم در مقابل دفاع می‌کند. بنابراین هیچگونه محدودیت دفاعی وجود ندارد و اشخاص با توسل به هر وسیله‌ای می‌توانند بی‌گناهی خویش را ثابت کنند. در این نوع دادرسی متهم از کلیه اتهامات و ادله مثبت آن، لاقلاً در جلسه دادرسی آگاه شده و از خود دفاع می‌کند. حتی گفته شده که تحقیق از شهود هم بوسیله طرفین دعوی است و قاضی در این مورد نقش مستمع را ایفا می‌کند یعنی دادگاه حق انجام تحقیق و بررسی ادله ابرازی طرفین را ندارد و به اظهارات گوش فرا می‌دهد.

### سوال دکتری نیمه متمرکز: کدام گزینه در خصوص ترافیعی بودن دادرسی صحیح نیست؟

۱) ادله طرفین آزادانه مورد بحث و گفتگو قرار گیرد.

۲) دادگاه حق انجام تحقیق و بررسی ادله ابرازی طرفین را ندارد.

۳) شاکی کلیه ادله موجود علیه متهم را تا جلسه دادرسی ارائه کند.

۴) متهم از کلیه اتهامات و ادله مثبت آن لاقلاً در جلسه دادرسی آگاه شود و از خود دفاع کند.

گزینه ۱ صحیح است.

### ادله اثبات در این سیستم اتهامی:

☐ قسامه

☐ اُردالی یا داوری ایزدی مثلاً شخص را در دریا می‌انداختند اگر غرق می‌شد گناهکار بوده است،

☐ دوئل.

### مزایای سیستم اتهامی:

☐ علنی بودن

☐ ترافیعی بودن

### معایب سیستم اتهامی:

فقدان مقام تعقیب و اینکه بعضی اوقات بزه‌دیده از مجرم می‌ترسید و شکایت مطرح نمی‌کرد.

☐ حرفه‌ای نبودن قضات

☐ منع قاضی از تحصیل دلیل

### سوال دکتری نیمه متمرکز: کدام گزینه بیانگر ویژگی روش دادرسی اتهامی نیست؟

۱) در این روش مقام و مرجعی برای تعقیب جرم وجود ندارد و ناگزیر وظیفه بر عهده متضرر از جرم است.

۲) شخصی که به موضوع اتهام رسیدگی می‌کند، یک قاضی حرفه‌ای نیست و اطلاعات قضایی ویژه‌ای در امر دادرسی کیفری ندارد.

۳) محاکمه به صورت شفاهی است؛ یعنی پرونده کتبی وجود ندارد و اظهارات طرفین دعوا نیز نوشته نمی‌شود.

۴) محاکمه به صورت غیرعلنی است و افراد جامعه نمی‌توانند آزادانه در جلسه دادرسی حاضر شده و صحنه قضاوت را از نزدیک به تماشا بنشینند.

گزینه ۴ صحیح است.

### ب- سیستم تفتیشی:

#### ویژگی‌های سیستم تفتیشی:

☐ اول: حرفه‌ای بودن قضات؛

☐ دوم: غیر ترافیعی بودن؛

☐ سوم: غیر علنی بودن؛

☐ چهارم: کتبی بودن؛

☐ پنجم: گسترش مرحله تحقیقات مقدماتی و اجازه به قضات به تحصیل دلیل؛

☐ ششم: وحدت قاضی و دادستان؛

☐ هفتم: وجود مقام تعقیب.

#### ادله اثبات سیستم تفتیشی:

☐ اقرار ولو با شکنجه

**مزایای سیستم تفتیشی:**

- حرفه‌ای بودن قضات
- وجود مقام تعقیب و اجازه قاضی برای کشف دلیل

**معایب سیستم تفتیشی:**

- غیرعلنی بودن
- غیر ترافیعی بودن

**ج - سیستم مختلط یا فرانسوی:**

این سیستم نخستین بار پس از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ در فرانسه ظاهر شد و پس از آن در دیگر کشورها از جمله ایران رواج گرفت. در این سیستم، مرحله تحقیقات مقدماتی که در دادسرا انجام می‌شود به طریق تفتیشی است (کتبی، غیر علنی و غیر ترافیعی است) و مرحله محاکمه و دادرسی که به دادگاه ارجاع شده به طریق اتهامی است.

**د - سیستم دادرسی اسلامی**

از ویژگی‌های سیستم دادرسی اسلامی می‌توان موارد زیر را نام برد:

- اول: علنی بودن
- دوم: شفاهی بودن
- سوم: رافعی بودن
- چهارم: فقدان دوئل و اردالی
- پنجم: وحدت قاضی
- ششم: مراجعه مستقیم به قاضی
- هفتم: اصل برائت
- هشتم: فقدان هیئت منصفه
- نهم: عدم نیاز به شکایت شاکی در جرم‌های حق‌الله (زنا- لواط- شرب خمر)
- دهم: قطعیت احکام.
- یازدهم: قسامه و علم قاضی از طرق اثبات اند.

و

و

و

و

## نکات طلایی

□ **رای وحدت رویه شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴:** با توجه به ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی که مقرر می دارد؛ آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان آراء صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، **تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می باشند** و از طرفی به موجب ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است؛ لذا مقررات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ منصرف از آرائی است که پیش از لازم الاجراء شدن آن صادر گردیده است.

□ رئیس هیأت های انضباطی رسیدگی به شکایات و تخلفات **کارکنان ارتش** معاون هماهنگ کننده می باشد. در ستاد فرماندهی کل ارتش در غیاب معاون هماهنگ کننده، **معاون اجرایی رئیس هیأت است.**

□ **حدود صلاحیت: هیأت بدوی رسیدگی به شکایات و تخلفات نیروهای مسلح، حسب مورد صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را نیز دارد:**

الف - تعیین وضعیت خدمتی کارکنانی که بر اساس احکام قطعی صادره از مراجع قضائی بیش از یک سال از خدمت منفصل می گردند.

ب - تعیین وضعیت خدمتی کارکنانی که موضوع تبصره (۳) ماده (۱۲) و ماده (۴۰) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ هستند

ت - تعیین وضعیت خدمتی کارکنان فراری بیش از شش ماه از حیث ادامه خدمت یا رهایی از آن که متخصص مجرب محسوب شوند و یا از بورسیه نیروهای مسلح استفاده نموده و در مرجع قضائی محکوم شده باشند.

ث - تعیین وضعیت خدمتی کارکنانی که در حین خدمت اثبات می شود از ابتدای استخدام فاقد شرایط عمومی استخدام بوده اند.  
ج - رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنانی که موضوع ماده (۳۸) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و ماده (۲۵) قوانین مقررات استخدامی سپاه و استخدامی نیروی انتظامی می باشند.

چ - اظهار نظر در خصوص برقراری وجوه مندرج در ماده (۱۴) قانون حقوق و مزایای مستمر، پس انداز ثابت، حق بیمه، بیمه درمانی مشمولان قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران و ماده (۱۸۷) مکرر قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و ماده (۱۹۰) قانون استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) که برای عائله تحت تکفل کارکنان اخراجی حداقل دارای پانزده سال خدمت مقرر شده است.

ح - تعیین وضعیت خدمتی کارکنان پایور که مرتکب فرار بیش از شش ماه شده و در زمان فرار فوت نموده اند.

□ کارمند نیروی انتظامی در زمان اشتغال جرم مربوط به شغل خود انجام می دهد و بعد از مدتی بازنشسته می شود؛ رسیدگی به جرایم او در صلاحیت کدام نهاد است؟ **بازنشستگی** اعضای نیروهای مسلح **مانع** رسیدگی به جرائم زمان اشتغال **در دادگاه نظامی** نمی شود. (مطابق ماده ۵۹۷ قانون نیروهای مسلح)

□ **به اتهامات نظامیانی که** در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاههای ایران صلاحیت رسیدگی به آنها را داشته باشند، چنانچه از جرائمی باشد که **در صلاحیت سازمان قضائی است (بنابراین اتهامات جرایم عمومی آنها که مرتبط با وظایف او نیست در صلاحیت دادگاه های عمومی است)، در دادسرا و دادگاه نظامی تهران** رسیدگی می شود.

□ **در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک و دادگاه نظامی دو در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک متبع است.** در صورت اختلاف در صلاحیت بین دادگاه نظامی یک زمان جنگ و دادگاه نظامی دو زمان جنگ **در حوزه قضائی یک استان، نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ لازم الاتباع است.**

□ در صورت اختلاف بین دادگاه نظامی دو زمان جنگ و دادگاه نظامی یک که در یک حوزه قضایی هستند، **نظر دادگاه نظامی یک زمان جنگ متبع است.** (سوال دکتری سراسری ۱۳۹۶)

## نکات طلایی قانون آیین دادرسی کیفری

**نکته: عوامل سقوط دعوی عمومی یا موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات عبارتند از:**

- الف - فوت متهم یا محکوم علیه؛
- ب - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت؛
- پ - شمول عفو؛
- ت - نسخ مجازات قانونی؛
- ث - شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون؛
- ج - توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون؛
- چ - اعتبار امر مختوم.

**نکته:** گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد.

**نکته:** مدت مرور زمان اجرای مجازات از مدت مرور زمان تعقیب و صدور حکم بیش تر است.

**نکته (مهم): جرائم ذیل مشمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات نمی شوند:**

□ الف - جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور

□ ب - جرائم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرائم موضوع تبصره ماده (۳۶) این قانون با رعایت مبلغ مقرر در آن ماده

□ پ - جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر

**نکته:** هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به **ولی یا قیم** وی ابلاغ می شود که **ظرف مهلت پنج روز** نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می شود و تعقیب و دادرسی ادامه می یابد.

**نکته:** ضرر و زیان ناشی از جرم که از سوی شاکی قابل مطالبه است عبارتند از: **ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول**

**نکته:** مدت زمان امکان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم از دادگاه کیفری (مدت زمان طرح دعوی خصوصی و تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری) **از زمان شروع به تعقیب متهم تا قبل از اعلام ختم دادرسی (در مرحله بدوی)**، می باشد.

**نکته: اصل برگشت ناپذیری:** مطابق این اصل هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آن که مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت **می تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری** مراجعه کند.

**نکته:** در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می شود، **باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد.** در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلاف **با دادگاه صالح مذکور در ماده ۲۷۱ ق.ا.د.ک** می باشد.

**نکته:** قرار اناطه صادره از دادسرا توسط شاکی **ظرف مهلت ده روز از ابلاغ اگر مقیم ایران باشد** و ظرف مهلت یک ماه از ابلاغ اگر مقیم خارج از کشور باشد قابل اعتراض است و قرار اناطه صادره از دادگاه نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۴۲۷ ق.ا.د.ک قابل اعتراض است.

**نکته:** انجام وظایف دادسرا در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، **به عهده دادسرای است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می کند مگر آن که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.**

**نکته:** کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است. **این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست. (نکته: دقت داشته باشید امکان طرح مساله در مورد این ماده که به صورت نکته ذکر شده است وجود دارد.)**

و  
و  
و  
و

## سوالات دکتری نیمه متمرکز با پاسخ تشریحی

### حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۴۰۰

این سال، در حال اضافه شدن است.

### حقوق جزا- آزمون دکتری نیمه متمرکز سال ۱۳۹۹

۱- «الف» ۱۶ ساله مرتکب حمل مواد مخدر با مجازات قانونی درجه ۴ شده ولی در زمان شروع به تعقیب «۲۰» سال سن دارد، مرجع تعقیب کدام است؟

- (۱) دادگاه انقلاب  
(۲) دادگاه اطفال و نوجوانان  
(۳) دادسرای عمومی و انقلاب  
(۴) دادسرای اختصاصی نوجوانان

**گزینه ۳ صحیح است.** قانونگذار در ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیقات مقدماتی در جرایم اطفال و نوجوانان را مورد توجه قرار داده است. بر این اساس، در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال به جز جرایم موضوع مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ این قانون، که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.

**ماده ۲۸۵- در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادسرای عمومی و انقلاب با عنوان دادسرای ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود. تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده سال به جز جرایم موضوع مواد (۳۰۶) و (۳۴۰) این قانون که به‌طور مستقیم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد، در این دادسرا به عمل می‌آید.**

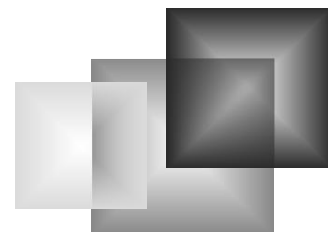
**تبصره ۱- تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر پانزده سال به‌طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان دادگستری و دادسرا است انجام می‌دهد.**

**تبصره ۲- در جرایم مشهود، هرگاه مرتکب، طفل یا نوجوان باشد، ضابطان دادگستری مکلفند نسبت به حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم اقدام نمایند، لکن اجازه تحقیقات مقدماتی از طفل یا نوجوان را ندارند و در صورت دستگیری وی، موظفند متهم را حسب مورد، فوری به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان تحویل دهند. انقضای وقت اداری و نیز ایام تعطیل مانع از رجوع به دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان نیست.**

**نکته:** قانونگذار آیین دادرسی کیفری، طفل را کسی دانسته که به حد بلوغ شرعی نرسیده و پیش‌بینی کرده است که به تمامی جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و محکومان بالای ۱۸ سال تمام موضوع ماده ۳۰۴ این قانون، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند. همچنین مقرر شده است که اگر در حین رسیدگی، سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد اما چنانچه قبل از شروع به رسیدگی، سن متهم از ۱۸ سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌شود. در صورتی نیز که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، نیز به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.

و  
و  
و  
و

# بخش پنجم: متون فقه جزایی





# حدود

## بالقصر لغةً حجازیه و بالمد تمیمیة؛

**بلوغ:** کودکی که مرتکب زنا می شود؛ فقط تادیب می شود نه حد \* **عاقل بودن،** نکته اینکه به مجنون که فاقد عقل می باشد حد زده نمی شود

مهم است - ایلاج به معنای دخول است.

(وهو) **أى الزنا (ایلاج) أى إدخال الذکر (البالغ العاقل فى فرج امرأة) بل مطلق أنثى قبلاً أو دُبراً**  
(محرمة) علیه (من غیر عقد) نکاح بینهما (ولا ملک) من الفاعل

للقابل (ولا شبهة) موجبة لاعتقاد الحل (قدر الحشفة)

ممکن است در اینجا زنا جا خالی گذاشته شود و باقی جمله ذکر شود و از شما گزینه صحیح پرسیده شود.

زنا با الف مقصوره و الف ممدوه لغت کدام مکان ها است؟

زنا با الف مقصوره، **لغت اهل حجاز بوده** و با الف ممدوده **لغت اهل تمیم** می باشد.

زنا عبارت است از اینکه شخص **بالغ و عاقلی**، از روی علم و اختیار آلت خود در فرج زنی وارد کند. منظور از زن، زنی است که عاقل و بالغ باشد و دختر صغیر را شامل نمی شود. اما شارح می فرماید: تفاوتی بین بالغ و عاقل بودن زن با عدم آن وجود ندارد. یعنی، اگر شخص بالغ و عاقلی آلت خود را در فرج دختری که به سن بلوغ نرسیده، داخل کند، باز هم زنا محقق می شود. همچنین فرق نمی کند که آلت خود را در قُبُل یا در دُبُر او داخل کند، در هر دو صورت زنا محقق می شود. علاوه بر این لازم است آن زن، بر مرد حرام باشد و مرد زن را به عقد خود درنیاورده باشد و یا او را نخریده باشد و یا شبهه ای هم نباشد که آن شبهه موجب شود که مرد تصور کند آن زن بر او حلال است. پس اگر مردی از روی اشتباه با زنی نزدیکی کند؛ این وطی به شبهه محسوب می شود و مجازات زنا ندارد. افزون بر این، زنا زمانی محقق می شود که ایلاج «قدر الحشفه» باشد. اگر به اندازه ی «قدر الحشفه»، یعنی به اندازه ی ختنه گاه نزدیکی کند، زنا محقق می شود. اما اگر کمتر از «قدر الحشفه» باشد، زنا محقق نمی شود.

### \*نکته: مفعول المصدر المصدر به. و يتحقق قدرها بإيلاجها نفسها

کلمه «قدر» مفعول و منصوب به مصدر (ایلاج) است که در صدر کلام مصنف آمده است. بنابراین می فرماید: **مفعول المصدر، المصدر به: دقت کنید این** دو کلمه که فقط اعراب آنها متفاوت است به راحتی شما و ذهنتان را می تواند در آزمون درگیر کند. اولی با فتحه و سکون است و دومی با ضمه و فتحه خوانده می شود. ضمناً معنایش هم مهم است: **مفعول المصدر. منظور کلمه قدر است. المصدر به: لغت (به) ایلاج بر می گردد.**

### \*نکته: ایلاج أى إدخال الذکر البالغ العاقل فى فرج امرأة

زنا عبارت است از اینکه شخص بالغ و عاقلی، از روی علم و اختیار آلت خود در فرج زنی وارد کند. منظور از زن، زنی است که عاقل و بالغ باشد و دختر صغیر را شامل نمی شود.



## و یتحقق قدرها بإیلاجها نفسها أو إیلاج قدرها من مقطوعها «قدر الحشفه»

به دو چیز محقق می‌شود: یا ایلاج خود حشفه است، که این در صورتی است که مرد حشفه‌ای داشته باشد و اگر حشفه‌ای نداشته باشد، به اندازه حشفه داخل کند. (مهم است: بنابراین زنا با ایلاج و داخل کردن خود حشفه و یا به اندازه حشفه اگر نداشته باشد محقق می‌شود).

وإن كان تناولها للاول لا یخلو من تكلف؛ به عنوان جا خالی ممکن است مطرح شود؛ علم در حرمت و مختار در انجام دادن

کلمه «قدر الحشفه» شامل خود حشفه نمی‌شود مگر با تکلف.

### نکته: فی حاله کون المولج (عالمًا) بالتحريم (مختارًا) فی الفعل:

زنا وقتی محقق می‌شود که داخل‌کننده به حرمت آن کار عالم باشد و در کاری که انجام می‌دهد، اختیار داشته باشد؛ یعنی اجباری در کار نباشد و اگر کسی را به زنا مجبور کنند، حدّ زنا بر او جاری نمی‌شود و عمل او زنا به حساب نمی‌آید.

## قیود موجود در تعریف

فهنّا قیود؛ در تعریف مصنف چند قید آمده است که باید بررسی شوند، تا با تحقق این قیود بتوانیم بگوییم زنا محقق شده است

تفخیز یا همان قرار دادن آلت در میان پا حد محسوب نمی‌شود.

مهم است

### ۱- تحقق ایلاج

أحدها: الإیلاج؛ فلا یتحقق الزنی بدونہ کالتفخیز وغیره، وإن كان محرماً یوجب التعزیر؛ یکی از قیود زنا ایلاج است و زنا بدون آن محقق نمی‌شود. پس اگر تفخیز کند؛ یعنی از اطراف ران‌ها استفاده کند (لای پاها) و یا از راه دیگری از زن اجنبی کامجویی کند اما دخول نکند؛ هرچند این کار حرام و موجب تعزیر است، ولی زنا محقق نمی‌شود.

### ۲- بلوغ زانی

ثانیها: کونها من البالغ؛ فلو أولج الصبی أدب خاصه؛ ادخال‌کننده شخصی بالغ باشد؛ یعنی، اگر کودکی که نابالغ است با زنی نزدیکی و ایلاج کند، تنها تأدیب می‌شود، اما حد بر او جاری نمی‌گردد.

جای خالی می‌آید به این صورت... علی الاقوی لارتفاع القلم عنه

### ۳- عاقل بودن زانی

ثالثها: کونه عاقلاً؛ ایلاج‌کننده باید عاقل باشد.

فلا یحد المجنون علی الأقوی لارتفاع القلم عنه؛ اگر دیوانه‌ای با زنی نزدیکی کند، زنا نیست و حد بر او جاری نمی‌گردد؛ چرا که تکلیف از دیوانه ساقط شده است.

ویستفاد من إطلاقه عدم الفرق بین الحر والعبد، وهو كذلك، وإن افرقا فی کمیة الحد وکیفیته؛ از اطلاق کلام مصنف که می‌فرماید: شخص بالغ و عاقل ایلاج کند، چنین برداشت می‌شود که تفاوتی نمی‌کند که آن شخص بالغ و عاقل، آزاد یا بنده باشد، هرچند که حکم مجازات بنده و آزاد، هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت متفاوت است؛

زیرا اگر شخص آزادی زنا کند، به او صد تازیانه می‌زنند، اما اگر بنده‌ای زنا کند، به او پنجاه تازیانه می‌زنند. از نظر کیفی نیز حکم بنده و آزاد متفاوت است؛ اگر شخص آزادی زنا می‌کند، او را رجم می‌کنند، اما اگر بنده‌ای زنا می‌کند، رجم نمی‌شود.

#### ۴- تحقق دخول در فرج

کون الإیلاج فی فرجها؛ فلا عبرة (در جاهایی که کلمه ه همزه دار است در حقیقت تای گرد است اما به دلیل اینکه با فونت بی نازنین تایپ شده متاسفانه این کلمه نشان داده نمی‌شود؛ البته این کار به دلیل بهتر شدن فونت بوده چرا که اگر با فونت عربی ارائه می‌شد جذابیت کمتری برای خواننده ایجاد می‌کرد.) باید ایلاج در فرج زن تحقق پیدا کند. یا ایلاجه فی غیره من المنافذ و إن حصل به الشهوة والإنزال؛ پس اگر آلت خود را در غیر از فرج، مثل دهان وارد کند، زنا محقق نمی‌شود. هرچند مرد تحریک شهوانی شود و انزال کند. والمراد بالفرج العورة، كما نصّ عليه الجوهري، فيشمل القبل والدبر، وإن كان إطلاقه على القبل أغلب؛ فرج مطلق عورت را می‌گویند و فرق نمی‌کند که قبل (جلو) یا دبر (پشت) باشد، همان‌طور که جوهری به این مسئله تصریح کرده است که فرج هم شامل قبل و هم شامل دبر می‌شود، هرچند که فرج اغلب بر قبل اطلاق می‌شود.

#### ۵- بلوغ زانیه

خامسها: كونها امرأة؛ یعنی کسی را که با او زنا می‌کند، امرأة باشد.

وهي البالغة تسعة سنين، لأنها تأنيث المرء وهو الرجل؛ «امرأة» زنی است که به حد بلوغ، نه سالگی، رسیده باشد زیرا «مرء» (بدون تاء) به مرد گفته می‌شود و با «تاء» به زن اطلاق می‌شود. ولا فرق فيها بين العاقلة والمجنونة، الحرة، الحية والميتة، وإن كان في الميتة أغلظ كما سيأتي؛ وطی با زن عاقل، دیوانه، آزاد، زنده و یا مرده، همه زنا محسوب می‌شود، هرچند زنا با زن مرده شدت بیشتری دارد و گناهش سنگین‌تر است.

وخرج بها إیلاجه فی دبر الذكر فإنه لا يعدّ الزنى وإن كان أفحش و أغلظ عقوبة؛ اگر کسی آلت خود را در دبر مردی داخل کند، آن را زنا نمی‌گویند، بلکه لواط می‌گویند؛ هرچند از نظر عقوبت، گناه لواط بیشتر و عقوبت آن غلیظ‌تر است.

#### ۶- حرام بودن زن بر مرد

سادسها: كونها محرمة عليه؛ زنا زمانی محقق می‌شود که زنی که با او نزدیکی می‌کند، بر او حرام و برای او اجنبی باشد، یا اینکه یکی از محارمش باشد که نزدیکی با آنها حرام است. فلو كانت حلیة بزوجة لم يتحقق الزنا؛ اگر زن، همسر فرد باشد، بر او حلال است و در این صورت زنا محقق نمی‌شود.

زن ظاهر شده

زنی که ایلاء شده است

وشملت المحرمه الأجنبية المَحْصَنَة والخالية من بعل، ومحارمه وزوجته الحائض والمظاهرة والمولى منها والمحرمه وغيرها وامته المزوجة، والحائض ونحوها وسيخرج بعض هذه المحرمات؛ وقتی گفته می‌شود: «زن حرام» موارد متعددی را شامل می‌شود. که این موارد عبارت‌اند از:

۱- زن اجنبی محصن یا غیرمحصن بدون شوهر؛

۲- زنی که با فرد محرم است؛

۳- زنی که در عادت ماهیانه است؛

۴- زنی کهظهارشده است؛ یعنی، شوهرش به او گفته که پشت تو مانند پشت مادرم بر من حرام است «انت

علی کظهر امی»

۵- زنی که «ایلاء» شده است. اگر کسی به زن خود بگوید که من قسم می‌خورم تا چهار ماه

با تو نزدیکی نکنم. به آن ایلاء می‌گویند و اگر بخواهد با او نزدیکی کند باید کفاره بدهد تا زن بر او

حلال بشود؛

۶- زنی که به واسطه محرم بودن یا غیر آن، بر شوهر خود حرام است؛

۷- زنی که طلاق داده شده و در عده ی طلاق بائن است. در این صورت نیز اگر در این مدت مرد با زنش

نزدیکی کند، زنا محسوب می‌شود؛

۸- هرگاه فرد با کنیز خود که در عادت ماهیانه است، نزدیکی کند، فعل او حرام است. شارح می‌فرماید که در

بیشتر این موارد که عمل مرد با زن در آنها حرام است، زنا محسوب نمی‌شوند؛ برای مثال اگر کسی با زن

خود که در عادت ماهیانه است نزدیکی کند، این کار او هرچند حرام است اما عملش زنا نیست. شارح

می‌فرماید: در ادامه بعضی از زنانی را که حرام هستند، اما نزدیکی با آنها زنا نیست، از این تعریف خارج

می‌کنیم.

۹- زن در عقد یا ملک مرد نباشد و وطی از روی شبهه اتفاق نیفتد.

## ۷- زن در عقد نکاح مرد نباشد

سابعها: کونها غیر معقود علیها ولا مأتیه بشبهه؛ شرط هفتم آن است که زن در عقد نکاح مرد نباشد، و وطی

مرد با زن به خاطر شبهه صورت نگرفته باشد.

وبه یخرج وطء الزوجة المحرمه لعارض مما ذکر، وكذا الأمة، فلا یترتب علیه الحد وإن حرم؛ با این قید

که زن در عقد مرد نباشد، زن او از محدوده ی تعریف خارج می‌شود؛ چون زن او عقد شده ی او است، هرچند وطی زنش

نیز حرام باشد؛ برای مثال زنش حائض باشد. منظور از «عارض مما ذکر» نیز همان حیض است.

همچنین با این قید، کنیز نیز از محدوده ی تعریف خارج می‌شود؛ برای مثال اگر کنیز محیض باشد، وطی او حرام است، ولی

اگر وطی کند، زنا محسوب نمی‌شود.

ولهذا احتیج إلى ذكره بعد المحرمه إذ لولاہ لزم كونه زنا يوجب الحد؛ مصنف دو چیز ذکر کرده است؛ یکی اینکه آن زن حرام باشد و دیگری اینکه عقد شده نباشد؛ چون اگر عقد شده باشد، هر چند نزدیکی با او حرام باشد، ولی در صورت نزدیکی زنا صدق نمی‌کند و اگر این‌طور نباشد و با او نزدیکی کند، زنا محقق و مستوجب حد می‌شود.

وإن كان بالثانی يستغنی عن الأول؛ هر چند با قید «کونها غیر معقود علیها» فهمیده می‌شود که آن زن باید حرام باشد، چون وقتی «معقود علیها» نباشد، حرام است و نیازی نیست که محرمه را جداگانه ذکر کند. این کونها غیر معقود علیها ما را از ذکر محرم بودن بی‌نیاز می‌کند؛ چون هر حرامی زنا نیست. برای مثال وطی در حال حیض حرام است، اما زنا نیست. پس آنچه که موجب زنا می‌شود، این است که عقد شده نباشد.

إلا أن بذلك لا يستدرک القید، لتحقق الفائدة مع سبقه؛ اگرچه این قید «غیر معقود علیها» برای ما کافی است، اما این‌طور هم نیست که ذکر واژه محرمه مستدرک و زائد باشد، چون بی‌فایده نیست.

**نکته: والمراد بالعقد: ما يشمل الدائم والمنقطع، وبالملك: ما يشمل العین؛** منظور از اینکه غیرمعقوده باشد، این است که آن زن، نه زن دائمی و نه زن صیغه‌ای اش باشد و ملکش باشد؛ آنچه شامل عین می‌باشد.

ممکن است در اینجا جمله ذکر شود و کلمه بالشبهه به صورت گزینه جای خالی مطرح شود.

**وبالشبهه: ما أوجب ظن الإباحة لا ما لولا المحرمية لحلت كما زعمه بعض العامة؛** پیش‌تر گفته شد که **ولا مأتیة بشبهه؛** یعنی از راه شبهه با زن نزدیکی نکرده باشد. منظور از شبهه این است که مرد ظن حلیت بکند؛ برای (مثال زنی در رختخواب مرد بخوابد و هوا نیز تاریک و چراغ‌ها خاموش باشد و مرد به خیال اینکه این زن که در رختخوابش خوابیده است، زن خود اوست، با او وطی کند. در این صورت وطی به شبهه انجام می‌گیرد؛ زیرا زن کاری انجام داده که آن کار موجب ظن به اباحه شده است. آنچه موجب ظن به اباحه شده است، خوابیدن زن در رختخواب مرد بوده است. البته بعضی از علمای اهل سنت گفته‌اند که شبهه در اینجا این است که مرد یکی از محارم خود را به عقد خود درآورد، در این صورت از آنجا که اگر محرمیت در بین نبود، با عقد حلال می‌شد، اما چون محرمیت در بین است، بنابراین، فرد اشتباه کرده است؛ برای مثال اگر فرد با خواهر خودش عقد و نزدیکی کند، نفس این عقد موجب شبهه می‌شود و از نظر ابوحنیفه عقد شبهه محسوب می‌شود. عجیب این است که می‌داند خواهرش است و می‌داند که نمی‌تواند با او ازدواج کند ولی عقدش می‌کند. این نظر از دیدگاه علمای شیعه مردود است.

## ۸- تحقق ایلاج به اندازه حشفه

**ثامنها: کون الإیلاج بقدر الحشفة وما زاد؛** شرط هشتم برای تحقق زنا این است که لااقل به اندازه ختنه‌گاه داخل شود. **فلو أولج دون ذلك لم يتحقق الزنا كما لا يتحقق الوطء لتلازمهما هنا؛** پس اگر کمتر از حشفه داخل شود، زنا و وطی تحقق نمی‌یابد و تنها تعزیر می‌شود، همچنان که در بحث ما، این دو با هم ملازمه دارند.

**فإن كانت الحشفة صحيحةً اعتبر مجموعها، وإن كانت مقطوعةً. أو بعضها اعتبر إيلاج قدرها**

**ولو ملفتاً منها ومن الباقي وهذا الفرد أظهر في القدرية منها نفسها؛** کسی که حشفه سالمی دارد، وقتی زنا یا او محقق می‌شود که مجموع حشفه را داخل کند. اما اگر هنگام ختنه، آن را اشتباهاً بریده باشند، یا اینکه کمی از حشفه را بریده و مقداری دیگر از آن مانده باشد که آن مقدار باقی‌مانده با مقداری از ذکر به اندازه یک حشفه می‌شود، در این صورت اگر باقی‌مانده حشفه را با مقداری از ذکر داخل کند، به طوری که مجموع آن دو به اندازه یک حشفه باشد، زنا صدق می‌کند. مقداری از حشفه که باقی‌مانده قدر بهتر درباره آن صدق می‌کند تا صدق قدر بر کل حشفه، کل حشفه قدر حشفه نیست، خود حشفه است.

شبهه حکمیة - حرمت عمل

### ۹- علم فاعل به حرمت زنا

**نکته:** تاسعها: کونه عالماً بتحريم الفعل؛ شرط نهم این است که فاعل باید به تحریم فعل عالم باشد؛ یعنی، وقتی زنا صدق می‌کند که بداند عملش حرام است.

**نکته:** فلو جهل التحريم ابتداء لقرب عهده بالدين، أو لشبهه، كما لو أحلته نفسها مع إمكانية في

حقه لم يكن زانياً؛ اما اگر به دلیل تازه مسلمان شدن و یا شبهه که زنش برای وی در حقیقت حلال بوده است؛ نداند که عملش حرام است، زنا بر او صدق نمی‌کند. (اگر یک مجوسی که ازدواج با محارم را جایز می‌داند، مسلمان شود و خواهرش را وطی کند، چون نمی‌داند که اسلام ازدواج با محارم را حرام کرده است، زنا بر او صدق نمی‌کند و حد بر او جاری نمی‌شود؛ چون جاهل است و جاهل معذور است.

برای مثال اگر زنی به مردی بگوید که بیا و مرا وطی کن، من راضی هستم و آن مرد خیال کند که رضایت زن کافی است و نیازی به عقد نیست، آن‌گاه زن را وطی کند و پس از آن متوجه شود که اشتباه کرده است، زنا یا مرد محقق نمی‌شود. البته این به شرطی است که امکان این توهم درباره ی زانی وجود داشته باشد.

**ويمكن الغنى عن هذا القيد بما سبق لأن مرجعه إلى طروء شبهة وقد تقدم اعتبار نفيها؛** ممکن است

بگوییم که نیازی به ذکر قید کونه عالماً بالتحريم نیست؛ چرا که پیش‌تر در تعریف گفته شد که وطی به شبهه زنا نیست. به عبارت دیگر، اگر کسی خیال کند که با اعلام رضایت زن، وطی او بر وی حلال می‌شود؛ وطی‌اش، وطی به شبهه محسوب می‌شود. بنابراین ذکر عبارت کونه عالماً بتحريم الفعل در اینجا لازم نیست، چون وطی به شبهه پیش‌تر ذکر شده و یکی از مصادیق شبهه نیز این است که اشتباهی زن را بگیرد و وطی‌اش کند و چنین تصور کند که زن بر او حلال است.

**نکته:** والفرق بأن الشبهة السابقة تجامع العلم بتحريم الزنى، كما لو وجد امرأة على فراشه، فاعتقدها

زوجته، مع علمه بتحريم وطء الأجنبية، وهنا لا يعلم أصل تحريم الزنى؛ گاه ممکن است در مقام فرق این قید با قید سابق گفته شود که شبهه‌ای که پیش‌تر گفته شد، با علم به حرمت زنا جمع می‌شود؛ یعنی می‌داند که زنا حرام است، ولی یک زنی را اشتباهاً وطی‌اش می‌کند. برای مثال اگر زنی در بستر مردی خوابیده و آن مرد با علم به اینکه زن اجنبیه را نباید وطی کند، اما با این تصور که زنی که در بستر او خوابیده، زن او است، او را وطی می‌کند، این مسئله با مسئله ی مورد بحث تفاوت دارد چرا که در مسئله بحث‌شده فرض بر این است که مرد تحریم زنا را نمی‌داند.

غیر کاف فی الجمع بینهما مع امکان إطلاق الشبهه علی ما یعلم الجاهل بالتحريم؛ این فرقی که بیان شد کافی نیست که هر دو را ذکر کند؛ زیرا شبهه دو جور است: گاه همراه با جهل به تحريم و گاه همراه با علم به تحريم است؛

### نکات ذیل برای آزمون مهم است:

**\*نکته:** کونه **عالمًا بتحريم الفعل**؛ فاعل باید به تحريم فعل عالم باشد؛ یعنی، **وقتی زنا صدق می کند** که بدانند عملش حرام است. نکته مهم در این جمله این است که منظور از فعل در این جمله زنا است که موجب شبهه حکمیه شده است.

**\*نکته:** **فلو جهل التحريم** ابتداء لقرب عهده بالدين، أو لشبهه، كما لو أحلته نفسها مع إمكانه فی حقه لم یکن زانیاً؛ اما اگر به دلیل تازه مسلمان شدن و یا شبهه که زنش برای وی در حقیقت حلال بوده است؛ نداند که عملش حرام است، زنا بر او صدق نمی کند. در اینجا منظور از جهل به تحريم جهل حکمی است.

**\*نکته:** والفرق بأن الشبهه السابقه تجامع العلم بتحريم الزنی، كما لو وجد امرأة علی فراشه، فاعتقدها زوجته، مع علمه بتحريم وطء الأجنبية، وهنا لا یعلم أصل تحريم الزنی؛ گاه ممکن است در مقام فرق این قید با قید سابق گفته شود که شبهه ای که پیش تر گفته شد، با علم به حرمت زنا جمع می شود؛ یعنی می داند که زنا حرام است، ولی یک زنی را اشتبهاً وطی اش می کند. برای مثال اگر زنی در بستر مردی خوابیده و آن مرد با علم به اینکه زن اجنبیه را نباید وطی کند، اما با این تصور که زنی که در بستر او خوابیده، زن او است، او را وطی می کند، این مسئله با مسئله ی مورد بحث تفاوت دارد چرا که در مسئله ی بحث شده فرض بر این است که مرد تحريم زنا را نمی داند. بنابراین جمله اولی که زنی را اشتبهاً وطی می کند شبهه موضوعیه است.

**نکته:** جمله ذیل اشاره به کدام مورد دارد؟ كما لو وجد امرأة علی فراشه، فاعتقدها زوجته، مع علمه بتحريم وطء الأجنبية: **شبهه موضوعیه**

### ۱۰- اختیار فاعل در انجام فعل

و

و

و

و

## نکات مهم

- ☑ **الزنا: إيلاج أي إدخال الذكر البالغ العاقل في فرج امرأة:** زنا عبارت است از داخل نمودن مرد بالغ عاقل آلت رجولیت خود را در فرج زنی که بر وی حرام است بدون اینکه عقد نکاحی بین آنها بوده یا زن مملوکه مرد باشد و نیز عمل مزبور نباید شبیهه واقع شده باشد.
- ☑ و ضمیر (هو) راجع به (زنا) بوده و (هو ای الزنا) و کلمه (ایلاج) به معنای (ادخال) است و مقصود از ادخال، ادخال مذکری است که بالغ و عاقل باشد.
- ☑ (قدر الحشفه): این کلمه منصوب است تا مفعول برای مصدری که در صدر کلام واقع شده یعنی (ایلاج) باشد و بدین ترتیب معنای عبارت چنین می شود:
- ☑ و ایلاج قدر حشفه یا به ادخال خود حشفه است و یا اگر شخص مقطوع الحشفه بوده به این است که مقدار آن از بقیه نرینه را در فرج ادخال نماید: **ويتحقق قدرها بإيلاجها نفسها أو إيلاج قدرها من مقطوعها «قدر الحشفه»**

و  
و  
و  
و  
و

دکتری - ۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۰۲  
۰۹۱۲۲۱۰۹۳۱۹-۰۲۱۶۶۹۲۱۰۲۰۲



## خودسنجی

۱- عبارت ذیل تعریف کدام یک از گزینه هاست؟

(وهو ایلاج أي إدخال الذکر البالغ العاقل فی فرج امرأه)

- الف- لواط  
ب- زنا  
ج- مساحقه  
د- قذف

و

و

و

و

گوشزد: در بخش به غیر از درسنامه مربوط به ۵ بخش متون  
فقه (حدود، قصاص، دیات، قضا و شهادت) هم سوالات دکتری نیمه  
متمرکز وجود دارد و هم سوالات تالیفی و شبیه ساز.